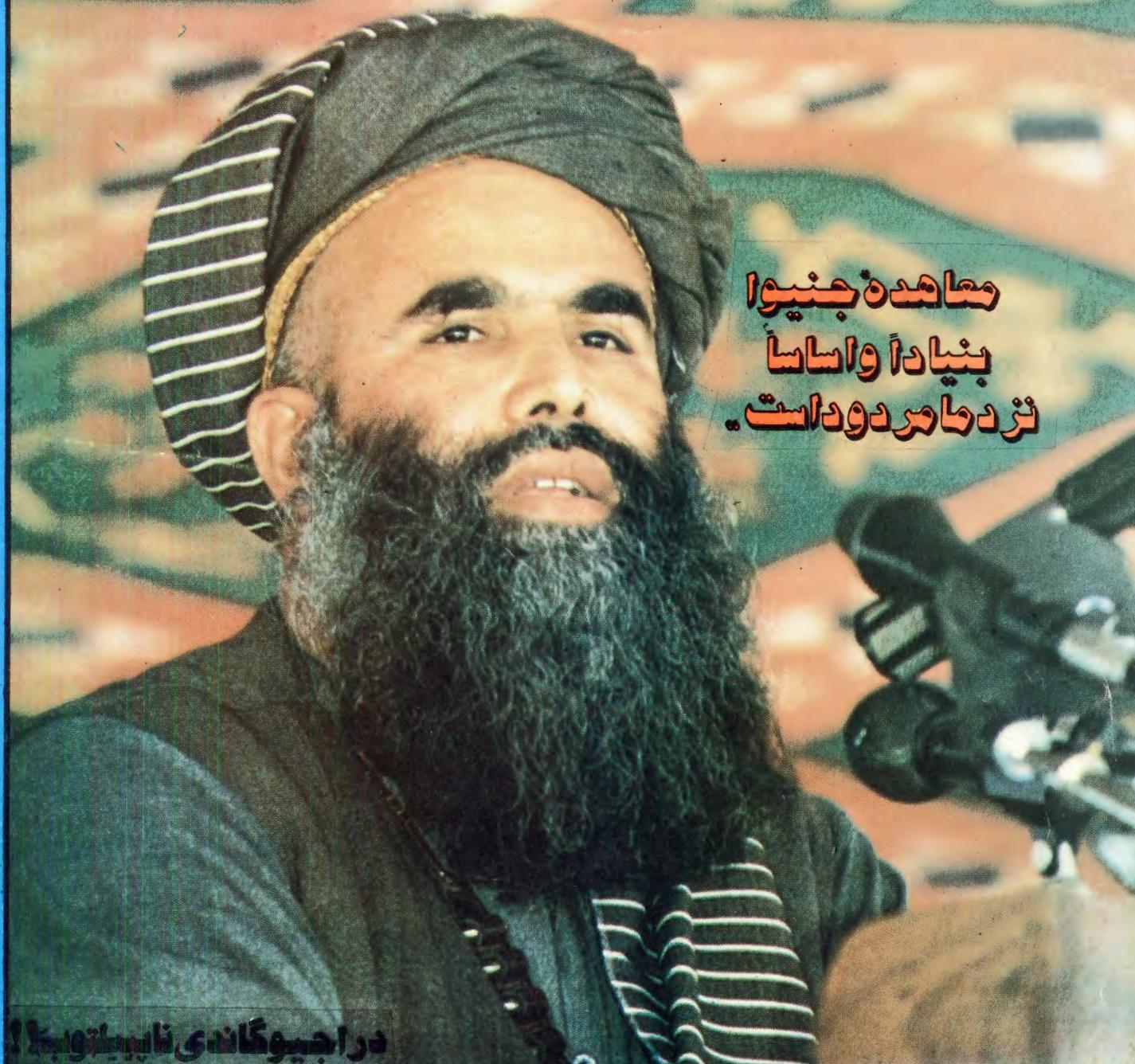




جۇپىياڭچىرى

بىانگر اهداف اتحاد اسلامى افغانستان

معاهده جىئوا
بىنادا واساسا
ئىزدەمەر دودا ست.



در آجیو گاندی نایم بىلەت ۱۹۷۸

د فتو کاتو میاشت

دو هم هجری کال ، در مesan المبارک میاشت و ، پر مسلمانانو باندی روژه نیول دلومری چل لپاره فرض شوی و همچو
هدی کال او په همی میاشت کبئی لومرنی لویه غزا یعنی دبدراکبری مرکه پیشنه شوو .

غزاته له روانیدو هنکی رسول اکرم صل الله علیه و آله وسلم مهاجرین او انصار راغونه کول ، دجگری په هکله یه
ورسره مشوره وکره ، له مهاجرین تو خنخه حضرت ابو بکر « رض » او عمر « رض » ویناوی وکری او ور پسی
حضرت مقداد بن عمرو « رض » به خپله ویناکبئی ووبل :

یار رسول الله ! الله چس تاته هر امر کری وی هنفسی وکره ، مونږ درسره ملکری یو ، مونږ به هفسی خبره درته ونکرو
لکه چس بینی اسرائیلو خپل پیغمبر موسی علیه السلام ته کری و چس : « ته او ستاخدای دواړه لاړشی ، وجنگیکری
او مونږ به دلته درته ناست یو » په هغه خدای قسم چس ته بی پیغمبر په حیث را پېښل بی که ته برک الغمامه پوری
لاړشی هم مونږ به درسره یو ۰۰۰ »

حضرت سرور عالم صل الله علیه وسلم پداشی حال کبئی چس په مبارکه خیره کبئی بی دخوبی بینی و ځلیدی بیانی
هم خپله خبره تکرار کری و بینی فرمایل : « ماته مشوره را کری خه دی وشی ؟ » انصار و پوهیدل چس سوال مونږیه
متوجه دی ، حضرت سعد بن معاذ « رض » پا خشیده او عرض بی و کری : « یار رسول الله ! مونږ په تاباندی ایمان را وړی
دي ، ستا تصدیق موکری دی ، اودا شاهدی مونږی ده چس تاچی شه را وړی دی هغه حق دی ، مونږ
ستاد فرمانبرداری او اطاعت ګلکه وعده کریده ، هری خواته چس غواړی لاړشه مونږ درسره ملکری یو ، په هغه خدای
قسم چس ته بی برحق پیغمبر را پېښل بی ، که ته په سمندر کبئی څان وغور ځوی مونږ به هم درسره ځانونه وغور ځوو ،
له مونږینه به یو تون هم شاته پاتی نشي ، مونږ دا بدنه نه ګنویسي ته مونږ سبا ددبمن مقابله ته بوشی ، مونږ په جنک
کبئی ګلک او تکری یو ، هیله من یو پیچی خدای تاته ز مونږ خلوا داسی کارنامه دروینی چس ستا سترگی ور باندی یعنی
شي ، خه با دا الله په برکت لاړشے »

ددی وینا له او ریدو وروسته درسول اکرم صل الله علیه وسلم په مبارکه خیره کبئی دخوبی ځلیدی خپله شوی
و بینی فرمایل : « خنی لاړشی ، او خوشاله او سی چسی الله له ماسره له دو و دلونه دیوی وعده کریده ۰۰۰ »

پدی جگریه کبئی دمسلمانانو شمیر ۳۱۲ تنه وو ، دو او سونه ، شپړته او بیان ورسه وو ، وسله بی هم بیخنی ناکاف وه
او هاخواته ددبمن شمیر یوزر کسان او هټول دهه وخت په جنکی وسايلو مجهز وو خود مرکی په میدان کبئی چس
در رمضان په ۱۷ نیته وشهه دلوی خدای په فضل کامیابی او قلع دمسلمانانو په نصیب او شکست او رسوانی دخداي
ددبمنانو په برخه شوو .

او داثابته شوه چی مادی وسائل دایمان دوسل مقابله نشي کولای . « ق - ک »



فاروا تجارت

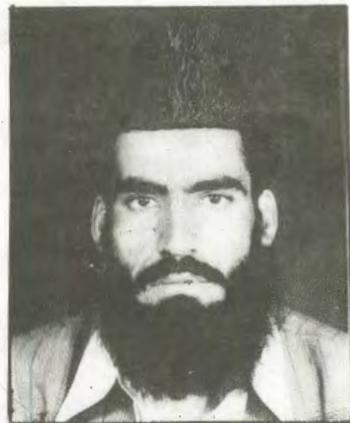
دیوهودی کنندو و پز دشپرد کلني گرخنده بدلomasی په
تسيجه گېنى با الآخره دېجىوا گرفېرىنه معاهده دەنناقى
اسىكما ، تىرى كۈونىكى روسىس ، دەنلىي پەيانكۈنۈ
سېسىد تېل شىرى رېئىم ، دەملەگىر و مەلتۈنۈ دېنى واكە عەمىسى
سکرتر او دا سلامى خۇبىچان پاكسستان قىرىمعەن پە داسى
حال كېچى لاملىك شەۋىچى نە خۇلى دەنى مەك دوان ئاتىر
حق پە نظرىكى وىنۇر ، نە ئى دەملەگىر و مەلتۈنۈ دەقاڭىن چى
دولسۇنۇ دەرسۈشتەت حق دولسۇنۇ خەپل گەنی كۆم دەنناوارى
و كېر ، اونە خۇلىسى هەم دەخپۇل اتە كەنۇپەتلىق پەرىكەر و
استرام و كېچى دەرسولېنگىر و دەغلىو ، دا قاتانستان دەخىكى
دەقامىت ، مەل استقلال اوشىدە ارادىيەت خەرىشى ئەگەر كۆم
پەياملىرىنە و كېر ، اولە تۈزۈمەنە ئى دايىش دەن بىشىسى
معاهىدى دەنۈر و نۇرمىاشتەر لایاره روسى تىرى دەنۈل نېرى پە
ورانلىقى پە رسمىت پەيىزىندا او دا قاتانستان دەپەسلامان او بە
استقلال مەن مەلت دەخىدە ارادىيەت بەاء بى و رېنېھ كەر .
نە پەيىزىندا دا دۆل معاهىدە اوس پە شە عنوان و زۇمۇپىس نە
خۇرۇپ بالانلىق جەنگ پاى ئە ورسىد ، نە ئى دېنخە مەلۋەنە
مەجاھىز بىرەن دېرىتە راتىك لایاره كۆمە مەقتوەلە لایار بىدا كەر ،
اونە ئى لە روسا ئەن خەنە و خۇبىنلىق چى د ٣٦ ساھى
اشىمال پە ھائى پە ٧٧ ساھى كېنى خەپل سەر ئەخىرى
قاواوى لە انسانستان خەنە پەرتە لە قىد ، شەرت اۋەندى
و باس تىرىخ دا قاتانستان حەلخ دەخپۇل رائىلۇنگى پە مەكلە

نوباید په دا ګه سره وویل شی پس : دجهنو دنه پوچه
ممایمه دهی جاهد ملت په دیانې انساناً ره او دهنه
داجراه اوپل کیدو په مکله هیغه دول مکلفت او تهد
تلری او دخیل بشپړی آزادی او د اسلامی حکومت
تریوریدو دوسله وال جهاد له ادامی پرته به لیار
او منقول حل نه و پنځی .

دویس کال - نہمہ کنہ (غونی ۱۳۶۷) - رمضان غلبگو

یہ دی گنہ کی :

- | | |
|----|---------------------------------------|
| ۱ | چه معاہدہ جنیوا را رد میکنیم ؟ |
| ۲ | را جیوگا ندی وار خطادی |
| ۳ | معاہجہ با امیر اتحاد اسلامی افغانستان |
| ۴ | د جنیوا کر غیر نہ معاہدہ رد شو |
| ۵ | اهداف امر بکا از دلسوزی با جهاد |
| ۶ | یوه بله تمثیلی ہا رچہ |
| ۷ | حقیقت ایسن جہاد |
| ۸ | فرجا م تکنیں یک فاجعہ خو نین |
| ۹ | اهداف و حشتناک روپها در منطقہ |
| ۱۰ | فلسطین ولی خا بیع شو ؟ |
| ۱۱ | دثور ناولی کودتا و غندل شو |
| ۱۲ | دعوت اخوان المساعین |
| ۱۳ | مسازمان کسی - جسی - بسی |
| ۱۴ | د جها د په ہلو شسو کسمبی |
| ۱۵ | د خدا دی بے آسان |



چرا معاہده جنیوا را رد نمیکنیم

تحلیل: محمد دیاسر

الطاغوٰت و قد امر و آن یکفروا
بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضْلِلُهُمْ
ضَلَالًا بَعِيدًا۔ سُورَةُ النَّسَاءِ
آیه ۶۰

(آیا ندیدی کسانی را که می‌پندارند که هر آینه ایشان ایمان آورده‌اند به آنچه که نازل شده بسوی تو و آنچه فرو فرماده شد پیش از تو می‌خواهند که قضایای خویش را جهت‌فصله به سوی شیطان (طاغوٰت) تقدیم کند و حالانکه مکلف شده‌اند که باید کافر بر شیطان باشند و می‌خواهد شیطان که گراه گرداند ایشان را به گمراهی دوری) این آیت در مورد همان منافقی نازل شد که با یک یهودی منازعه داشت یهودی می‌خواست که پیامبر در بین ایشان فیصله کند زیرا یهودی و حق بر جانب بود و میدانست که پیامبر ظلم نمیکند و منافق که ظاهرآ مسلمان بود گفت که باید کعب بن اشرف که زعیم یهودی بود حکمت کند زیرا ظلم خصایص طواغیت است که منافق آنرا درک کرده بود.

مذاکرات جنیوا در بین روس و امریکا جاری بود و مذاکرات غیر مستقیم پاکستان و حکومت مزدور کابل در حقیقت نمایندگی از موقف دو ابر قدرت میکرد که با ماسک‌های جدا جلوه می‌نمود.

دو ابر قدرت که زمامدار استعمار شرق و غرب هستند حیثیت دوطاغوت را دارند.

مسکن درین مسئله که مذاکرات اساساً بین روس و امریکا بود کسی با ما مخالف نباشد و در این مسئله که هر دو جهت یعنی روس و امریکا دو قدرت طاغوتی است هم کسی با ما مخالفت نمیکند.

وقتیکه دو مطلب ۱. و ۲. الذکر مسلم باشد سه‌ردن حق حکمت و فیصله به آنها در اسلام تحریک کم الی الطاغوت است که قرآن آنرا یا ان کرده.

الم ترالى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل اليك و ما انزل من قبلك يريدون أن يتحاكموا على

ما از ابتدای جریان مذاکرات جنیوا را یک امر مرفوض و ناجائز دانسته و موقف ما از آغاز امر واضح و آشکارابود بدون آنکه بدانیم که ازین مذاکرات چه مییر آید در حالیکه پیکعدۀ مردم بعد از دانستن نتایج آن با ان مخالفت نمودند و یک عده تاحال امیدواری دارند.

آنایکه بصیرت ایشان در قضایای اسلامی ضعیف است و درک شناخت قضایا را نمیتواند کما حقه پکندۀ مخالفت ما را بر تنگ نظری و تشدد حمل میکردو برای قبول کردن مذاکرات از صلح حدیبیه سخن میکفتند می‌خواهم همه برادران موقف مارا بدانند که مابنابر بصیرت و شناخت از اسلام گفته بودم تحلیل ما مبنی بر مبادی بود نه بر اساس مصالح. که ذیلاً به آن اشاره می‌نمایم.

اول - قبول کردن معاہدة جنیوا
دو حقیقت قبول کردن حکمت طاغوت است

بالآخره پیامبر میان ایشان فیصله کرده
و منافق بر آن راضی نبود به نزد
حضرت عمر رفتند که بعد از فیصله
رسول الله ﷺ فیصله جدید نماید که
حضرت عمر ^{رض} سر منافق را به
شمیر بربرد گفت اینست فیصله من
در حق کسیکه فیصله پیامبر را قبول
نمیکند.

حالا یائیم به اصل مطاب .

جنگ دو افغانستان در بین ما
و کمونستها آغاز شد و موضوع ممتاز عه
اسلام و عقیده بود .

حکم پیامبر و اسلام در مورد
کمونستها که مرتد هستند قرار ذیل
است (من بدل دینه فاتح تلوه) مسلمان
را که دین خویش را بدل کند بکشید
به اسم حکم پیامبر ما به آنها اعلان
جنگ دادیم .

فیصله روس و امریکا در جنیوا
در مورد عودت مهاجرین به نزد
حکومت میزدور قبول کردن نظام
حکومت آن است اسلام به کمونستها
حق زندگی راقابل نیست امداد صورت
که توبه خویش را اعلان نماید و آنها
نه تنها بر ایشان برآئیت ذمدادند
بلکه حق آمریت و ولادت آنها را بر
ملت مسلمان ما تعییل کرددند .

من چطور بعد از حکم پیامبر
حکم طوا غیت را قبول کنیم ؟
ازین لحظه معاذه جنیوا من حیث نتیجه
رد است اما مسئله اساسی اینست
اگر روس و امریکا بما وعده بدهد که

به ایشان صدای استرخان بلند کرددند
و بیش از بیش امادگی اطاعت گرفتند
که هرجهاز تو آید بر سرچشم است .

لهذا ما مذاکرات جنیوا
اساساً آزاد کردیم
بنا بر فهم عقیده خویش درگ
کردیم و خصایص طوا غیب را
میدانستیم .

و اگر زمامداران عصر ^{این} عقیده می بودند در بلاک شرق و غرب
اینای عسکری نیکردند .

و به هیچ کس حق (ویتو) قابل
نمیشندند ، مگر چه کنند که
نمیدانند .

و آنایکه میدانند اختیار
ندارند .

دوم - قبول کردن مذاکرات
جنیوا در حقیقت امضای سند
بردگی است

جهاد ما برای کسب آزادی
است و معنی آزادی را از قول همان
صحابی که به امها طور فارس
گفت :

(که مارا بپور دگار فرستاده
تا شما را از بندگی بندگان آزاد نمایم
و از جور ادیان به موی عدل اسلام
دعوت کنیم) دانستیم معنی آزادی
یک ملت اینست که خود در قضایای
خویش فیصله کرده بتواند .

و زمانیکه یک ملت خود حق
فیصله در سرنوشت مردم خویش را به
دیگران بدهد در حقیقت اعتراف کرده

ما وسیط مسلمان را انتخاب می نماییم
و فیصله جدید می کنیم که درین
فیصله حکومت مجاهدین را فیصله
میکنیم و از مطالبه کنند که برای ایشان
حق فیصله و حکومت بدھیم جائز است؟
زیرا بمجرد سهردن و کالت و
صلاحیت و اختیار به آنها در حقیقت
تحاکم الی الطاغوت کرده ایم که
منافق با این عقیده ایست .

(که) **(ان الحكم للله)** و
منافق با حکم الهی است :
که میفرماید :

(فلا و ربک لا يؤمنون)
آلایه قسم بپرور دگارت که ایمان ندارند
آنایکه حق فیصله را به توای پیامبر
نه صهارند و راضی به فیصله شریعت
نیاشد این مسله در میا مت شرعی
در مستقبل یک حکومت اسلام می
مسئله اساسی ایست که زمامداران
مسلمان آنرا باید بدانند تا روابط و
موافقین اعلی خویش را طوری عیار
کنند که منافق این عقیده نباشند .
به میثاق ملل متعدد نظر تقدس
نگرنند و فیصله شورای امنیت را
واجب التعامل فکر نکنند .

مگر درک این حقایق به ترتیت
پانشگان مکتب استعصار و قبلاده
گردنان افراط و تشدد است و آنرا
غیر عملی میدانند در حالیکه دعوای
اسلام را هم میکنند زما نیکه
دیگن و گر به چوف با هم مجالس
داشتند بعضی از روسای مسلمانان
تلگرام های تبریکی ارسال می داشتند و

چهارم - قبول کردن معاہده در حقیقت کشکردن خط بطلان است بر همه آنچه کوده ایم و گفته ایم.

ما گفته ایم که هیچ کس حق ندارد در امور ما مداخله کند. ما گفته ایم که روس و امریکا دشمن ماست.

ما گفته ایم که روسها مت加وز هستند باید فورآ بدون قید و شرط از خاک ما برآیند.

ما گفته ایم که حکومت دست نشانده کابل را بعیت یک طرف قضیه نمی شناسیم زیرا آنها بر چو کسی ها نصب شده اند حیثیت ماسک افغانی را بر روسها دارند.

ما گفته ایم که جنگ مابه همراه دشمن بر مرعیده است نه به اساس منفعت و آنها تا حال اعلام توبه نکرده اند تا اعلام آتش بس کنیم.

ما گفته ایم برای اعلای کلمه الله می گنیم.

و کدام کلمه خدا توسط معاهده جنیوا بلند شد؟ ما گفته ایم که خون شهیدا را نمی فروشیم.

ما گفته ایم که دشمن ما شکست خورده حالا نکه با عودت از طریق جنیوا ما شکست خورده شده و آنها عفو می کنند!

ما گفته ایم که دشمن ماقاتل یک و نیم میلیون شهداء است، عامل معیب است و همان عامل از بین نرفته.

در حقیقت به روس سند داده بودیم که حق زندگی کردن نه ماه در افغانستان دارند قبول کردن این نه ماهونه سال از لحاظ شرعی و قانونی فرقی ندارند.

سوم - قبول کردن معاہده جینوا در حقیقت تشییت حق مداخله برای روسها و امریکا ئیهادر امور داخلی ما است. زیرا در محتویات معاہده خروج فوری ذکر نشده.

و به روس ها حق داده شده که به نظام دست نشانده و ارسالی ایشان به کمک های نظامی ادامه دهند و به امریکا یها هم حق داده شد که در امور داخلی جهاد ما مداخله کنند.

درین مذکورات امریکا به نمایندگی از مجاهدین حرف می زند در حالیکه مجاهدین امریکا را دشمن اسلام و مسلمان میداند زیرا اگر روسها افغانها را میکشد امریکا یها خون مسلمان لبنان، فلسطین، فلیپین و غیره را میریزند.

پس قبول کردن معاہده در حقیقت اعتراف به این بود که امریکایها حق داشتند که به نمایندگی از مساخر بیزند میوه باغ مارا بفروشد. اینکه آنها بدون مشوره و موافقه ما این کار را اکرده اند.

سند مساحت آنها در تجاوز با روسهاست و اما اگر ما موافقه کنیم سند حق تجاوز و مداخله را به آنها داده ایم.

که خودش قد تصمیم وارد است و عاجز از آن است که بارخوبی شرایخ ببرداینکه ظالم به زورو ظلم آزادی بک ملت را عصی کند آنقدر مذموم نیست مثیله ملت خود اختیار خوبی شرایخ طوایف است.

لهذا بقای تجاوز نه ماهه روس به اسن فیصله دیگران شرم آورتر از آن تجاوز هشت ساله است که همه دنیا آنرا تجاوز خوانده اند.

تا حال مجمع ملل روسها را متتجاوز میگفتند و حالا برایشان حق دادند که (۹ ماه) در وطن یگانه پایاند در حقیقت به روسها سند تجاوز را امضا کردند زیرا سکوت و اعتراف به بعض از جرم مساوی با همه جرم است.

و قاعدة شرعی که میگوید (ماکان کثیره حرام فقلیله حرام) آن چه زیاد آن حرام باشد مقدار کم آن حرام است.

اگر تجاوز هشت ساله روس تجاوز است پس بقای یک ساله روس هم تجاوز است.

اگر همه دنیا آنرا تجاوز نگوید باکی ندارد زیرا دنیا به اساس میامت تقسیم مصالح اداره میشود و با دشمن ما کریدت دادند.

سهردن مال غیر به مدعی سند تملیک شده نمیتواند.

اما سهردن مال خوبیش به مدعی سند تملیک برای مدعی است لهذا اگر مامعاهده جینوا را قبول میگردیم

نیجم - قبول معاہده جنیوا در حقیقت تبول کردن کمونستهای اسلام

- زیرا محتویات معاہده جنیوا تمام طرح آشنا ملی را تائید کرده:
- برنامه آشنا قرار ذیل بود.
- عودت برادران رنجیده و مسافر بوطن.
- اوربند دو طرفه:
- دادن ضایعات و خسارات جنگ به مصیبت زدگان:
- غنو از طرف نظام مزدور به مهاجرین:
- اشتراک در حکومت مزدور طبق لزوم دید آنها:

معاهده جنیوا همه مطالبات فوق الذکر را تائید کرده مگر با یک فرق که در آشنا ملی مجاهدین بصفت یک طرف قضیه مطرح بود و دز مذاکرات طرف نیستند دشمن ما به ما اعتراف کرده بوداما دوستان ما جرأت همین را هم نکردند که از ما بهیث طرف نام ببرند.

دشمن به ما وعده اشتراک در حکومت و وزارتخانه ها کرده بود با حفظ اسلحه دست داشته پشنhad قوماندانی از جبهات را کرده بود و کیلان ناخوانده ما و دوستان نام نهاد مذاکرانش برای ما مطالبه غنو نموده اند.

و مطالبه استرداد ملکیت غصب شده را.

یعنی به آن قدریکه دشمن مایه ما قابل است مذاکرات جنیوا بما

قابل نشد زیرا دشمن زور بازوی ما را میداند.

واز همین لحاظ مذاکرات جنیوا را تمام کمو نستهای دنیا یک فتح و کامیابی تلقی کرده اند.

و تعلم مجاهدین آنرا یک کار و مصیبیت دیگر و یک تجاوز سیاسی در حق ملت مظلوم و پنج میلیون مهاجر.

ششم: معاہده جنیوا و مخالف
فیصله های مجمع عمومی
ملل متعدد و کشور است

فیصله های مکرر چندین ساله ییش از یک صد و یست کشور دنیا خروج عاجل فوری و بدون قید و شرط روسهارا از افغانستان خواسته بودند در حالیکه این فیصله طبق خروج تایم تیبل معین باشرط استمرار کمک نظامی و قطع کمک به مجاهدین از طریق پاکستان.

و امضای معاهده با حکومت دست نشانده ایشان بوه خروج روس و مشروط به عودت مهاجرین به نزد کمونستهای است.

هفتم: معاہده جنیوا متناقض با مواد مندرجه آنست.

در مواد معاهده از عدم مداخله ذکر شده.

در حالیکه در فیصله جنیوا در غیاب مجاهدین و امنیتی آن از طرف پاکستان خودش بذات خویش بزر -

گترین مداخله است. ضمانت رومی و امریکا برای تضمین اجرای محتویات معاهده در حقیقت ضمانت از استمرار مداخله در امور انسانی است و ضمانت تطبیق فیصله که ما در آن سهیم نیستیم معنی آنرا دارد که در صورت تصادم قرارات اجرای عملی مستقیم و غیر مستقیم را خواهند کرد که معاهد را تضمین نشود و همان اجرات خود مقتضی مداخله خواهد بود.

آنرا معاهده صلح نام گذاشتند حال نکده حق ارسال اسلحه به دشنه به اطراف متنازعه قابل شدند که معنی چوب بالای آتش گذاشتند را دارد. و این همان میاست قدیم تفرقه انداز و حکومت کن (کلم اوقد و اشارا للعرب اطفاها الله) الایه قرآن در حکایت ازیهود میگوید هرو قتیکه آتش جنگ را بیفروزنده خداوند (ج) آنرا خاموش میکنده یعنی آتش افروزی جنگ از خصایص تاریخی صهیونیزم است که قابل در امریکا حکومت میکند: و در عقب این تعاہده قرار دارند شهور ترین سرمایه دار امریکائی یهودی است که مصالح تجاری در داخل روسیه دارد. که وفاداری یهود را به کمونیزم ثابت میکند همانطور یکه روسیه یهود را به اسرائیل ارسال میدارد استمرار جنگ داخلی در لبنان را میخواهند در افغانستان تکرار کنند محلیین سیاسی

کافر میگویند که عدم موفق
معاهدین به معاهده استمرار جنگ
داخلی است درحالیکه این یک موافق
تعاهل و عناد است فیصله بقای نظام
حکومت از طرف ملت مطروح باشد
وفیصله استمرار کمک نظامی بر آن
و کسب تئیدیه اسی بر اکثر
آن از طرف ملل متحد در حقیقت
فیصله استمرار خانه جنگی است.
(اقلیت راقوی بسازد تاتعادل با اکفریت
باید فور مسول) استمرار فتنه هاست.
والا راه معقول خاتمه جنگ سپردن
حق حکومت به آن قومی که هشت
سال با روسها مقاومت کرد و در جنگ
کامیاب شدند راه صلح و اشتی بود
نه آشنا ملی با دشمن شکست خوردند
این معاهده حق تعین مستقبل افغانها
را به افغانها میگذارد در حالیکه این
معاهده در غیاب ملت مجاهد امضاشد
چطور حق فیصله های آینده را بسا
گذاشته اند که ما فیصله کنسیم در
حالیکه در فیصله این معاهده نظرما
را احترام نکرند همین حالا اشخاصی
را موقظ کرده اند تا به وساطت بعضی
از دول عربی بین روسها و مجاهدین
و بین مجاهدین و کمونتها را استفاده
عام صورت بگیرد آیا این در حقیقت
مدخله نیست؟ و این ریفرندم را که
در نظر دارند بعثت اشراف هیئت
مشترک از روسها امریکاییها مجاهدین
سل متحده منظمه مؤتمر اسلامی انجام
باید آبیاتلاش برای اینکار بعضی آنرا
دارد که آنها افغانها را در آینده

خود مختار فکر ده اند؟
این معاهده عودت مهاجم را به
نابل از حضور کمونتها آبرو مند
میگوید درحالیکه مهاجرین آنرا ذلت
میداند.

در این معاهده پاکستان شرط عدم
درگذله را قبول کرده و امریکا استمرار
کمک را داد میزند ایران در قضیه
سهیم نیست نیدانیم که استمرار کمک
امریکا بیها به مجاهدین از راه تاشکند
خواهد بود و پاکستان در قول عدم
دارند و پاکستان در قول عدم
مداخله تغیری متناقض را دارد؟
در مورد این معاهده اعلام شد که
امضا این معاهده معنی برمیگیرد
حکومت کابل راندارد.

۵۰٪ به ایش امضا ننماید -
علقات آینده را مستحکم مینماید
و عده میدهد که هیچ نوع عملی را
تقویه نمیکند موجب ایجاد لی امنیتی
در داخل افغانستان شود.

علایق سفارتی ایشان دارند راه تجارت
با ز است ما مردم را ایگویم که صیانت
را نمیدانیم مگر نیدانیم فرق این با
رسمیت شناختن چه خواهد بود و پا
اینکه به رسمیت نه شناختن آن علیها
کدام نتیجه عملی مرتب خواهد شد؟
مشتمل : معاهده بینرا اصلًا حیثیت
تطبیق را ندارد و موجب کدام تعول
نمیگردد.

جنگ میان دو طرف بود که
آن عصری را در پی او که مونتها مجاهدین
علن اور بند کردن و اعلان اور بند
بکثر قموجب خاتمه جنگ نمیشو

پس این صلح آشنا را بار نمی آورد
درین معاهده تضمین را امریکا کرده
درحالیکه امریکا و پاکستان از مجاهدین
نمایندگی نمیکنند تفنگ بدست ماست و
به اساس عقیده می جنگیم که در قلب
ماست و قلب مابدست خالق ماست چه
کس میتواند ضمانت کند که این تفنگ
دشمن رانمی کشد و یا بان راهی استفاده
شود که آنها میخواهند چطور آنکس
میتوانند تطبیق خاتمه این جنگ
را تضمین کند به امر او آغاز نشده.
این جنگ امریکا و پاکستان
نیست تا آنها تضمین کنند این جهاد مردم
مؤمن است طالب شهادت اند.

پس معاهده جینوا کدام تغیری در وضع
جهاد بیان آورده نمیتواند.

مالز امضا این معاهده جز اینکه آنرا
عاری بدمان امضا کنند گان نیدانیم
تشویش نداریم موافق مابنا بر شناخت
آنلانی ماست.

باید مردم فکر کنند که ما فضای
خویش را درک نکرده بودیم.

ملت افغانستان تربیه یافته مدرسه
جهاد هست آن مردم که خداوند بر
ایشان و عده داده که به ایشان راه هدایت
را نشان دهد.

**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا إِلَيْنَا نَهَدَنَاهُمْ
مَبْلَغاً وَأَنَّ اللَّهَ لَعِمُ الْمَسْنِينَ**

اگر دوسيه های جنایات و موامرات
بین المی را نخواهند باشیم مسکر بنور
ایمان می نگریم و بقیه دارم که این
دستیه ها نه اذهان بین المللی را فریفت
میتواندونه مردم مبارفه باده میتوانند
مرانجام چاه کن در میان چاه خواهد بود

راجپوکاندی وارخطادی

لیک: ولی الله "سلیم"

سرمامور رول لو به ولوتہ خان کاندید کھری دی لکه نہرو چس وايس « اوں بنوی هند دور راغلی او باید چس دبرتانوی هند دخلیفہ او جانشین په صفت خپل اداکاری ته ادامہ ورکری »



ولی په دی بکش هم شک نشته چس ددغش دعوی په پوره کولوکبئی ۸۰ ملیونه هند هرگل مادی او جفرفیاوی بنی شمیره و سایل او توکی په لاس بکش لری نولزی نه ده چن هند خپل واره کوانڈی هیوادونه لکه سریلانکا، نیپال مالدیف، پاکستان، او افغانستان دخپل نفوذ او بنو لاندی ساتلو هخی جاري وسات، زمونږددی مدعن دشبوټ لپاره باید وو یل شی چن فعلا پنجروس زره هندی پوحیان دخومیاشتو راهیسی دسریلانکا دجا فنا او نور و ختنیزو ولا پتو وو دچای او وریجوبه کرونډکبئی په گزمو

هیوادونو خخه واخلي نو غواړو په راتلونکو کرشوکبئی ددی بی رحمه تعصب عوامل، او تائج په لندو دول و خیرو .

دکرکی اوکینی عوامل

۱ - هندوان پدی پیرو پاری چس دوی اپه فلکلوری اولرغونس تاریخ لری، او د تاریخ په اپدوكبئی یس تول راغلی میلمانه په خپل ناول مذهب یعنی دغوا په تقدس قانع اولری ختیحی اسیا هیوادونو ته یس سنسکرتی ادب او ددر مسال درنکونو شرنگا رسوی ده .

خوکله چن د اسلام سترا فاتحین او غازیان و رنسنوتل نو بیاییس ورته د تسلیمیس لاسونه پورته کری او وندرته یس غایه غزوی ده .

۲ - د هندوانو دغه له کینی ډک دریج ددوی دمغو مسلسلو او پېزله پتی ماتو او تیپستو نتیجه ده چن د افغانی مسلمانانو له لاسه یس خورلی او نژدی زرکاله یس ورته د جناب والا او خان صاحب لقبونه زمزمه کړیدی، ولی له کوس راهیسی چن هندوان په خپل پښو و بریدی نو بیاییس د اسیا په دی حساسه سیمه کښی د پولیس و دیوبدماش

پخوانی اندلس یا اوستنی اسپانیا ۷۸۰ « کلوپاره دلوی اسلامی وطن خورا یوه مهمه برخه وه خود زمانی په تیری دو دامیرانو په خپل مینځ اختلافاتو او د دشمن دنه ستري کیدونکو ملنو څلويه نتیجه کښی ۹ پیری وروسته نی د اسلام خادر وغور حاوه او د کفر او نصرانیت خرمون نی یوڅل بیا له سره تریپسنو واغوسته او په مسلمانانو یس هغه ناکوبی و کری چن حتی د مسیحیت معاصر تاریخ ور باندی شرمیری او خپل پوهنتنون او بشونو نهوله تدریسي پروګرام خخه یس باسی .

ولی نن د هندوستان سل ملیون بیچاره مسلمانان هم د نوموری بد مرغه سربنوتست سره مخ او سرتندي تکوی، خود اچس په اصطلاح ذاتیم او فضادتسخیر پیری ده او هرڅوک هوشیار شو یدی نو په هند کی هم دغوا او خوشیانو متعصب معتقدین او پیروان زیار باسی چس په بیره هوشیاری داندلس دغه غم لوی تاریخ بیا را اعاده کری ترڅو دبت شکن سلطان محمود غزنی، د پانیپت دائل احمد شاه ابدالی او د نومیالی شیرشاه سوری غچ لدغوبی وزلو مسلمانانو او ګاؤ نوی اسلامی



له گرانولوستونکو په پته نه وی چس اتمس ابلي «تحت بحری» له روسي ٿخه پيرودل چي په سيمه کبني پوچن توازن بيختي گدوري کري او گاؤ ندي هيادونه يي په تشو يش کبني اچول ده.

له بلي خواه غرب جاسوسى منابع اتكل کوي چي دهند دانرڙي او تکنالوجي اداره په ده قادره شوي چي دپنخوس اتمس بمونو مخصوص غاز كشف اود خيرني لاندې يي ونيسي، همدارنه هندى قواوی اوس اوس پدی بريالي شو يدي چي یونوی راکت چي «هند بهره دار» نومويپيڪ، نژدي زركيلو باروت له خان سره پول شي، او واتهن يي یوسلو پينخوس کيلومتره ده چي په پيره اسانه کولاي شي دپول له هفه خواخه لاھور-کراچي اود آزاد ڪشمیر پيری برخى رسا او په نسبه کري، باید وييل شي چي نوموري راکت دلبر خه بلو ن وروسته اتمس خوله هم له ئانه سره نقل کولاي شي

پروت هياد ده چس داهم ددوی دتشو يش او اندېښنې مهم عامل گهنه کيداي شي نو ويلاي شو چي دپورتنيو پنحو عاملو په نظرکبني نيو لوسره هند دتل لپاره زياباسي چي په منطقه کبني خپل پوچن اوسياسي نفوذ ته پراختيا ورکري او پري نبردي چي اسلام او مسلمانان خپل زور و پياري تاريخ اعاده کري.

د هند پوچن زوال

تره ۱۹۶۰ عيسوي کال پوري دهندوستان ټول پوچن چارچلندا او ورکره راکره له انگلستان سره وه. خود نوموري کال خخه راهيسي يي مخه روسانوته شوه او ترننه دالري دوام لري.

په ۱۹۷۵ کال کبني هنر وانو داتومس وسلو په تجر بوگونه پوري کري چي مندو تزو وي بالاخره سرونبو او په ۱۹۷۴ کال کبني يي لومړي اتمسي چاودنه ترسره کره.

بوخت ده خو په مقابل کبني نه کروره « ۹۰ » مليونه پاکستان هم د چاخه خان کم نه بول او غواړي چي د مغولي اميراتوري په تسلسل دغه دور په غاره ولري او د لاهور ښيش محل او شاهي قلعه خپل دزره تسل وکري او پري نبردي چي هندوستان ده په منطقه کبني بى تربوره ملک وکري.

البته د مجاهد افغانستان اتل بچن خو هندو توب د پست فطرتى او نامردې شمار بول، چي پر تسل ته يي اړتیانه محسوسېږي.

۳ - تاريخي تجربي هند په ويره کېي اچول ده چي دتل لپاره د شمال له لپاره توك او ريز مریز شو يدي لکه ارياليان، مقدونيان، فارسپان او افغانان چي د شمال له لوردي بى په هندوستان خپل ورزۍ خوری کري ده، نو دابه د حيراتنيا خبره نه وی چي هند پاکستان او افغانستان د نژدي کت او گوي سياسى او پوچن استراتېئي خخه په ويره او خطرکبني وی.

۴ - په اسلامي نړۍ کبني له اندونزيا خخه وروسته د مسلمانانلوی اکثریت په مند کي او سیپري چي شميری سل مليو فوته رس، نوبس څایه به نه وی چي د هند غواپرست مشران د دغه سور انگار د پيرنې خخه په ويره کبني وی چي کيداي شي یوه ورځ په تحرك او خو خيدوش.

۵ - په سياسي او جغرافياوي لحاظ هند پرته له شمال ختيجې پوري له ټولو خوا د اسلامي هيادونو او اوبو ترمینځ یو

بشنڌاقوامي

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| أ - مسلحه تمرين شوي قواوی | : یو مليون یو لک او شل زره |
| ب - نيمه پوچي یونتونه | : دوه سوه زره |
| ج - سرحدي محافظه قوه | : سل زره (یو لک) |
| د - احتياط | : دوه سوه زره |

هندی اردر په پنحو قل اردو ويشن شوي چي تفصيل ئي په لاندې پول دي:

- | | |
|--------------------|--|
| ۱- جنوبي قوه | عمومي قومنداني (پونه) |
| ۲- ختيجه قوه | (کلكته) |
| ۳- مرکزي قوه | (کنهو) |
| ۴- لويدجه قوه | (عمله) |
| ۵- شمالي قوه چي په | - ۶۵ - ورو او غتو یونتونو باندي مشتمله ده. |

مسلحي قواوں

(۱۸) پیادہ فرقی جی یواہنی - A.P.C - ۸۰۰ دو لے نقلیہ لاری په خدمت کی مصروفی دی .
 (۱۹) غونی فرقی .

(۲۰) پیادہ مستقلی لواوی
 یوہ میکا نیزہ فرقہ

(۲۱) زرہداری فرقی .
 (۲۲) زرہداری مستقلی لواوی

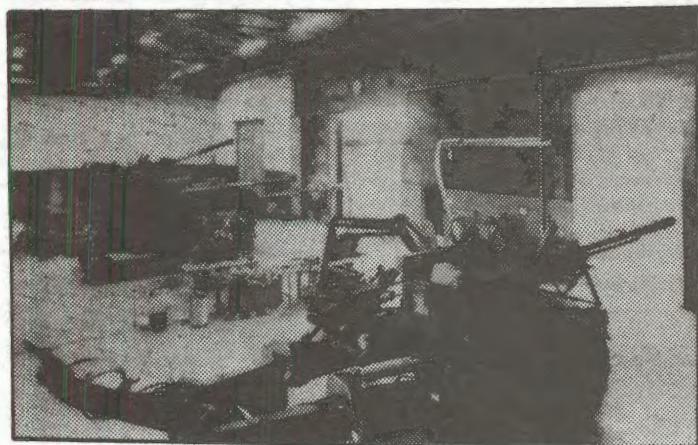
بانکوںہ
۳۵۰-

دولہ روسي تانکوںہ	T-54 T-55 T-66	۹۵۰
	T-72	۱۵۰۰
دولہ سپلک تانکوںہ	AMX	۱۰۰
ہندی تانکوںہ	وایہ جنتا	۱۱۰۰

اندراگاندی په ۱۹۸۰ م - ۱۹۸۲ م کلونوکی له روسي خخہ د (۲۳) زرہ مليونہ دالرو معادل وسلہ او پوچی سامان الات پیرودلی
 دی . همدا رنگمراجیف گاندی وکولای شو جی په ارزان نرخونو باندی د روپانو په همکاری له ختیئی اروپا خخہ (۷۰۰)
 زرہداری لاری خوداری کری .

(۲۴) مستقلی توپجی لواوی جپی پکی (۲۰) دافع هواء کندکوںہ او (۴) دتر مد قطعات هم شامل دی .
 نوموري قواوی لاندینی توپونه پختل لاس کی لري :

مو dern توپونه چی اوں اوں فی له سویدن خخہ پیرودلی دی .	- ۱۵۵ بوفڑ ۴۰۰
- ۱۳۰ زوسي توپونه چی ۸۲ کیلومتره لری واتن رسکوی .	۵۰۰



76 -	۲۰۰۰
100 -	۳۰۰
105 - اوپوت دولہ	۱۰۰
مختلف النوع هاوائونه	۵۰۰

توپونہ
۳۸۵۰

بھریا قواویا

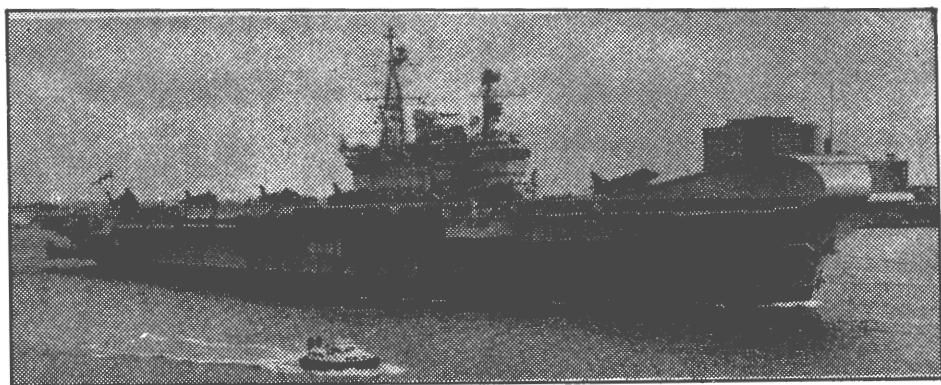
په مجموعی دول هند (۱۲۳) لوی او وری جنگی کشتی لری چی تفصیل ئی په لاندی پول دی :

- | | |
|------|-------------------------------|
| دوه | آ - طیله ورونکی لوی کشتی |
| دوه | ب - اتومی اوبتلی (تحت البحري) |
| خلطه | ج - مخربی کشتی |
| شیر | د - نیلگر دوله چتکی کشتی |
| دری | ط - لیوپارد دوله |
| یوه | ظ - توره بتہ |

بیہم لالہ

لوی بحری آدی :

بمبی ، کلکته ، کوچین ، گوا ، جمنانگر ، ویشاکا پاتنم
دیادونی وردہ چی دھند بحری پوچ (۳۰۹) بمبارد طیاری دسمندری دفاع لپاره په عسکري خدمت اچولي دي .



۱۱۰۔ الوتکیا

۱۱۳۰۰۰ عملہ

نژدی یو لک او دیار لس زره عملہ پکی کار کوي ، چی مشهوري ادی شی په توی پیلی ، بنگلور ، جوت پور او الہ آباد کی دي .
په مجموعی دول (۱۱۰۰) الوتکی لری چہ دھنی له جملی خخه شی (۵۰۰) مختلف النوع میگ دوله روسي الوتکی دی چی میک
(۲۹) بمغر ھونکی الوتکی ڈامریکائی (۱۶ - F) معادل دیاد ونی وردي .
برسیره پر دی هندوستان په پوره اندازه فرانسوی میراج (۲۰۰۰ دوله) او اروپائی « جاکوار - چی د ڈور نفسم پس نسوم
مشهوري دی او په هرہ ارتفاع او اقلیم کی کار کوي ، او د لب خه تغییر وروسته کولاي شی په خپله خیته کی اتومی بمبونہ
هم حای کری باید وویل شی چی هندوستان (۴۵) دکش (۱۰۰) د تعقیب له هوا خخمو هوا په راکھونو مجھزی الوتکی
او (۱۶۲) مودرن (۸ - MI - ۲۴ - MI - ۲۶ - MI) مدرن روسي ھیلوکوبتری لری .

شی او بس ، ترخو دزیر خطر په وراندی
د مقاومت حوصله ولری :
د افغانستان خیثع سرحد د چین خخه
بیل کری او د سیا چین او گلشیر په
متنازع علیها منطقه کبني دھند پولوته
محان رسول دی ترخو وکولای شی چڑ
لازم شرائطو لاندی د پاکستان د قراقرم
لپارهم بندہ او پاکستان له چین خخه
 جدا کری .

گڈاھداف

روسان غراری چس په اسیاکبni
دخل یواحشی تر بور « کمونست چین »
لازمہ بریبنی چس دکرانو لوستونکو پام
دواخان جگو اونکو خوکوتے راوارو و
چس دروسانو لخوا پکبni د موشقو سنابعو
په مقابل کبني دخپل پولی په بل ایخ یوه
قوه جبهه او بیوچی انھیوالان ولری ، چس
د اکار یواحش او یواحش هند ترسره کولی



د افغانستان د مسلمان ملت یه مری پرورت اووینس ورز بینې، خوددي پرخای چې نوموری ددی ملت درېښتنو نهایندګانو سره ووینی اوکړمو خڅه یې خان خبرکړي نوکله یه روم کښی دزور ګیدپ د لیدلو لپاره د بهرنیو چارو وزارت مرستیال «تیواری» ته قوماندہ ورکوی اوکله هم د موضوع په ارتباډ میلمه پال هیواد (پاکستان) جمهور رئیس ته بلنه ورکوی چې دیلی ته سفر وکړي او په اصطلاح د افغانی دینو بهیدل بند کړي او له تولو رسوانی خوداده چې دیونیم مليون شهید انو قاتل د «کی - جن - بس» تکړه غږی او د خاد رئیس نجيب ګاو پیش هند ته راوغوښت ترڅو روسي قواو له وتلو وروسته د همکار یو په لارو چارو غور وکړي .

مناسب خوداده چې راجیوګاندی په خپل تویر و پښمانه او د مجاهدینو خڅه بېښه غوښتی واي او د عبوری حکومت محترم رئیس انجیز احمدشاه او یا م د افغانستان د مجاهدینو د اسلامی اتحاد محترم رئیس انجیز حکمتیار ته یې دهیلی د سفر د عسوت ورکړي وي چې د سرو لښکرو وروسته یې د خپل ناپیلوب منه ګاونډ اوګدی همکاری دنده سرته رسولي وي . خوبنکاری داچې راجیوګاندی پیر سخت ورخطا اودار وسته هل ځل یې عېشی او د ناکامی سره منځ دی .

سره د جذری اختلاف په عنوان دتل لپاره ژوندی، وساتی ترڅو د افغانستان او پاکستان دو ه مسلمان اوګاوندی هیوادونه په خپل مینځ کښی غوښی اوچې حیثیت ولري، وي په تأسف سره باید وویل شي : چې مهماتماګاندی په خپل دغه شوم هدف کېن تردیره ځایه بزیال هم شو .

پوره دری زره یو خلو یېست «۲۰۴۱» ورځی د مخه «۲۷ دسمبر ۱۹۷۹» کله چې سرو لیوانو د افغانستان په خاوره یونیم لک پوچ دالو تکو ټانکونو په پدرګه رامرش کړنور د راجیوګاندی خوری مور اندراګاندی چې د ناپیلوب هیوادونو مؤسیس غږی وه پدغه وحشی تیری یې وچول قدری هم تریونکړ اونه یې دخواستینه او خفگان کوم ټلګرام مخابره کړ .

ولی د افسوس خبره خوداده چې په قلم کښی یې رنګ ورچ او دیلی په بازار ونو کښی سپین کاغد ورک شو چې د کرمليں سرکوزی «برژنیف» ته یو اعتراضیه لیک واستوی خوکله چې په ۱۹۸۴ کال کښی ترور شو او میراث یې خپل مشر زوی راجیوګاندی ته پریښود نو د سیاسی کتونکو سره د اتصور پیدا شو چې ګوندی ځوان راجیوګاندی به د سرخوری مور په شان د تعصب او بد بینې نگریزی په لاس نه پوری کړي او د ناپیلوب سیاست به تعقیبی خودلیو بچی لیوه وي .

نه پوهیرو چې راجیوګاندی خنکه د ناپیلوب او ب طرف د نوره غږوی؟ پداسي حال کښی چې یونیم لک سور پوچ

خودتولو خڅه مهم عامل یس په اسلام پاکستان ګونډه کیمندل دی ترڅو د افغانستان دروازه ستر اسلامی جهاد په هکله خپل د نرتوپ او میړانی دریځ ته شاواروی او دیو اصیل اسلامی حکومت د جوړښت و قیام مانع وکړی . ترڅو د غه غیزمنداهدف مند اسلامی حکومت په راتلونکی کښی ددوی د استعماری نڅچو پلاننو په مخکنې خنډ واقع نشي، اوله بله پلوه روسان غواړی چې د خلیج دشتمنو هیوادونو سره د هند د بنواړیکوله لياري خپل استعماری آس قیضه او خلیجی ماما ګانوته ځان خوری خوری کړي .

وروستی عېشی هل ځل :

نویوال او س پدی پوه شویدی چې د هندوستان ۴ کلن صدراعظم راجیوګاندی خپله سیاسی حوصله بايلل او د افغانستان د راتلونکی په هکله په بیخایه نارو سردی چې ګوندی د افغانستان د قضی په هکله هندوستان بس تفاوته نشي پاتی کې لانی اونه ددی اجازه ورکولای شی چې هله د متعصبو بنیادګرو او پد پېرو یو اسلامی انقلاب کامیاب او د جنوبی او مرکزی اسیا په خلکو باندی د خپل افغانی نظریش په تحملیلو ګوټه پوری او د هندی روښ ګډو مصالحو پر فد یو غوښن غورځنک میدان ته راودانګي .

هوک اغوا پرستو متعصبو هندوانو دروسانو په همکار د افغانستان په زور خودسری شاهی رېیم له حده زیات فشار راور چې دیورند کړښه د پاکستان

گفت و شنید

متن مصاحبه امیر اتحاد اسلامی افغانستان بانماینده مجله البنیان المرصوص که درین آواخر صورت گرفته است، اینک فشرده ان را در اختیار خوانندگان محترم مجله حق پاخون قرار می دهیم.



(س) عمل ڈشت، دروغ و خیانت را دروی محسوس نکر ده ام . هم چنان برادر احمد شاه نمونه از تقوی، ثبات و اخلاص است . وی شب هارا با تهجد به پایان می ساند و هفته دو روز روزه می گیرد .

وتا حال هیچ شمه ای از کبر و غرور درا و ملاحظه نکر ده ام ، از تن پروردی نفرت دارد و کاری که برایش پهپر یه می شود بطريقه احسن انرا انجام می دهد .

پس خو ډم او زا یې شخص مناسب و اهل به این منصب می دانم و مورد تأیید و پشتبااني خویش قرار میدهم .

(س) لطفاً بگوید که روی کدام عوامل وسائل ارتباط جمعی غرب و پیرا مورد تبلیغات خویش قرار می دهد ؟
(ج) سر و مدا های وسائل تبلیغاتی بلوک غرب در اصل دلالت بر ایمانداری عقیده راسخ و به حسن اخلاق انجنیرو احمد شاه می کند ، اکر موصوف دا رای چنین مواصفات نمی بود . هیچ گاه مورد اتهامات تبلیغات خصمانه انها واقع نمی گردید .

(س) استاذ عالیقدر ! درین اوخر رژیم پو شالی و مزدور نجیب در کابل تصویب قانون اساسی را اعلام نموده یاد اور شده آست که افغانستان یک دولت اسلامی می باشد ، و در نظر دارد که هر چه زود تر بپرسی کمسیون علماء را تشکیل دهد تا نقاط را که مخالف اسلام و عنعتات مردم افغانستان باشد تعديل نماید ، جناب شما درین رابطه چه نظر دارد ؟

(ج) اینکو نه تصرفات عوام فریبانه رژیم کمونیست کاملًا می اساس می باشد زیرا که انها فاقد اصالت و پایه مرد می بوده و حق همچو تصرفات راندارند ، و منظور انها از چین تبلیغات زهر الود بجز فریب کاری دربرابر ملت مجاهد ما چیزی دیگری نیست .

بفکر من این اعلان نجیب شبیه به ان حنای است که بعد از گذشت عید باشد .

انها باید بفهمند که مردم مسلمان افغانستان نجیب و دار و دسته اش را بخوبی می شناسند ، و همه تپ و تلاش کمونیست های مزدور و جیره خور نقش برآب خواهد بود .

(س) ایا شخص شما برادر انجنیرو احمد شاه را بحیث رئیس حکومت عبوری افغانستان تعیین نموده اید و یا خیر ؟

(ج) برادر انجنیرو احمد شاه باتفاق همه تنظیم های جهادی بحیث رئیس مؤقت تعیین گردیده است . باید گفت که محترم انجنیرو صاحب از پشتازان تحریکه اسلامی در افغانستان بشمارمی آید ، فکر می کنم مغلوب ترین شخص برای ریاست این حکومت انجنیرو احمد شاه می باشد . که عمر خو درا به خدمت اسلام وقف نموده است خو دم از مدت ۳۰ سال باوی تعارف دارم و تاحال کدام

نشانده روس را من حيث یک طرف اصلی قضیه تسلیم نموده اند ، وبا انکه آنها در داون رائی و فیصله اینده کشور زجر دیده ماسهیم می باشند ، ازین رو خو دماز ارسال هیئت مجاهدین به ژنیو ابا ور ذیدم .

(س) خدا نا خواسته اگر مجاهدین نا بیل به هدف خود
که اقامه یک حکومت اسلامی می پاشد ته شوئند ایا این
جهاد رول خود را در عالم اسلام از دست نه خواهد داد ؟

(ج) بفضل خداوند جهاد ملت مسلمان ما دور خود را به
پایه اکمال رسانیده و یک بار دیگر در احیای روح جهاد
رول میم را ایفا نمود .

بلی این جهتیاً باب جدیدی را برای همه مستضعفان جهان
باز نموده و انرا بارقه خیر می پنداشد ، هم چنان چهاد
اسلامی ملت ما شکست تیوری نظامی روس را به دنیا
ثابت ساخت ، ملت مسلمان ما برملا ساخت که اگر
مدق و اخلاص در بندگی خدا وند عز وجل باشد مقابله
با طاغوت وابر قدرت های مادی کدام امر دشوار نباشد نیست .

(س) موقف پاکستان را در مقابل قضیہ تان چٹ وار زیابی می کنید؟

(ج) پاکستان تا حال از هیچ نوع کمک مادی و معنوی با مهاجرین درین نظر نگرفته است، و مالاً برادران انصار پاکستانی اعم از ملت حکومت سپاسن گذاریم - و از خداوند برایشان اجر و توفیق را می خواهیم و ما امیدواریم که کمک های برادرانه خویش را تا اقامه حکومت اسلامی در افغانستان ادامه دهند.

(س) می خواهیم نظر تان را درباره اوضاع رفت بسل
فعلی فلسطین دریافت نماییم!

(ج) ای کاش که در مقابل ارتش اشها لگر مهیونیزم برای اعاده تشخص اسلامی و حقوق مسلوبه اش با سنگ و جهاد می‌کردم.

انشاء الله افتاب صبح پیروزی در فلسطین
د میدمنی است ومن متیقنم که آینده روشن و درخشان
در انتظاً مردم فلسطین بیسا شد :

(س) چرا مطبوعات دنیاگی به اصطلاح از اد همواره به شخص محترم شما و تنظیم تحت رهبری جناب تان گفته‌اند - متوجه، افراطی و ... را استعمال می‌کنند؟

(ج) در اصل این موقف ناشی از حقد و کینه شان بر ضد اهداف و اصول والای اسلام می باشد و ماموقف خود را موافق اصول اسلام و آرمان جهاد می پنداش.
پس هیچ باکی نیست که ما بیان را متخصص تا مند و پیراهم افرادی ...

(س) چنان‌قبل مسکو رسما اظهار نگرانی نموده
گفت: اگر بعد از خروج قواشان یک حکومت
اسلامی در افغانستان روی کار گردد مجاهدین به ترور
وکشتل اعضای حزب کمونست حاکم دست خواهند زد،
لطفا در مورد توضیح بدھید!

(ج) در رابطه با انها طبق قوانين ودساتير اسلام
فيصله بعمل خواهد آمد.

(س) برخی از مبصرین سیاسی پیش بینی کرده آن دیگه بعد از خروج احتمالی قشون سرخ روسها ، رقابت های تنظیمی و منطقوی به اوجش خدا هد رسید که در نتیجه آن خان جنگی و هرج و مرچ اتفاق افتاد ، در زمینه نظر تان را خواه هاتیم !

(ج) از خداوند کریم ارزو مندیم که هنچو اختلافات
کشنه در بین ما رخ ندهد.

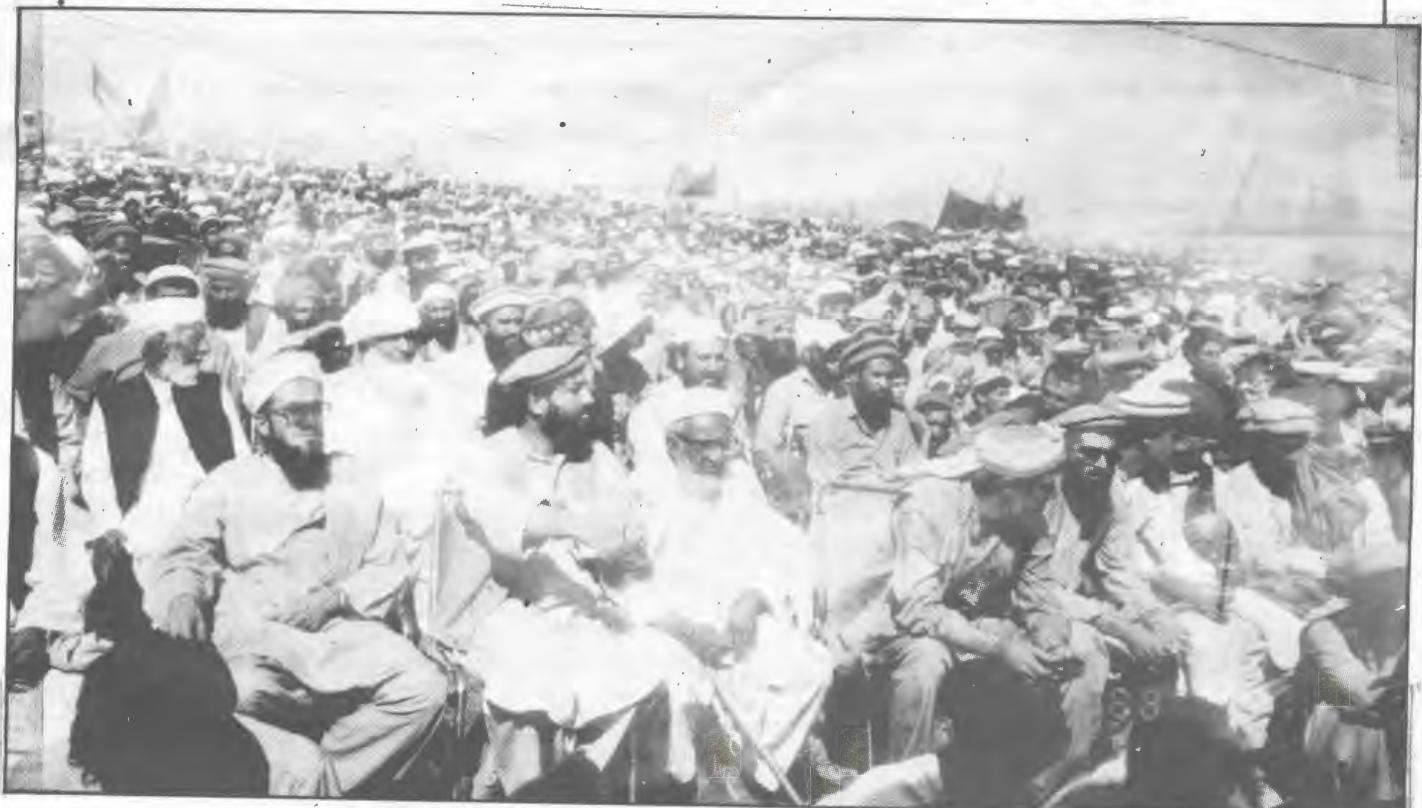
(س) قرار اطلاع روس های خون اشام می خواهند
افغانستان را بدو حصه تقسیم نمایند تا در صورت لزوم
مناطق شمالی تحت کنترول کمونست ها و ولایات جنوب
و شرق تحت قلمرو مجاهدین قرار گیود ، ایا در مورد
تعلیقی دارید ؟

(ج) به عقیدت خود م این کلر خارج از امکان است، وقتیکه روسها در جنوب به حکومت مجاهدین قائل گردند در ان صورت کمونست ها به هیچ وجه از وجود قادر به تشکیل حکومت و حکمرانی در شمال نخواهند شد

(س) از ارسال وقد به ژنیو چرا خود داری نمودید؟
 (ج) زیرا که توافق به رفتن هیئت مجاهدین به ژنیو— و
 معنی آن را داشت که گو یا مجاهدین از قربانی های بسیاری و عملکرد خوبی نادم و پیشیمان بوده و رژیم دست



د جنیو اکر نیپر نہ مختصر
پھر چند دل رد: اود را اٹے و نگے
ب پور کو گوہ سا پیارہ دم جاتا
پھر انجینیوں اج ب تیام بزرگی
ریاست اودھ مکھ دوسرے بڑا کتھر
پھر سنتیالی
ذبیح اللہ بن بنگی
ب خل بیان تینگ کار پوش



دمنسبی په دوچ چس دوری دعیا پاشتی ۲۸۵ سنه مره برادره ده
 دافغانستان دمجاهدینو د اسلامی اخاد الکو جمایلیتو، زوریده ده
 مهاجر سنوار پشنو انصارو د بینوا در کړ غډنې معاهدی د ګندنې په
 منامیت د تکنیو په میمه کښی چو د بینود دنار په آنه کیلومتری
 کېټو فرتدی په میمه کړی ده اونارخنې غونډه جزه کړی ده، پېښ غونډه
 مرگ کې د روسي، زوفدی دی وی دافغانستان ناسیج جلد ونکی
 اسلامی جهاد، زوندی دوی دافغانستان دمجاهدینو اسلامی اخاد
 موږ د بینوا دشمه د که معاهده نه موږ چېل مرنومت پېغله
 ناکلی شو، شمارونه در کول کيده.
 یدی غونډه دجهادی تنظیمونه هزاونه بوسیره در تلونکی عزیزی
 حکومت لپاره غوره شوی رفس مجاهد د در انعینه احمدشاه د
 احساماتو د کی از بیننا کې د بناوی و کړی. دغی غونډی ته چې
 د صوبه سرحد د ګونډ کوټه تغفه درنه خلک په پېړ شوق مره په
 سونو، ترکونو، نانګو، اوپاده راغل د دامن په فضا کېښی
 دغرمی په ۱۲ بیو بیره خلو کېپنوا د درونه نه مستانه شول.
 مره پیل شو.

درناوی په سترګه ګړی، نوموري زيانه کړه نه ددی خبری
 کلک مخالف یم چې اوس هم خلک روسي ته سو پر پاور
 او پاستر قدرت وائی، دافغانستان اسلامی جهاد جوته کړه چې
 هیڅ خوک د خدادی دقره او قوت په وړاندی نشي تمدلاي.
 وویل

بناغل محمدی صاحب وویل: موږ په بوه اتفاق خپل جو قىش
 حکومت دمجاهد ورور انجئنیر احمدشاه تریاست او مجاهد ورور
 دا ګنډ د بیع الله ډه دی په معاونیت اعلان ګړی او دهنه
 د تېښګښت دعا او مناسب ګامونیو بورته کولو توفيق دلو په خدا به
 خواړو، نوموري دخپل خبرو په پای کې وویل ترڅوږي چې
 په افغانستان ګښی اسلامی حکومت نه وي قایم شوی او هله
 دمجاهدینو او مهاجرینو لیاره ساز ګار حالات نه وي مساعد شوی
 یو مهاجر به هم خپل ګورته ستون نشي.
 وویل

دقرآن عظیم الشان د مبارکو آیتونو د تلاوت شخه وروست
 دافغانستان د حرکت انقلاب اسلامی مشر تھرم مولوی محمد نبی
 «محمدی» ته بلنه ورکړل شو چې برخه والوته خپله بیانیه
 واوروي.

نوموري خپل خبری په لاندینو بیتونو په کړی.
 افغان به ول فخر نکري؟ پېښ مره روسان نې له وطن شهلي
 دېنه
 افغانه فتح دی تبریک شه چې له وطن دی مره روسان به
 ژړازښه

بیادوی وویل: دافغانستان مجاهدینو د ایمان او مقیدی په قوت
 روسان له ماتې او شکست مره خامنځ کړل، او دا من موقتیت
 او بری بې ترلاسه کړ چې نوله اسلامی نړۍ ورته د احترام او

نzed ما مرفوض وقابل قبول نمیباشد وما به هیچ گونه التزام
واحترامی به این مذاکرات ومحتوی آن نخواهیم داشت .

برادران ! مطلب دویم این است که روسها به آسانی قوای
خود را از افغانستان نخواهد کشید و تا آنکه بتخانه های خلق
و پرچم و مهکده های شان سرنگون نگردد تا آن وقت انسحاب
و برآمدن قوای سرخ یک امر دروغین و خدمه آمیز بوده وقابل آن
نمیست که اعتبار و قیمتی را برایش فایل شویم ، جهاد ما بخاطر
سرنگونی کفر و بخاطر قایم نمودن حکم اسلامی در افغانستان
قبل ازانکه اینها به افغانستان یورش نظامی بنمایند آغاز شده بود
لذا در پیهودی اینکه با این معاهده برآمدن کامل روسها نامیم
نمیشود بلکه هدف بزرگ و اساسی ما که ویران ساختن بنیاد کفر
و جاججا نمودن نظام اسلامی ملت مؤمن افغانستان است تا وقتیکه
برآورده نشده باشد ، ما در عرض راه هستیم ، به منزل نرسیده
ایم افغانستان را آزاد گفته میتوانیم فلهذا جهاد مسلح ما به
 توفیق خداوند جلت عظمتی تا آنکه پیمانه های ملحدين
و دشمنان خدارا چیز نکرده و بنیاد شان را سرنگون ساخته
باشیم دوام خواهد کرد .



بها دستیح مدیر دافغانستان داسلامی اتحاد محترم او مجاهد امیر
استاد «بند رب الرسول «سیاف» خشنه و غوبنبل چی
دغونهای گلدون کونکی له خپنوارستا کو خبر و خشنه بهره
مند گری مجاهد و رور استاد سیاف خپل خبری دخومبار کو
آیاتونو دنلاوت خشنه و روسته دام پیل کری .

برادران ، گرامایه ، مجاهدین کرام و مهاجرین عزیز !

من سخنان مختصر خودرا به شعری از اقبال لاهوری آغاز میکنم
که فرموده :

خداآن ملتنی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش
بنوشت

به آن ملت سروکاری ندارد که دهقانش برای دیگران
کشت

راستی شعری پرمتنی و پر محنتی است و ما به ارتباط همین مطلب
برای تان مختصرآ عرض میکنیم که افغانها ملت آزاد ، مسلمان
و مستقل بوده و یکنیم ملیون فرزند باشهمت خودرا برای کسب
آزادی اسلامی خود قربان نموده و بزرگترین مظہر آزادی یک
ملت و بندگان فونه استقلال یک ملت درین نهفته است که
مسیر و صریوشت خودرا بدست خود بسازد .

معاهده جهنوای بدست دیگران ساخته شده نزد ما اساساً و بنیاداً
رد و مرفوض است .

ما به همانطوریکه این مذاکرات را اساساً غیر اصول دانسته و به
ارتباط اینکه بدست دیگران ساخته میشود ، طوریکه خود
مذاکرات را رد دانسته ایم نتائج که بران مرتب شده است نیز



بالکل مطمئن باشید راه ما واضح است مسیر ما واضح است ،
هدف ما روشن است انشاء الله برعلاوه نصرت و مدد خداوند
مسلمانان علیص فداکار و اصلیل ادبیات اسلامی ، هم باشما عمره
و هستیوا خواهد بود وما ازین جا به صدای بلند گفته میتوانیم اگر
دنها به آن اتفاقی برسد که کمک بندگان را ازما منع کند کمک
خدای واحد ولایزال را منع کرده میتوانند و اگر مردم بتوانند جلو

دیادونی ورده چسی دخترم استاد دیبرد په جریان کنی په وارو اړ د الله اکبر اوږوندي دی وی د افغانستان د مجاهدینو اسلامي اتحاد مونږ د ګښوا پوجه معاهمه نه منوشی را پورته ګیدی او په هره خوا دخلکو احساسات او جذبی را پاریدل وي .



ور پسی د ګبهی مل نجات افغانستان رئیس محترم حضرت صاحب صبغة الله مجددی برخنه وال خطاب کړل دوی وویل :
حضرت محترم جهاد ما به پایان نرسیده ونه هم اهداف مقدس ووالای خودرا کسب نموده ایم بلکه این جهاد تا پیروزی مکمل که تشکیل یک حکومت اسلامی میباشد ادامه خواهد داشت .
ما یقین داریم که وقتی روسها از افغانستان خارج شوند ،
حکومت ملحد و دست نشانده روسها روزها و یاماہ ها دوام نخواهد کرد این ها بیزودی سرنگون ځیواهند شد . موصوف علاوه نمود : مذاکرات ګښوا از ابتداء نوافض زیادی داشت واشتباها تی بزرگی درین مباحثات رخ داده است که آن را همه مردم مهدا نند ، وما اعتراضات زیادی داشتیم ول ما باز هم شکر خداوند « ج » را بجا یې کنیم که یک ابر قدرت باقام طاقت مادی و عسکری خود میخواهد از افغانستان خارج شود ، اگر این امر واقعیت داشته باشد یک مجزوه قرن پهست خواهد بود .

محترم مجددی در پایان سخنرانی خود چنین ګفت :
قرارداد و موافقنامه ایکه درین حکومت اسلامی پاکستان ورژیم دست نشانده روس امضاه شده و یاقوارم ګورد البه این یک اشتباه بزرگ است و به خساره مسلمانان و خود پاکستان خواهد بود ول ما باز هم مسامی را که حکومت پاکستان و دیگر مؤسسات اسلامی و بین الملل در برآمدن بدoun قه و شرط قوای روس از افغانستان بخراج مهدهند قابل قدر مهدا نیم

غلصین را از پیوستن به این جهاد بگیرند جلو رسیدن ملالکه خداوند را گرفته فهتواند .
بریلان ایک خواهش برادرها واریکه از همه شما دارم این است ګه دین خود نوای برادری ، هبہت اخوت و صمیخت را تمجدید کنید صفوتف تا د لغش رو به باخاطر دنیا دیگران دین خودرا بر باد نکنید شما فرزندان یک ملت و فرزندان یک امت هستید ، به یک راه روان هستید باخاطر خدا و باخاطر پاسداری از خون شهداء و باخاطر احترام به آرمانهای یک هزار میلیون مسلمان ګه امروز چشم . انتظار به تعالی زندگی ساز این جهاد هستند دست بهم داده اختلاف ، نفاق و شقاق را بکطرف بگذارید ، تاویکه اختلاف قائم باشد ، تاویکه ما صف واحد نشده باشیم ، از رهبر ګرفت تا پیرو همه ګناهگار هستیم همه آنهم ګناهگار ، ظالم هستیم ، خداوند مارا ازین ګناه به لطف و کرم خود نگهدارو .

برادران ! من پیکار دیگر به شما اطمینان میدهم که ان شاه الله خداوند باماست ، مسلمانان مخلص باماست ، هیچ تشویش نداشته باشید ، پیروزی نزدیک است و این سنت لا یستغیر خداوندی است که درخت و فرشتهای نهائی هر حرکت جهادی مشکلات را زیاد من سازد و زیادات مشکلات مرحله ما قبل فتح و پیروزی نهائی است و انشاء الله که نصرت و پیروزی خداوند نزدیک است و انشاء الله به زودترین فرصت چشم فرزندان مخلص امت مسلمه باقام حکومت و نظام اسلامی در افغانستان روشن خواهد شد ، خداوند جلت عظمت برای ما و شما و همه مجاهدین ثبات قدم ، قوت هم و عزم راسخ و متین را نصیب بکند خداوند صفوتف منشت مارا به نصل و کرم خود مستحکم بسازد و مبتنگی را درین ما ایجاد بکند حالا که روحیه وحدت و برادری روز بروز بین ما بهتر شده میرود مابه اتفاق همه برادران ، حکومت اسلامی مجاهدین را تأسیس نموده ایم و برادر ګرامی انجیر احمد شاه بھیت رئیس این حکومت و برادر ګرامیه ما د ګټوره فیبع الله مجددی بھیت معاون این حکومت تعین شده اند انشاء الله به زودترین فرصت این حکومت صلاحیت های قانونی خودرا کسب نموده و بکار خود آغاز خواهد کرد .

چرا هرچه زودتر این حکومت را به صفت حکومت رسمی
مجاهدین به رسکیت نمی شناسند ، البته این قصور تاریخی متوجه
نه دولت های اسلامی می باشد .

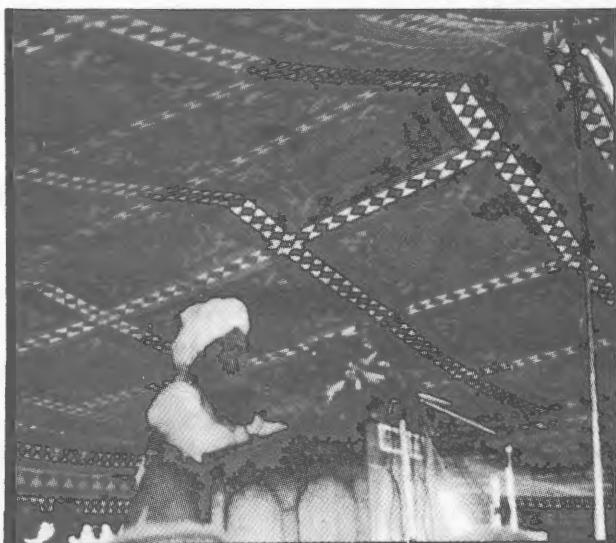
استاد در پایان بیانیه اش چنین افزود :
ما به همه ملت های اسلامی و حکومات شان اعلان می کنیم که به
ما کمک بکنید . و یا هم قطع کنید ، بر سمت بشناسید و یا
نشناسید جهاد ما انشاء الله تاسر زگونی کامل مزدوران روس
در افغانستان ادامه خواهد یافت .

ورو سه بیان افغانستان داسلامی حزب امیر مولوی صاحب محمد
یونس خالص خبری و کمی او دهنده په تبع کنی و ویل :

موزن دجینوا مذاکرات په کل دول رد کمی او رو وی .
حکم پدی مذاکراتو کنی کم قوت چی جانبدار او دافغانستان
مسلمان ملت مثل ڈیکتوون نه در لود بلکه همه کسان ددی
ولس میلین و گتل شوچی در وسانو په تانکونو سپاره افغانستان نه
را غلی ۳ .

بنده خالص زیاته که :

مونږو په هیچ دول دامعا هد نشومنلای زموږ لهاره یوه لیار پاتی ده
چی همه دجهاد اوسلح مقاومت لیارده مونږ دخداي په مرست
او نصرت یقین لرو او ضرور به انشاء الله کامیابیزو . محترم مولوی
صاحب دخبلو خبرو په یا کنی و ویل : دامریکا په مشیه
غربی دولتونه غولی چی په افغانستان کنی یو لا دینه حکومت
راشی چی دعنوی طرفداروی امریکا هیچ کله هم زمزمه دوست
نه دی او نه به مودوست شی لوی خدای « ج » په قرآن کریم



ور پسی دافغانستان داسلامی جمعیت محترم امیر استاد برهان
الدین ربانی خپل خبری پهی او دامی نی و ویل :

برادران عزیز امضاء قرارداد جینوا سروصدایی هنفی را
ایجاد نمود کسانیکه دور از زنج و فاجعه در دنیاک ملت افغانستان
هستند و یا به حکم فشار های بین الملل شاید معاهمه جینوا
را یک قدم درجهت صلح و قطع خونزی را در داخل افغانستان
تعبره فایند . اما از نظر ملت قهرمان و جهاد ما اصلًا قرارداد
جینوا چانچه از آغاز آنرا به شدت رد کرده اند ، قرارداد با هرچه
دران هست از نظر مجاهدین مردود بوده ، وما یکباره بیگر اعلام
می داریم که سرنوشت ملت قهرمان و مؤمن ما در جینوا و یا جای
دیگری تعین نمی شود بلکه سرنوشت ملت ما توسط سنگر نشان
عزیز و ملت به پاخته ما تعین می گردد .



و باید گفت که قرارداد معاهمه جینوا پایان دوره هجرت
ماتیبست بلکه این قرارداد بیانگر شکست و رسایی بین الملل
روها می باشد .

استاد محترم گفت : اکنون به لطف خداوند « ج » به اتفاق هم
برادران مجاهد برادر منگر ما اتجهیر احمد شاه بحیث رئیس
حکومت و برادر گرانقدر و عزیز دیگر ما دکتور ذبیح الله مجددی
بعنوان رئیس حکومت مجاهدین تعین شده است ، حال
این جهان در معرض امتحان قرار گرفته است ، حال دولتهاي
اسلامی از خود بپرسند که راستی اینها اتحاد مجاهدین ظمی
خواهند ؟

اکنون حکومت مجاهدین تشکیل شده خاموشی برای چه هست ؟



پیمانی حال کښی چې له هری خوا د الله اکبر، ژوندی دی وی دا فغستان د مجاهدینو اسلامي اتحاد او د اسامی نور کفر لیزونکي شعارونه اوناری را پورته شوي محترم انجمنه صاحب ووبل: دا فغستان د مسلمان ولس دالس کلن جهاد اویس یونوی پراوته داخل او د بري صالح ته په رسیدو دی روسي سوپير پاوار دا فغستان د مسلمان ملت دسوپر ارادو په وړاندی ماتي خوری اوله ذلت سره لاس په ګړوان شوي دي.

اویس روسان په خپللو کړو پېښمانه او اعلان ئی کړي چې په آینده کښی به دا فغستان دغه ترڅه تجربه هیڅ کله هم تکرار نکړي دعبوري حکومت محترم رئیس دخپللو خبرو په ترڅ کښی زیاته کړه زه د او و جهادي تنظیمونو دعشارتو او عالي شوري دغرو هېړه مننه کوم چې دعبوري حکومت لپاره پدی حاسو شرایطو کښی په ما او زما په وروره اکتر ذبیح الله مجیدی باندی دومره لري اعتماد وکړ، دا حکومت وظیفه لري چې د کمونست حکومت درا نسکوږيلو وروسته د امن او امنیت چار چلنډ سمبال او دیو منتخب حکومت لپاره زمینه معاونه او لار هراره کړي دا حکومت به د قیادی، شوري دپریکړو په اساس دا فغستان دبوا ودانی پروگرام معن په وړاندی بیالی زه دی حکومت دمسټول په صفت تاسو ټولو ته اطمینان درکوم چې دلوي خدای په مرسته او ستاسوبه همکاري او مشورو به دا حکومت دا اسلامي اصولو په نزاکښی دعدل او انصاف چار چلنډ کوي هیڅ چاته به اجازه نه ورکوي چې دخلکوريه مینځ کښی دتبیعیض قومیت او قتنی اور و لکړۍ زه د اسلامي فري او د پاکستان د انصاري حکومت او ملت شخه په تینګه غښته کرم

کښی فرمایل ولن ترطیب عنک اليهود ولا التصاری حتی تبع ملتهم ۰۰۰ زموږ دوستان هنې دی چې هنري اسلام غواړي، امریکا دنېپلوا مصالحو د تأمين په خاطر دی جهاد ته پښی را او بیدی کړي ته دا پچی دا سلام او افغانانو سره مينه لري دغه را ز پدی غونډیه کې د محاذ مل اسلام د مشر محترم سید احمد ګیلانی په خای ده ګهه مرستیوال بشاغل داکتر قاروق اعظم و بنا و کړه نوچوری د جیتوا دین شرمي معاهدي د درد په هکله داسی دوبل:

موږیله ابتداء هنخه دی مذاکراتو دشک په سترګه کل او هنخه موږ دا فغستان د قضی دیو جامع او معادلاته حل لپاره مټرندی ګټنل نو طبی ده چې د دامی معاهدي په احترام او عمل کېډو مکلف نه يو، موږ د معاهده ځکه نه متواونه دعتلو ورده چې دا دملګرو ملت د موسى دعشور خلاف ده ځکه دغه منشور په صراحت سره دولسونو د سرتورشت حق دولسونه ګښي او د معاهده په دی خلورو واپر و بتلونو کښي دی اصل ته اشاره نه ده شوي د معاهده دملګرو ملتونو د مسللو فیصلو بنکاره مخالفت دی نوچوری زیاته کړه په افغانستان کښي فقط دوه اطرافه جنګېږي پوروسان دیوچوری کوځکي طاقت په نم او بل



دا فغستان مسلمان لویه اهد ملت دا ددی یهود د مدافع په هېث، مبالغی داکتر صاحب په پای کښي دوبل: په مذاکراتو کښي رومن دروس دخوشحال لپاره ونلي دی او مجاهدين نه هم دروس دخوشحال لپاره دهلا کراتو شخه ويستل دی تو ځکه موږ له ابتداء شخه ويستل او په جهر سره واپسې دامدا کرات او فيصل زموږ حقوق او اهداف نشي تأمينول یا دا فغستان درا تلونکي عبوری حکومت لپاره غوره شوي رئیس مجاهد ورور انجېښر اهد شاه ته بلنه ورکول شوې چې دنېلوز زړو خپالا تو اظهار وکړي.

ଓଡ଼ିଆ ଗୀତ ପାଠ୍ୟ

ଶ୍ରୀ ମହାତ୍ମା ଗାଁନ୍ଧୀ

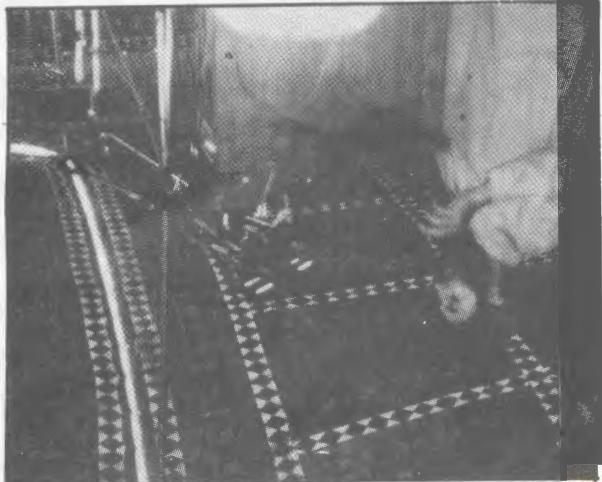
၁၁၃

ମୁଣ୍ଡା ଲକ୍ଷ୍ମୀ ଦେଖିଲୁଛନ୍ତି ଏହାରେ ପୂର୍ବରେ କିମ୍ବା କିମ୍ବା
ଏହାରେ କିମ୍ବା : କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା
କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା

ମୁଖ୍ୟମନ୍ତ୍ରୀ ହେଲା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା

၁၃၈

የተናገሩ የሚከተሉ በቻ እና ስራውን ይጠበቅ ይችላል
የዚህም የሚከተሉ በቻ እና ስራውን ይጠበቅ ይችላል
የዚህም የሚከተሉ በቻ እና ስራውን ይጠበቅ ይችላል

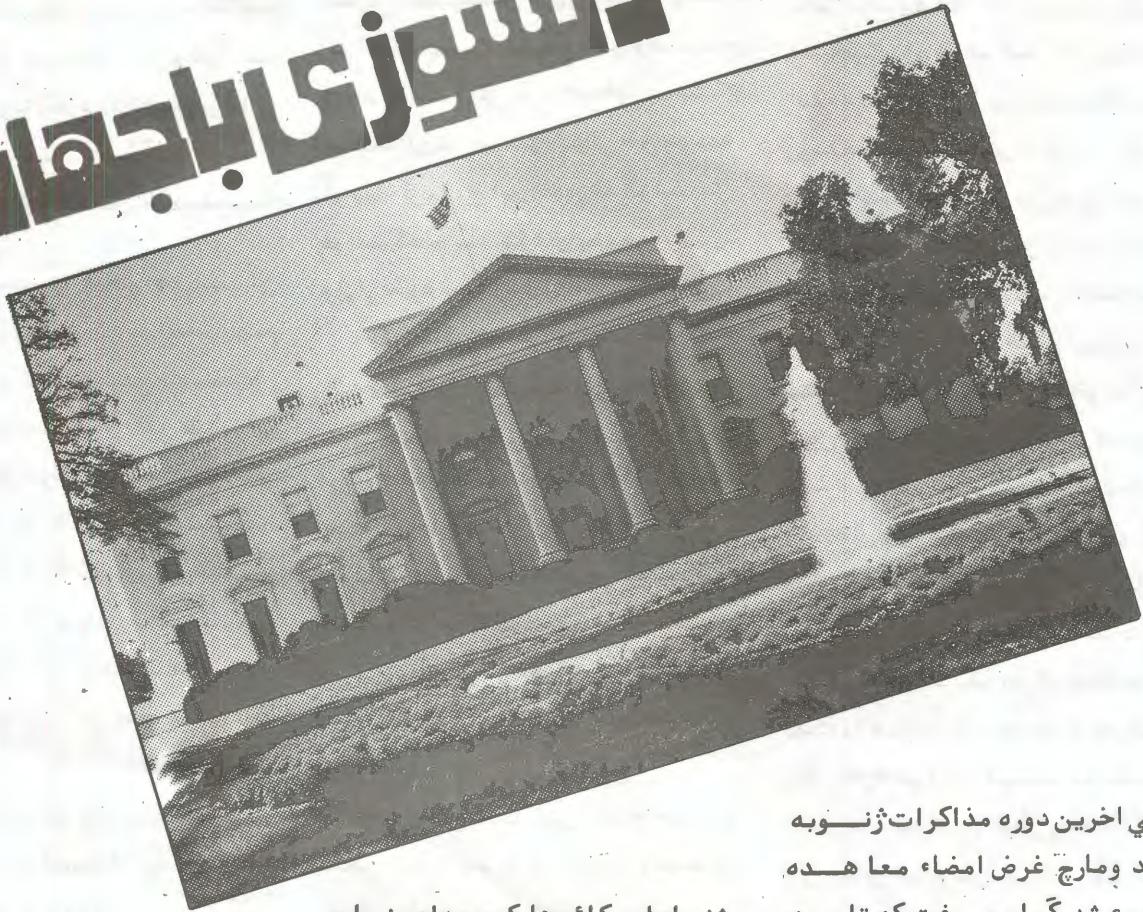


۴۷

፩፻፲፭ የፌዴራል አዲስ ብሔር ስራውያን ተመዝግበ ከፌዴራል አገልግሎት ተመዝግበ



امداد افغانستان دلسوز کا باجھنا



وقتی اخرين دوره مذاکرات ژنو به تاریخ د مارچ غرض امضاء معاہده شروع شد گمان می رفت که تا به

تاریخ ۱۵ - مارچ معاہده توسط چهار جناح شامبیل در مذاکرات امضاء خواهد شد .

درین میان از طرف امریکا به نحو دلسوزا نه پیشنهاد جدیدی ارائه

گردید که دران از روسیه متوجه اخواسته شده بود که بعد از خروج

نیروهایش از افغانستان کمک های نظامی را بالای حکومت نجیب قطع

نماید در غیران امریکا هم به کمک به مجاهدین افغان ادامه خواهد داد این

پیشنهاد امریکائی ها که بعد از بناء پیشنهاد قطع هم زمان کمک ها به دولت مزدور کابل و مجاهدین شہرت یافت از طرف روسیه به شدت رد گردید و دلایل روسیه این بود که ما از مدت های طولانی به دولت های افغانستان کمک می نمود یعنی از زمان امان الله تا اکنون و فعلًا حاضر به قطع کمک نظامی بالای حکومت داکتر نجیب نمی باشیم بعد از مد تی جزو بحث روی موضوع و تبادله پیام ها با لآخره از طرف امریکا طرح جدیدی

اراء گردید که در ان به عوض قطع کمک ها ادامه کمک ها به جناح های درگیر سفارش گردیده بود و بلا در تک از طرف وزارت خارجه روسیه اعلان گردید که پیشنهاد ها به اندازه معقول تر باشد برای ما قابل قبول خواهد بود و به این شکل اخرين بمن بست از روی مذاکرات ژنو رفع گردیده و امریکا اعلان گرد که درین باره منتظر جواب رسمی از جانب حکومت روسیه میباشد و بعد از برای امضاء

کمک امریکا حکومت دست نشانده روسیه سقوط کرد تا از این تصور که مسلمانهای افغانستان با تگی برایمان - تقوی و صبر و تقدیم یک و نیم ملیون شهید بخون خفته به پیروزی نایل گردیده اند جلوگیری بنمایند . اما جهانیان شاهد اند که جهاد افغانستان قبل از مداخله نظامی روسیه به افغانستان بدون در نظر داشت کمک های خارجی شروع شده است و مردم افغانستان با استفاده از وسایل ابتدائی در دست داشته قیام نموده اند و بعد از خروج نیر و های متجاوز و قطع تمام کمک های خارجی تا زمان نایل شدن به اهداف از قبل تعیین شده خویش بجهاد خود ادامه خواهند داشتمان طور یکه روسها مزاج و طبیعت مردم افغانستان را نداشتند به افغانستان مداخله نامشروع و ظالمانه نمودند بهمان شکل امریکا هم از شناخت باین ملت با دیانت و سلحشور عاجزاست و بلا خره خواهد فهمید که ملت مؤمن افغانستان بخاطر رضایت کدام ابر جناور قیام نکرده است بلکه هدفش کسب رضاء الله (ج) و حاکمیت قانون الله در روی زمین و تاریخیان به این هدف آنکه خود را از ما شنه تفکر نخواهد داشت .

نشود که حرکت جهادی مردم افغانستان بعد از توکل علی الله متکی بخود است و بدون کمک بیگانگان شروع شده و بدون ان ادامه خواهد یافت و این رستا خیز عظیم اسلامی افغانستان اصیل و مستقل است، زیرا اکر چنین ذهنیتی خلق و حاکم گردد باعث اغزار حرکت های جهادی مسلمانان در سراسر جهان خواهد گردید ازین رو ابر جناورها کوشش دراند که جهاد مارا وابسته بخود وازان خود بسا زند .

۳ - امریکائی ها به این باور اند که اکر قطع کمک به مجاهدین اعلام شود شاید مجاهدین در فکران شوند که غرض ادامه فعالیت های سیاسی خویشا پایگاه های جدید را جستجو بدارند که غالباً این پایگاه ها در کشوری که همسایه غربی افغانستان است ممکن می باشد که در ان صورت تمام ابر قدرت ها بوحشت بیشتر خواهند رفت .

۴ - امریکائی ها به این عقیده اند که ممکن است بعد از بر امدن روسیه از افغانستان در اندر لکزمانی مجاهدین قدرت را بدست بگیرند .
باید بدبنا طوری و انسود گردید که در این جنگ امریکا موفق شده و به

معاهده ژنو حاضر و اماده ایم - همان بود که وزارت خارجه روسیه به امضاء شیوارد نادری وزیر خارجه نامه ای در رابطه با ادامه کمک ها برای سفير امریکا در مسکو تسلیم داد .

ومقامات امریکائی بعد از مطالعه دقیق این اماده شدند تا جورج شولز به ژنو بروند وبالآخر به تاریخ ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ - معاهده ننگین ژنو در غیاب ملت افغانستان امضاء گردید .

انچه را ملمیخواهیم راجع به این اند گی به غور و دقت بحث نمائیم مسئله ادامه کمک هامی باشد . کمان ما اینست که از قبل هر دوابر جناور روی این موضوع باهم به توافق رسیده بودند و صرف بخاطر اینکه ذهنیت جهانیان را بفریبند و چنان نشان دهند که هر دوابر جنایا اخلاقاتی دارند و دریک سمت حرکت نهی کنند موضوع را در سطح مطبوعات به شکل اختلافی مطرح ساختند و بعداً به این موافقه کردند که گویا چیزی با یک دیگر تبادله نمودند ورنه این ها از قبل موافقه کرده بودند که چنین اعلان شود که کمک ها به هر دو وجهت ادامه داشته باشد که امریکائی ها از این نوع اعلان این اهداف را دنبال می نمایند که :

- ۱ - خود را نسبت به مردم افغانستان دلسوز و غم خوار نشان بد هند .
- ۲ - اعتقاد داشتنند و دارند که بعد از بر امدن روسها این جهاد اسلامی افغانیه ادامه خواهد یافت لذا باید اعلان شود که ما به کمک خود ادامه می دهیم تا این ذهنیت در جهان خلق

باقرا حکومت اسلامی در افغانستان یکانه ارمان شهدایی ماست



تسبیح از موظف

ایران

ما در حالیکه معاشه میان تھی جنیوار اشیدیاً
رد میکنیم و مخالف مصالح جهاد خود میدانیم
انتظار داشتیم دنیای دیگر بالخاصه دولت های
اسلامی درین فاجعه با ما همنوا باشند ویکبار دیگر
آواز عدل و انصاف را در برابر همچو توطه ها
ومؤامره برهنه علیه ملیون ها مسلمان افغانستان
بلند کنند و از موقف مجاهدین پشتیبانی نمایند
مع الاسف ممالک اسلامی خاموش ماندند ویگانه
ملکتیکه درین مرحله حساس تاریخ از موقف
ومطالبة مجاهدین طرفداری کرد جمهوری اسلامی
ایران بود و من به نمایندگی مجاهدین افغانستان
این موقف جمهوری اسلامی ایران را گرامی دانسته
و تقدیر میکنم و ارتباطات اسلامی و برادری را بین
ملت های مسلمان ایران و افغانستان از خالق
مقدر و لا يزال خوا هانم .
احترام .

احمد شاه رئیس حکومت مؤقت مجاهدین افغانستان

یوه بله تمثیل پارچه



خوکانو دوخشيانه .
ظلمونو دلاسه دخپل وطن په پريښودلو او نورو هيوا دونو ته په هجرت کولومجبور شويدي ، په لکونو نوري کورنيه دخپل وطن په غرونو او غارونو کښي شبي ورځي تيري او پسنه لا که کسانو توپک په اوړه د جهاد په کرمونه کړونو کښي ناست او د دېښن په عسکري مراکزه و باندي اور بلوي او کومي کورنۍ چې مستضعفان دي او د محاصري په حال کښي په ځينو مرکزی بنارونو کښي وخت تيري هفوی هم په حقیقت کښي د مجاهدینو داعاشی ، اباتي او اکمال خدمتونه سرته رسوي مسکر ددي توکل حقاقيو باوجود مزدورقاتل جلال نجيب دخپل درامي عنوان « ملي شوري » تاکلي دي که ورنه پوبنته وشي چې د دغې درامي په پردو کښي به د ملت د نمایندګانو تمثيل شوک کوي ؟

د افغانستان مليت اسلام دي او که الحاد او کمونيزم ؟ ايا ته او ستا نور خوش شوی ! یوا که ملګري

سره روان دي ، له یوی خوا دیونیم لاك سرو خوکانو داري د بیکنډ مسلمانو افغانانو پرمژده باندي پسنه دي اوله بلی خوا پخپله روسان هم ناري وه چې که نجيب ممل کېږي او که نه ممل کېږي له هغه سره ائتلافی حکومت جورو لوته خوک حاضريوي او که نه حاضريوي موږ به افغانستان وزکار کړوا و داخلک به پريډو چې خپل سرنوشت پخپله و تاکي او د دي پارچې عنوان يې « ملي شوري » تاکلي دي .
د تمثيل په ملت او مليت پوري له ملنډو و هلو پرته بل مفهوم نلري ځکه چې دغه یوا که غلامان ، و طنفروش او یې دینه مزدوران خوله سره ددي ملت خلک ندي ، د دي ملت افراد هغه کسان دي چې دخپل مليت د احیا کولو يعني د سرو خوکانو له ناوليو قدمونو خخه د مسلمان افغانستان دیاز ادولو د کفر او کمونیزم دلوغونې کمپاڼی توکل او او پچای يې د اسلامي نظام حاکمو لو پخاطر مسلحه جهاد شروع کړیدي .
د دي پنځلس مليونی ملت دريمه برخه يعني پسنه مليونه کسان د سرو

څه مسوده د مخه دروسانو مزدور ملحد نجيب دلوبي جرګي او اساسی قانون تر سرخط لاندې یوه درامه تمثيلوله چې د هغى دنداري لپاره یې په داخلى کمونستانو سر لېره یوشمير خارجي هم مسلکان هم دعوت کړي وو . د درامي په ممثلینو او کارکوونکو باز مدي يې د استاذ ، روحانۍ ، ملا کارکر ، بزگر ، تاجر ، معلم ، مامور کسب کړ او دوکاندار نومونه اینې وو او هر یوه ته دخپل خپل رول لوړولو وظيفه ورکړه شوي وه ، په پاي کښي بې رقيبه کاندید یوا که نجيب درامائي پاچاشو خودا لو به په خوبني سره پاي ته ونه رسیده ځکه چې د درامي او تمثيل په جريان کښي د ملت ریښتینو بچيانو پر لوړ غالی باز مدي د میزائیلو ډزي وکړي او دندار چيانو په خوله کښي يې شات زهر کړل او په نتيجه کښي په بېرنیوندار چيانو بندې خپل او سیمو ته دستیندو لاره ورکه شو .
اوسيوه بله تمثيلي پارچه پداسي حال کښي تمثيلول غواړي چې د مجاهد ملت جهاد له پخوانه زيات په شدت

مسلمانان بیه او د دی ملت د ملیت

په اصولو عقیده لریه ؟ نو بیا به

هم همگسي خواب و وائی لکه چې

په اصطلاح دلويں جرگن په نومه رامې

په تمثيل کښي بیه ویلیو یعنی داچې

دیونیم لاک روسي عسکرو له موجودیت

په تول افغانستان باندی د بمونسو

دباران داوریدو او د هجرت او جهاد

دلړیه داستخوار سره سره ګواکې

افغانستان خپلواک، ازاد، غورپولی

سمسور او د ملات خسلک د خپل

سرنوشتو اکمنان دی ؟ په بل عبارت

ملت کمونستان او ملیت کمونیزم

دی ؟ دافغانستان ملیت او سیاست نخو

په ملي اوین المللی ساحوکښي دروسانو

د تجاوز په لوړیه ورځ ختم شویدی

نه د کابل مزدور رژیم چا په رسمیت

و پیشانده او نه د اسلامی او بیطرقو

هیوادونو په کتارکښي خای ورکړشو

لکه چې همدا اوس په عمان کښي

د اسلامی هیوادونو د خارجه وزیرانو

بین المللی کنفرانس روان دی او د کابل

در رژیم نغاینده پکښي نشه .

متل دی چې وائی : یو سړی

چاپه کلی کښي نه پرسېبوده خوهغه

ویسل بستره می د خان په حجره کښي

کېيو دی - د کابل د رژیم کو د اکیان

څوک د افغانستان د ملات و ګړۍ نه

بولی خمو دو په « ملي شوری » درامه

تمیلیوی - کمونیزم د ټیغیائی مسلک

دی هرڅه چې کوی ګیاه ورڅخه

نشته . د الله (ج) حبیب خه بند فرمایلی

دی « کله چې دی حیا وغورخوله یا

چې خه غواړې هغه کوه »

چراحت افغانستان

صلح رانمی پذیرد؟

با وجو د آن که مسأله افغانستان دهها باو دو مجتمعین
اللهم و کنفرانس های منطقوی و همجنین در ګفتگو
های غیر مستقيم ټنیو به عنوان يک مشکل اساسی
و جهانی مطرح گود یده و راجع به آن بحث و ګفتگو
صودت ګرفه است .

روس در ژنیو بدون اینکه از حضور
نماینده گان واقعی ملت در انجاخبری
پاشد و روی مسائل از قبیل تعین
حق سرنوشت و خروج بی قید و شرط
اشغالگران روسي، و پرداخت غرامت
جنکی از سوی متجاوز به اندازه کاتی
اهیت داده شود ولی تاکنون یشتر
روی مسائل مهاجرین و باز ګشت
آنان به وطن محروم بشان بحث و
ګفتگو صورت ګرفته است . ګویا که
کل مسأله افغانستان مسأله مهاجرین
است و دیگر هیچ مشکلی در ساحه
سیاسی و عسکری وجود ندارد .

روی این اصل جدادارد که این
سوال مطرح شود که پس ملت شهید
داده و زجر کشیده افغانستان کجاست ؟
و چه کسانی حق حقیقی و یا حقوقی
در تعین حق سرنوشت خود بشان که
حق طبعی و خدا داد ملت ها و
انسانهast از آنها و کالت می ګتند ؟
و یا چه کسانی از طرف انها خواهان
خروج بی قید و شرط اردوی متجاوز
مستقيم پاکستان و رژیم دست نشانده

ولی تاکنون تمام این بحثها
و چانه زدنها و به اصطلاح رامحل
سیاسی نتیجه به دنبال نداشته است
و در هر بار و در پايان هر
کنفرانس صرفاً اظهار اميدواری ګردیده
که در آینده راه حل کلی برای آن
پیدا خواهد شد .

اشکال مسلسله درین جاست که
در تمام این محافل و مجالس و کنفرانس
ها غیر از اینکه صاحبان اصلی این
قضیه که ملت شهیداده و زجر کشیده و
سلاح بر دوش افغانستان است نادیده
انگاشته میشود، و کسانی دیگری
بدون خواست و اجازه ازین ملت
و کالت و کفالت میکنند .

همجنین درین کنفرانس هاروی
مسایل اصلی و اساسی آن طوریکه
باید است و ضرورت زمان نیز ایجاب
می ګند بخاطر عدده از تحفظات
و مصالح ملی صورت نمی ګیرد .
بطور مثال در ګفتگو های غیر
مستقيم پاکستان و رژیم دست نشانده

و خون آشام روسی از افغانستان می شود؟ و چه کسانی غرامت و خسارات جنگی را از دولت مستبد روسی مطالبه می کنند؟

درست است که پاکستان به عنوان یک کشور همسایه و هم جوار یکطرف ذیر بطریق تضییه بوده و وجود سه میلیون مهاجر و آواره در اراضی این کشور برای دولت و مردم پاکستان یک مشکل عده و بارگران تلقی می گردد، و مردم قهرمان و مجاهد افغانستان از آن بخوبی آگاه و به چشم احترام و سواس می نگرند.

اما باید توجه داشت که مشکل افغانستان تنها مسئله مهاجرین و آوارگان این کشور نیست بلکه اساسی تر از آن حق سرنوشت و خروج بدون قید شرط متجاوزین روسی از کشور و سر نگونی حکومت پوشالی، غیر مردمی و غیر قانونی کمونستی است. که ملت مجاهد ما آن را قبول ندارد که همین مشکل تنها مشکل اساسی افغانستان نه بلکه معضله دشوار کافه است اسلامی می باشد، و تا این مشکلات بطور اصولی حل و فصل نگردد، و تازمانیکه رژیم کمونستی دست نشانده روسی در کابل روی کار پائید حل مشکل مهاجرین و باز گشت آنها به کشور در حال جنگ و کشت و خون امسکان پذیر نمی باشد.

روی این اساس هر کشور ذیر بطریق اصطلاح دید خودش اگر می خواهد در ارتباط با مسئله افغانستان با دیگران

جنایت کار حرفه‌وی و مزدور روس در کابل حکومت کنند، بلی همین طور است که مجاهدین مسلمان افغانستان ناآن موقع به جهاد مسلحانه خودادامه خواهند داد که رژیم ضد اسلامی کودتا تی هفت نور همراء با سرانو سرکردگان مسلح رژیم ساقط و سرنگون گردد.

در حال حاضر به نظر نمی رسد که مسئله افغانستان از طریق منافشات دپلماتیک و یا هم از طریق کنفرانس های ژنو و اشنگنکن و مسکو به یک راه حل اصولی و عادلانه دست زد به این اساس ماتم برای زمینین به اهداف عالیه خودویرای ایجاد حیثیت بر بادرفته افغانستان مظلوم و برای بازگردانیدن آزادی و استقلال، حاکمیت ملی تمامیت ارضی و اعاده حیثیت بین‌المللی و در نهایت برای سرنگونی نظام مسلح ولی شرم واستقرار و حاکمیت دوباره اسلام به کشور تنها یک راه در پیش دارد، و آن ادامه مبارزات مسلحه اسلامی ضد روسی و ضد کمونستی است، این تنها راه را دفاع احترام به خون یک نیم میلیون شهید مظلوم افغانستان است. ماتمانی خواهد مسالم اشغال وطن شان حکم و شکل اشغال فلسطین ضائع شدمو پهلوانی کنند که بجای خندق های گرم جهادر هوتل های مجلل اروپا و امریکا روی مساقشات کرده و چرا دست به اسلحه برد همیزت کرید.

به بحث و گفتگو بنشیند باید حداقل در قدم اول مسائل اساسی پادشاه را در نظر بگیرد، و اسکانه به چانه زدن سیاسی پردازند، واکر فه ورودش در مذاکرات بدون حضور فمایندگان واقعی ملت و اخذ تصامیم در قضایای مسیری غیر قابل قبول بوده و مجاهدین سربکف اسلام در برابر اجرای مقاد آن مکلف و ملزم نخواهد بسود.

اگر ملت مسلمان افغانستان حاضر به پذیرش نظام الحادی حاکم می‌بود و کودتا های نشگین کمونستی را به رسمیت می‌شناخت و تسلط و مداخله بی شر مانه روسها را در افغانستان قانونی میدانست از همان آغاز پسجه در پنجه روسهای وحشی و آدم خوار نمی‌انداخت، وابن همه خسارات جانی و مالی بی حد و این همه ذلت فقر و دربردی را که امروز حیثیت انسانی و هویت ملی شان را به خطر انداخته قبول نمی‌کردند و هم‌اکنون که این ملت به پاخاسته عملیه نظام اتحادی حاکم و باداران روسی جنایت کار شان دست به اسلحه زده و تابه‌حال بیش از یک و نیم میلیون شهید و صد هزار ارجروح و معلول و میلیونها آواره و سرگردان گذاشته است.

جای دارد کم‌سوال شود و یاحداً قل درک شود که این ملت برای چهه یام کرده و چرا دست به اسلحه برد و چرا چنین آوارگی را پذیرفته است؟ اینست که این ملت مسلمان و آزاده نمی‌خواهد یک مشت کمونست های



حکایت این جهاد ال فتوح فتح الشام

نویسنده: نصیر

ملت مومن افغانستان جهاد خود را در راه خدا و در راه اعلای کلمه الله آغاز کرده است و موقوفیت و بیروزی ایکه امروز نصیبیش شده است تایک طاغوت بزرگ دنیا «روس های وحشی» را بزانو در آورد دال برحقانیت این جهاد است و این بیروزی تاولتی ادامه خواهد داشت که در راه خدا (ج) و در راه حاکمیت دین خدا باشد مردم مسلمان و مستضعف ما به لوت ایمان و عقیده محکم اسلامی خود یک طاقت بزرگ نظامی دنیا را با چنان شکست و انهزام مواجه ساخت و حیثیت وقار و هیبت ودبی به اش واچنان بزمیں زد که از شکست خود بزبان خود افتراق نمیکند و سخن از اخراج اوایش از افغانستان مهزله.

شد و حکومت کابل بجای خویش باقی خواهد بود. دوستان جهادما از ابتدای جهاد در کنار ما قرار داشتند و اسرور وزیر قرار دارند و عبارت از مسلمانان مخلصی اند که عواطف، احساسات و حتی فرزندان و جگر گوشمهای خود را از این جهاد درین فکر دند ولی در پهلوی اینها کسانی نیز واقع بودند که جهاد و اهداف آنرا شناخته بودند و این جهاد را تائید کرده بودند بلون آنکه این جهاد را دوست داشته باشد بدون آنکه بالا هدایت و مقاومت این جهاد

را سرکوب نمایند و امکان باقی ماندن در افغانستان برای شان وجود ندارد پس لازم است تاهرجه زودتر خود را ازین بی عزتی و بی آبروئی بیرون بکشد در فکر آن شدندتا آنجه را در میدان جنگ بدست نیاوردند از راه مذاکرات بدست آورند بلی آنها شرایط را طوری آوردند تا خروج نیرو های خود را از افغانستان برای فعلای به نفع خویش بچرخاند و اکنون کار بجائی رسیده است که ترارداد ژنیو آماده امضا میباشد که به اساس آن روس ها از افغانستان خارج خواهد دانستند که دیگر نمیتوانند مجاهدین

علاقمندی داشته باشند و از خود مصالح و منافع جداگانه ای را درین جهاد میدیدندو میخواستند تمامصالح مقاصد خود را از خلال این جهاد برآورده بسازند .

امريکاني ها از ذلت وني وزني ايکه در جنگ ويتمام يرای شان رخ داده بود جهاد افغانستان را بهترین فرصت دانسته و فكر کردند که از راه همین جهاد میتوانند از روس ها انتقام بگیرند و آنها را به عین ذلت و خوارى مواجه بسازند پس امريکا در جمله مسؤيلين اين جهاد خطرناکترین دشمن اين جهاد بود که در لباس دوستی در زير پوست جهاد در آمد باجهاد همراهي کرد و وقتی مقصد شان از ناحيه ذليل شدن ' پريشاني و انهزام روس ها برآورده شدچهره خود را واضح ساخت و به اين فكر اقتاد که اگر جهاد آند کي ديگر جلوتر ميرود امسakan آن ميرود تادر افغانستان حکومت اسلامي بيان آيد واقمه نظام اسلامي اعلن مرگ و نابودي کفر والحاد درروي زمين است وقتی دشمنان اين جهاد دانستند که روح جهاد امروز در افغانستان و فردا در فلسطين و چندی بعد در نقاط ديگر دنيا روز بروز منتشر شده ميرود در تلاش اقتادند تاجلو انوار واستمرار آنرا بغير ندبننا" روس و اريکا و قوت هاي کفر دياره تفا هم ميرستند تابه هر وسیله ايکه امسكان دارد جلو پيشروي جهاد باید گرفته شده و آنرا متوقف سازند واقغانستان

حکومه تی تشکيل دهند و نامش را بگذارند حکومت ائتيافي در ظاهر آ بنام اسلام اعلان خواهد گردید و در چهره اي تبارز خواهد گرد که فيصي د عظيم مردم راتومط آن فریب خواهد داد و در پهلوی آن قرار خواهند گرفت وصفوف جهادما خدا ناخواسته ضعيف خواهد شد و جهاد ما مسیر اصلی خود را ازدست خواهد داد ولی خوشبختانه که اين پلان شوم روس و امريكا و ديگر قوت هاي کفری نيز نقش بر آب شد خداوند (ج) جهاد ما رانجات داد زيرا اين جهاد بخاطر خدا (ج) آغاز شده و خداوند (ج) آنرا در موقع خطر نجات و تازمانی ادامه خواهد داشت تا در کشور عزيز ما نظام اسلامي قائم گردد ، افغانستان کشور مجاهدين و مرسمپرده گان راه اسلام است اين ها وارثين و منسوبيين حقيقی اين جهاد و قضيه افغانستان قضيه ملت مسلمان افغانستان و رهبران اين جهاد معمليين و نماینده گان واقعي اين ملت اند .

مجاهدين به قوت عقide و ايمان خاطر حفظ آبرو و عزت اين جهاد ر به منظور حفظ احصالت اين جهاد تا پاى جان مى رزمند تا از دو يكى را نصيب گردد يا فتح ياشهادت امضامي و افتتمame زئيوهيج خللى در اراده سپاه اسلام وارد نيسازد زيرا اينها با خدا (ج) پيمان بسته اند که مادر راه توسي رزميم و در راه توشهيد ميشويم با پيمان ديگران کاري ندارند

به مجاهدين تسلیم نه شود با امضا قرارداد زئيوهيج مطلب اولی که عبارت از تسلیم نکردن افغانستان به مجاهدين است تالاندازه اي برآورده ميشو دلو مطلب دوم که استمرار جهاد است برآورده شده نميتواند وجهاد استمرا پيداميکند زيرا همه مردم ميدانند که با برآمدن رونها باز هم حکومت مزدور کابل به سر کرده کي نجیب ها بر جا خواهد بود که در يتصورت مجاهدين و مهاجرین با موجوديت حالت تبلی و موجوديت حکومت مزدور به کشور شان عودت نخواهند کرد بنا ياد حيله اي بكار رو دواز نير نگي باید استفاده شود تا اکثریت مجاهدين و مهاجرین به کشور شان باز گرددند اين حيله عبارت از تشكيل حکومت مؤقت ويا عبوری است ، حکومتی که در آن اعضای خلق و پرچم مهاجرین و مجاهدين پاکستان و اروپا و سایر کشورها باید شركت داشته باشند که با حکومت مجاهدين که بالا تحداد كامل هفت تنظيم اسلامي بر ياد است برادر مجاهده انجينير احملشاه تشكيل شده است . مغایرت دارد و علت بدرازا کشیدن امضاء قرارداد و موافقه زئيو هم همین مطلب بوده است سعی بسر اين بوده تا رهبران مجاهدين را به اين وادرار تا بادشمنان دین وطن و ناموس ، وطن فروشان خود فروش قاتلان يكتيم ملیون شهید مسببین حقيقی در بدري ملت مسلمان افغانستان

آیا نجیب میتواند بدون کمک رویه
براریکه قدرت بماند و آیا تاب مقاومت
مجاهدین راه حق برای یک روز را
خواهد داشت؟

طوریکه با موجودیت قوای نظامی
پاداران شان توانستند جلوسیل خروشان
مجاهدین راه حق را بگیرند بدتهایی
هر گز نخواهند توانست با لشکر خدا
مقابله کنند ولی اساسی ترین شرط آن
اخلاص، صیر و حوصله است که
درینصورت خداوند (ج) ساعتی را
خواهد رساند که جهاد به منزل مقصد
برسد و زمانی برسد که در افغانستان
آزاد نظام اسلامی قایم و قانون قرآن
ناقد گردد.

مادة اول موافقت نامه
دوجانبه بین پاکستان و رژیم کابیل
در باره حصول متقابل مخصوصاً عدم
مداخله، ماده دوم توافقی است بین
پاکستان و رژیم کابیل در باره بازگشت
داوطلبان مهاجرین بوطن شان، ماده
سوم مربوط به اعلام تضیین های
بین العمل، ماده چهارم توافقی است
در باره ارتباط این مواد از جهاتی که
به حل مسئله در رابطه با افغانستان
مربوط می شود، ماده پنجم یاداشت
تفاهی است در باره ترقیات نظارت
و تودر قرار داد که بوسیله سازه ایان
ملل متعدد انجام میگیرد.
اکنون سوال پیدا میشود که

روس ها هر چه در وسع و توانشان
بود برخلاف این جهاد بکار برد ولی
کوچکترین اثری بر عقیده راسخ
مجاهدین بجا نگذشت با قبول شهادت
ها، بدار کشیدن ها، هجرت ها و
صد ها مشکلات دیگر مردانه و بی
با کانه در برای روس ها و غلامان
حلقه بگوش شان رزمیدند تا آنکه
روس هارا به آن واداشت تابه شکست
و بدنامی از افغانستان خارج گردند.
به اساس گذارشات و سایر
اطلاعات جمعی قرار داد و موافقت نیو
تا هفته جاری به امضا خواهد رسید
و به اساس آن روس ها اخراج قوای
خود را از ۱۵ ماه می آغاز خواهد کرد

حق پاچون

د افغانستان د اسلامی اتحاد د سپیخلو اهدافور یېستنى غږ

د هیواد خخه د باندی کلن گدون ۱۸ دالره

نوم

شپرمیاشتنی گدون ۹ دالره

پته

په هیواد کى دننه کلن گدون ۱۲۰ روپیه

د بانک نمبر
زمون پته

BANK OF OMAN FCA 68 Peshawer, Pakistan

P.O. BOX 467 PESHAWAR PAKISTAN

کنفرانس

جہاد

د

د ۳ شعبې یه لوح چي دوري د میاشتی له ۲۵ تاریخ سره برابره وه د
پاکستان د جمعیت علما اسلام د عمومی منشی او د پاکستان،
د مشرانوا د جرکی غری مولانا سمیع الحق لخوا د اسلام آباد هوتل
سه لوی نالار کی د پورتنی عنوان لاندی یوه درند غونډه رابلل شویوه.
یدی غونډه کی د افغانستان د جهادی تنظیمو نو مشرانو برسیره
سوشیر اسلامی اوغربي دولتونو سغیرانو، د پاکستان ملي شوی
ا مشرانوا جرکی یوزیات تعداد غرو، بھرینوا او کود نیو خبر
ا اسو په گن تعداد کی کدون کړی و.
عونډه د ما سپنښین یه دری بجو او پنځه خلویښت دقیقو باندی د
قرآن کریم د خو مبارکوا یتونو په تلاوت سره چي د مدینی منوری
د پوهنتون د پخوانی رئیس داکتر عبدالله زاید لخوا ولوستل شو
رسما پیل شو.

محترم سمیع الحق د هر کلی نامی او
تعارفی کلماتو خڅه وروسته د خپلوا
څبرو په جربان کې وویل : د افغانستان
تش لاسی او بی چاره ملت د دنیاد تولوا
کمزورو ملتو نو په نمایندګی روسي
سوپر طاقت ته داسی ماتی او ګذارو رکړ
چی ایندنه کې به د نورو د تسخیر او
استعمار توان به څان کې پیدا نکړي .
دوی وویل : د ایمان او عقیدی په
دراسدی او سپنه او بارود خپل اثر او
حاجیت له لاسه ورکوی او مغلوبیوی ،
د افغانستان جنګ د حق او باطل جنګ
دی ، دادظام او مظلوم غورځی پرځی
دی .

روسان او توله نری اوس پدی پوه ده
جـ د افغانستان روانه سخن د روس او مداخلی دندوره غږه وي ترڅود نړیوالو

محاکھینوا ترمنځ نېټه ده نوله همدي په سترګو کې خاوری واچوی او د اسی لاس ماتی نده خورلې بلکه د خپلوا
خایه روسان د امریکای اوچینائی و بشائی چي ګوندي دوی د مجاهدینو په مصالحو تأمین دوی ته اولیت لري .



ورپسي د اتحاد اسلامي افغانستان
امير استاد سياf ته بلنه ورکړل شوه
ترڅو برخه والوته په عربی ژبه د
افغانستان د جهاد او اثراتو تر عنوان



لاندی خبری وکړي ، بناغلي سمیع الحق
د استاد سیاف د پیژند ګلوي په لري
وویل پروفیسور سیاف د تعزیف څخه
غني دی خوزه به دومزه ووايم چي دا د
عربی ژبي هغه بهترین خطیب دی چي
د اسلامي کنفراس په سرتولنه کی ئي د
دیرو ستر ګوځخه اوښکي و بهولی .
استاد سیاف وویل : په رښتیاهم چې
د افغانستان اسلامي جهاد یو حل بیاډ
د شلیدوتوا ننلري .

هجرت او نصرت مفاهیم او حقیقت
راخر ګند کړ، دا دو هغه حقیقتونه
دی چي د دیروخت لپاره د خلکود فکو
او ذهن څخه پت او ورک شوی ودوی
د خپلو خبرو په ترڅو وویل : دی جهاد
د پاکستان او اسلامي نړۍ په پراخو
پر ګنو او ولسوونباندی دیر مثبت
او غوبن اثر کړي او په هنوي کې ئي د
غیرت مرانی او عزت وینې په ګرمیدو
راوستي دی .

د افغانستان پخوانیو مازیورو
واکدارانو دروسانو او نورو طاغوتي
زواکونو په لمسه د تل د پاره زیار
ویستلي ترڅو د افغانستان مسلمان
او غیرتي قوم د خپل ګاوندي او ورور
هیوا د په خلاف را پاروی او د بغض
اوکینې تخم پکي وکړي .

خود لوی خدا (ج) په فضل او کرم
دغه دې اعتمادي فضا او س ولخیوت
او اسلامي ورورو په مضبوطو اړیکو
بدلی شوی چې هیڅ خوک ئي انشاء الله
د شلیدوتوا ننلري .



گرانو ورونو ! له چاکوښي نده چې
اسلامي امت د ذلت او بدېختي ددرؤند
پېښي لاندی زکیروی کوي او د سپکاوي په
کردن ګردېجندي او دا حلې چې دی امت
خپل رسالت ته شاکړي ، خپل مصیرې
خطلاکړي او دنور د کاروان پسی زغلې
دا امت د قیادات او زعامت امت دی ،
مشري او سیادات دده دی دا امت
د نیکي خواته په امراوله بدې خڅه په
منع ګمارل شوی تر څوډي لاری بشريت
راهنمای او قیامت وکړي .

استاذ وویل زه د خپلو خبرو په پا
کې د جمعیت علماء اسلام د قیادات
پاکستان د انصاری ملت او حکومت
د زره له کومي مننه او قدردانی کوم
چه دوی څمونزې څلګونکی دریدلی او په
ثبات او شهامت ئي څمونږ روا او
عادلانه مبارزه تأیید کړئ زه د
پاکستان حکومت ته نصیحت او توصیه
کوم چه دنیزو د معاہدی په لاسلیک
سره د خپل مسلمان ولس او د اسلامي
امت په تندي ، د شرم او پي غیرتي داغ
ونه لکوي او په لوی خداي توکل وکړي
څمونز جهاد او س د کاميابي په اخري
په او کې دی او انشاء الله دا به دېږي
تر سرحده چې د یو سوچه اسلامي
حکومت قیام دی ادامه وصولي

بیا د افغانستان د راتلونکي عبوری
حکومت لپاره غوره شوی رئیس مجاهد
ورور انجنیئر احمد شاه خڅه غوثتنه
وشهو چې د میکروفون تر شاد کنفرانس
کډون کونکي مخاطب کړي .

دوي خپل خبری د اسى پېيل کړي :
گرانو ورونو د افغانستان د خلکوں
کلن جهاد او اسلامي پاڅون دالله عز
وجل د حمایت او تأیید بهترین ثبوت
دی .

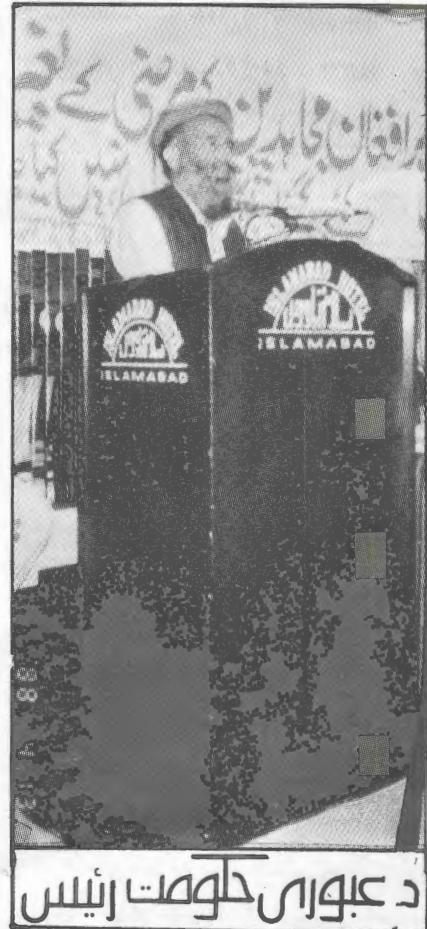
روسان په پوئي دکر کي په کامل دول
له ماتی سره مخ شوی او انشاء الله حی
په سیاسي لحاظ په له نوری رسوائی
او ذلت سره لاس په گریوان شی ۔



د عبورې حکومت محترم رئیس د خپلو
خبر په پای کي د پاکستان حکومت
او خلکو ته دراولپندي اسلام آباد
د غمناکي پیښي په اساس خپل دتسلیت
او غم شريکي مراتب وړاندی کړل او
دعائی وکړه چې لوی خدای دی ددی پیښي
شهید اړن Ҳمونږ د لکونو شهیدانو
سره په جنت کي یو څای کړي او زخميانو
ته دی لوی خدای عاجل صحت ورکړي ۰
د غونډۍ په پای کي د افغانستان د
مجاهدينو د اسلامي اتحاد فعلی رئیس
محترم انځیر صاحب حکمتیار د ژنيو
په پوچواوې معنی خبرو مفصلة رنهما
واچوله او هغه ئې په کلک او غوشخ دول
وګندله ۰

دوی د خپلو په جریان کي د دغې
نامعقولی او عبئی معاهدی ته په وأشاره
سره وویل : موږ له ابتدا، خخه دېزنيو
د خبرو په هکله خپل د اعتراض غږ.
پورته کړی او تولو ته اعلان کړي چې
د دغې معاهدی د اجراء او منلو په
هکله هیڅ دول التزام او مکلفیت نلرو.
بناغلی حکمتیار زیاته کړه : ددی
معاهدی په نتیجه کې نه جنک ختیداۍ
شی او نه مهاجرین بیر ته خپل ملک
ته ستنيدادي شي .

دا هکه چې د جنګ دوه اصلی عامله
اوسم پخپل حاټی پاتی دي
لومړی د روسانو مزدور رژیم او دوهم
د هغهوي سور پوځ
نو موږي خپلی خبری د اسو پای ته
ورسولی: مونډه به خپل جهادته ترهنۍ
ادامه ورکوو چې ترڅو تولی روسي قواوی
له افغانستان څخه وړهل شي د نجیب
تحمیلی رژیم رانسکور شي او د هغه
پرځای د ملت په خوبنې یو اسلامي
حکومت قائم شي



د ټۈرکىيەت رئيسيس

دوی وویل: زه د خپل څان او د افغانستان
داتل او مجاهد ولس په نمایندګی په
مراحت سره اعلانوم چې : هیڅ خوک
دی د ایندې اسلامي حکومت څخه په
تشویش کې نه وي . اسلام د صلحى
امنيت براري او عدالت نظام دی هغه
خوک چې د اسلام څخه په ویره کې دی
باید اسلام له سره مطالعه او لمه
مفاهيمو سره ئى څان اشنا کړي .

مونسرو غوازو چي د دنيا د تولو هبيوادونو
سره په صلح امنیت او د متقابل احترام
په فضا کي ژوند وکرو ۰

د یادونی ور ده چې پدی ځونډه کې
هر بیو محترم حضرت صاحب صبغة الله
مجددي محترم مولوی صاحب محمد
نبی محمدی محترم مولوی صاحب خالص
او محترم استاذ ربانی به واروار سره د
جهاد هجرت او اسلامي امت د مسئولیت
په هکله خو ندوری او ارزښتا کې
بيانی ورکړی چه په انګلیسي عربی او
اردو ژپا زپا ړل کیدي .
غونډه ده زیگر په پوره شپږ بجو
دنومیالی عالم او دا کوری مدرسی د
مؤسیں او مدیر مولنا عبدالحق صاحب
په اختتامیه دعا پایا ته ورسیده .



همه لښکر چې قايدنې د صیر اوئبات په
ګانه بشکل وی اوله لښکرنه مخکي مرد
ته غږېه ورگوی د ټړبز کړته ماتې خوردي ۰
« سید جمال الدین افغان »



فرجام شکن یئٹ فاجعه خوشن

ده مال از کودتای خایانانه و خوین ثور میگذرد کذشت این ده سال نه تنها در تاریخ مردم افغانستان بلکه در تاریخ مردم منطقه و جهان از اهمیت و بر جستگی خاصی بخورد دارد است. حادث و جریانات این ده سال بادر ظرود اشت سوابق و زمینه های پیشین آن، تجارت غنی و هر باری محسوب می گردد که لازم است تاجهانیان آنرا بخوبی درک نموده درس عبور فواکیرند و از همه مهاصر، درین اندوخته های آموختنی را بمنابه مشعلی بروز راه اسرار و فردای خویش در سطح ملی و بین المللی مورد استفاده قرار بدهند. هر چند این تجارت خوین و کرانها به قیمت خون یک و نیم میلیون شهید مظلوم و بیگناه که کنایی جز دفاع از عقیده و تباهی و ویرانی شهرها و دهات و با آلام و رنج های یکسان سردم مجاهد و زجر کشیده مابلست آمده است، ولی مردم منطقه وجهان بد خوین و آسانی میتوانند از زمینه ها، عوامل و نتایج این حادث درد انگیز و خوبیار بولی حفظ و تامین صلح، امنیت، استقلال ملی، تمامیت ارضی و اعمار زندگی فردای خویش حد اعظم استفاده نمایند.

بِقَامِ:

محمد نسیم (فقیری)

داستان د ساییس و جنایات روس در افغانستان از پرآغاز نمی‌باید بلکه بخاطر ریشه باشی این فاجعه عظیم لازم است تا حداقل یک قرن به عقب برگردید و ریشه‌های اصلی تجاوز روس‌ها بر خاک افغانستان را در نقشه‌های استعماری و توسعه طلبانه روسیه تزویری و پطری، سجستجو نمائیم. آنچه که به شهادت تاریخ واضح و مبرهن است، سیاست‌های استعماری و تجاوز کاراندزیارها توسط بشویک‌ها ادامه یافته است زیرا کودتای مکارانه ۱۹۱۷، توسط بشویک‌ها و در راس آنها اینکه با شعارهای نوین به ملل تحت ستم نوید آزادی و استقلال میداد نه تنها در جهت ازاله آثار استعماری تزارهای اقدامی نموده بلکه آن سیاست‌های استعماری و توسعه طلبانه پیشین را باشد هر تعامل و پانیرنگ‌های رنگارنگ عمیق ترساخت و به وسعت و گسترش آن افزود.

استعمار روس در سیاست روابط خارجی از نفوذ خویش برای ایجاد، تقویت و حمایة گروه‌های مزدور و سیاست استفاده کرده است که روشن ترین مثال آنرا میتوان در افغانستان مشاهده نمود. آنرا میتوان در افغانستان مشاهده نمود استعمار روس در مدت تقریباً هفتاد سال با شعار دوستی عنعنوی و حسن همچواری در شاهرگ‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشور ما نفوذ نمود حکومات فاسد و بی‌کفایت افغانستان نیز نه تنها در جهت عملی شدن پلانهای شوم و استعماری روس‌ها موافع ایجاد نمودند بلکه زمینه‌ها را نیز کاملاً آماده ساختند و حتی امروز مدافعين حکومات قبلی (ظاهرشاهی و داودشاهی) در دفاع از سیاست روس دوستی و اسلام دشمنی آن حکومت استدلال می‌نمایند که برای زمامداران افغانستان مشکل بود که اسباب عدم رضایت و برآشفتگی روس‌ها را مبنی بر سرکوب گروه‌های کمونیستی فراهم سازند!

به‌مرور صورت ایجاد و تشکیل گروه‌های کمونیستی در افغانستان، اساسی ترین پایگاه تجاوز روسها بر دیانت، نوامیس ملی و شرافت تاریخی مردم افغانستان و در نتیجه آزادی استقلال و تمامیت ارضی کشور ما محسوب می‌شود. زیرا زمانیکه این گروه‌های ملحد خاين و وطنپرداز با کمک و هدایت مستقیم و همراهانه روس‌ها و حمایت و یا حداقل سکوت حکومات افغانستان به فعالیت‌های تبلیغاتی و نفوذ در مراکز تعلیمی و

عسکری افغانستان پرداختند از همان روز آغازیانه میدانستند که روزبروز ساحة کاراین جو اسیس ابعاد وسیعتر بخود گرفته و پلان‌های شوم شان قدم به قدم عملی و به هدف نهائی یعنی گرفتن قدرت سیاسی نزدیکتر می‌شود بنابرین کودتای هفت نور یک پلان تصادفی و ساده نبوده بلکه برای براه ازدختن آن سال ها قبل بصورت ماهرانه و دقیق زمینه سازی شده بود که درین ضمن کودتای ۲۶ سرطان ۵۲ بعیث نخستین گام عملی در ساحة نظامی بعسایب می‌رود.

خلاصه اینکه بخاطر ریشه باشی اوضاع کنونی افغانستان و بخصوص تجاوز نظامی روس‌ها در ۶ جدی ۵۸ و کودتای خاینانه هفت نور لازم است تازمینه‌های پیشینه این فاجعه‌ها در ساحت مختار سیاسی اقتصادی فرهنگی و نظامی افغانستان حد اقل در طی پنجاه سال گذشته و در رابطه با پلان‌های دقیق و سرمايه گذاری‌های عمیق روس‌ها درین ساحت و ایجاد ورشد نیرو‌های مسلح و وطنپرداز، بصورت درست و همه‌جانبه مورد بررسی قرار گیرد اما درین نوشتار به فرجم ننگین فاجعه خونین هفت نور اشاره می‌شود که چگونه با شعارهای تند و انقلابی و برگشت ناپذیری روی صحنه آمد و چگونه امروز بر تمام دست آورد ها و شعارهای قبلی خویش خط بطلان می‌کشد و در برای بر ایمان راستین واراده پولادین ملت مسلمان و مجاهد

رویهمه قته در کنار تعقیب سیاست توسعه طلبی قبلی، اینکشمارهای بظاهر اقلایی و بشر دوستانه بشویک‌ها شکل تازه و خطرناک استعمار یعنی استعمار فکری را نیز بخود گرفت و برای تعمیق ریشه‌ها و پایه‌های استعمار سیاسی به جلب وجذب افراد و تشکیل گروه‌های مزدور و جوامیس که از داخل کشور به نفع استعمار روس‌کار و مبارزه نمایند نیز تلاش همه جانبه صورت گرفت.

شاهد فرجام ننگین فاجعه خونین هفت ثور می باشیم رژیم کودتا در سال های نخست ادعامی کرد که پرسونل کافی برای اداره افغانستان در اختیار دارد وهمه وزارت ها و ریاست ها را از قرار ناهمل، کم سواد، رشهه ستان، آدمکش و جاهل پرساخت تا جائیکه او باشان کمونست را از صنوف مکاتب پوهنتون به مدیریت های معارف و لیسه ها گماشت و یا بعیث والی، ولسوال و علاقه دار وغیره توظیف نمود که با قیام مردم و شناخت قبلی ازین ماحدهای خلین وطنروش پایه های رژیم لرزان گردید و ظلم و ستم، کشتار و تعذیب و شکنجه نیز نتوانست که جلو قیام مسلحانه ملت را بگیرد تا اینکه اردوی سرخ به کمک کمونست هاشتافت و در کنار آن شعارها و شکل و چهره رژیم کودتا نیز بظاهر تغیر نمود اینک از وجود وزرای حکومات ظاهر شاه و داد و در کاینه کمونستی با افتخار و مبارات یاد می شود و از دیگران نیز دعوت بعمل آید تا در تشکیل حکومت ائمه اتفاقی سهم بگیرند !!

بیرق سرخ این سمبل قتل و جنایت و کشتار که افرادشان آن بعیث یرق ملی افغانستان !! یکی از دست آوردهای عظیم کودتای ثور بود پائین کشیده می شود ورنگ یرق قبل سه رنگ را بخود می گیرد. در کنار گروه چاکران روس از تشکیلات جبهه ملی پدر وطن و بعداً جبهه ملی و تشکیل شورای علماء و روحانیون

اقدامات انقلابی !! خط بطلان می کشد و هر روز چهره تازه بخود می گیرند ورنگ عوض می کنند.

حوادث و جریانات قاجعه هفت ثور را طی ده سال که مشحون از قتل غارت، کشتار، تعذیب، شکنجه و هزاران جنایت و یداد کمو نستان وطنروش و خایین می باشد از رسوانی ها و اتفاقات سیاسی و تاریخی نیزی بهره نمی باشد که بدون شک برای نسل های فردا و تاریخ فردا بسیار مسخره و خنده آور خواهد بود.

کیش شخصیت در نخستین سال رژیم کودتا، القاب و شعارها در مধح ترہ کی ملعون چون: «شخصیت بزرگ ملی و انقلابی افغانستان»، «آموز گار خردمند و انقلابی»، لیدر شب شکست ناپذیر و خلاق»، «قهرمان نظام انقلابی افغانستان» و ...

بعد آ کشتن او توسط امین - جلا دیعنی «شاگرد بسیار و فادار و صدیق رفیق ترہ کی» و ادامه این داستان تا قتل امین و رویکار آمدن بیرک با تانک های روسی و اعدام وزرای کاینه های ترہ کی و امین توسط پرچمی و بالآخره بركتاری بیرک و رفقای او همه و همه حکایت از «زندگی رفیقانه» کمونست ها در افغانستان دارد که این زندگی ننگین نه تبنها در افغانستان بلکه در همه جا این چنین می باشد و قایع یعنی جنوبی در دو سال قبل شباht کامل با این قضیه دارد.

به همین ترتیب در همه ساحتات

ما به زانو در آمده و با الحاح و رازی که حاکمی از ذلت و زبونی روز افزون و مرگ و نیستی ابدی آنست برای نجات از طوفان قهر مردم مجاهد و سلحشور ما پوزه خجلت برخواک ذلت می مالد ...

کودتا چیان هفت ثور در نخستین شامگاه سیاه و خونین کودتا و در اولین اعلامیه رادیوئی با غرور تمام اعلام داشتند که به حکومت خاندان نادر غدار برای ابله پایان داده شده است و با شعارها مقاله ها، یا نیه ها، کار یکا تور ها نمایشنامه ها و ... از مفاسد و مصائب ولی نعمتان و حامیان دیروزی خویش

یعنی ظاهر شاه و داود شاه سخن گفتند حتی لباس های زیر پوش زنانه مربوط به خاندان سلطنت را نیز در نمایشگاهها گذاشتند ولی امروز برای نجات خویش از پنجه خشم مردم مجاهد ما باز به دامان همان خاند ان پنهان می بردند و تمایل خود را برای بازگشت ظاهر شاه و قرار گرفتن او در رأس یک حکومت ائتلافی ایراز میدارند !! آیا ذلت و زبونی ورنگ و رسوانی ازین بیشتر هم وجود دارد ؟!

هنوز مردم زجر کشیده ماقریادها و شعار های آتشین و بی محتوا ای چاکران روس را در مارش های مسخره میتک ها و اجتماعات به خاطر دارند که خلقی ها دیرچمی ها گلوهای خویش را پاره می کردند و بانعره های شیطانی هورا هورا از دست آورد های بزرگ انقلاب کمیر ثور !! با افتخار و مبارات باد می نمودند ولی امروز به همه آن

گروه های کمونستی را خورد و آذن را چون مار آستین بروزش داده و از عاقبت کار خویش غافل می ماند و هم تجربه آموختنی برای کسانی است که رژیم کمونستی را راه نجات مفاسد سرمایه داری و حکومت مستبدانسته و هم برای سران گروه های کمونست در کشور های همسایه و سایر کشور ها که خواب حکمرانی در پناهمایت و یا موجودیت اردوی سرخ رامی بینند ولی از مردم نوشت ننگین و عبرت انگیز داؤد، تره کی، امین و بیرک خود را غافل نگهداشند و هم درس عبرت برای خودروس ها و سایر استعمار گران است که ایمان و اراده قلب های مسلمان را دست آلم گرفته و تیروی نظامی و تسليحاتی خود را شکست ناید بر می دانند.

برین بناست که فرجم ننگین فاجعه خونین هفت ثور با همه تجارب و نتایج آن برای هیگان یک درس عبرت است و دیده شود که مردم احزاب و حکومات جهان ازین تجارب در انتساب راه آینده خویش و بخصوص در روابط بالمپر بالیزم جنایتکار روس و گروه های کمونستی چگونه استفاده نمایند؟

نامبرده نمی شود بلکه گاهگاهی در جلسات حزبی از آن ها به اشتی یاد شده و به اشتباها و خیانت های آذن انگشت گذاشته می شود و یک دیگر را به خیانت متهم می کندو فتط روس است که یک وحدت ساختگی و دروغی را میان چاکران خویش برقرار ساخته است نجیب مزدور که حتی در داخل گروه چاکران روس امجدیست برخوردار فیست با یک نمایش مسخره خود را رئیس جمهور قلمداد می کند و انتخابات شورای ملی !! را العلام میدارد خلاصه اینکه در دهه میان سالروز فاجعه خونین هفت ثور شاهد و جام ننگین این فاجعه شوم و خوبیار می باشیم و شکست و برگشت زیمانه و ذلت بار آنرا امضا هده می نمایم.

تجارب تلخ و خونین کمونست هادر ده سال اخیر می تواند برای همه کشور ها و حکومت درس عبرت باشد برای آنها یکه فریب دوستی روس را می خواهد و به دام استعماری کمک های اقتصادی، فرهنگی و نظامی آن گرفتار می شوند برای زمامدارانیکه معاهدات دوستانه به روس ها را تکیه گاد نظایر مطمئن و مسؤول از خط تجویز و مداخله روس میدانند و یا فریب سیاست روابه های

جرگه اقوام و قبایل و درین او اخر احزاب و سازمان های به اصطلاح سیاسی و در حقیقت فرمایشی صحبت می شود و سیتم یک حزبی یکی دیگر از انتخارات کودتای ثور یک عمل جاهلانه و احمقانه تلقی می گردد !! لو یه جر گه که بجیث یک عنفنه ج معققیو دالی و قبائی و صحته مازی رژیم های جابر تلقی می گردید آنون خود کمونست ها به آن پنهان می بردند و از آن استفاده می نمایند زیرا همه رژیم ها حکومات بخاطر دادن زنگ قانونی به فصله ها و تصامیم جابر آن خود را زدن سازی مضمون استفاده کرده اند.

کلمه دیموکراتیک که یکی دیگر از دست آوردهای انتخاب آخرنی کودتای ثور بود و به نام جمهوری افغانستان اتفاق نشده بود به دلیل حسابت مردم حذف می شود یعنی به نفرت مردم از اصطلاحات کمونست ها اعتراف می گردد ...

بنا برین ملاحظه می شود که امروز در دهه میان سالروز فاجعه خونین هفت ثور همه اقدامات و دست آوردهای این فاجعه شوم توسط خود کمونست ها و در اثر او جگیری جهاد مردم با باطل اعلام میگردد و آنهمه شعار ها و اجرات بجیث حرکات افرادی و غلط محکوم می شود.

از رهبران و پیشوایان گروه کمونستی چون تره کی، امین و بیرک در همه احتفالات و اجتماعات نه تنها

راه پیروزی بر کفر و الحاد:

اتحاد و اتحاد

مرکه : و. ابو حمزه



شمالی ین دعربي تاپوزمى په جنوب لويدیع خواگى دسمندرو په غاره بوروکى پروت هیواد دی چه زرين اوله برم ڏک و یا یاره تاریخ لري ، دملکه بلقیس دخت ، دسلیمان عليه السلام دلبنکرو ، داصحاب الفیل قصی دمأرب دبند ، داؤس او خزرج هجرتونه او دابوه سیرة رضي الله عنه « عبد الرحمن ابن صخر الدوسی » دزر گونو احاديثوروايت او کارنامی له چاخشنه گونبى نه دی ۰ دېنخالسمى ميلادي پېرى په پېل کبى پرنگال په ین باندی چيل استعمارى وزرى خورى كري خو عثمانى خلافت ئى مقابلى ته ور ودانگل اوپه منه منده ئى له ین شخم خرى سترگى وشول ۰ خودشانگى استراتېتكى موقعيت په لرلوسره ورباندى انگر زنانو هم سترگى راسى او دوھى نېروالى جىگرى په پېل كيدوکى فعل جنوبى ین ڻڈختى لاندى كرولى شمال قبائلو ورته دېرخنگ اجازه ورنکره او بالاخره دلخلى او ودور په نتيجه كى ین په ۱۹۶۲ کال كبى دسپتامبر په ۲۶ تاریخ باندی په شمال او جنوبى برخو تقسيم شو؛ دشمالی ین هوا معتمله او بارانى ده ، نزدی ٪ ۸۰ خلک بي په زراعت او كرهنه بوخت دی خوددي په خنگ كبى يوشمير صنعتى او گەنگى پرۇزى هم پكاراچول شويبدى. دېن خلکو په ميرانى او ميلمه پال كى دافقا لوسره تربور وله ته متى رانفېنى او د كمونيزم سره سازش دمرگ پيدام بولى ۰

په ین كبى او س هم قبائل تى حكم فرما او دسپين پېرو او ملکانو وا كمنى بىنے په دچه كبى جريان لري چه په سركى بي دحاشد دقبيل سردار او د صدر اعظم مرستيال بناغلى عبد الله حسين الامر خوک چى دجهاد او مجاهدينو په مينه مست او د كمونستانو په سر دشين آسمان تندر گەنل كېرى ديدادونى رودى ۰

نوموري شە موده دخنه اسلام آباد او بىا پېئورە په يورسى سفر باندی راغلى چى مۇزىھم په چيل وار دلاندى مرکه ترتىب كړه چى اوس بى خيلو گرانو لوستونکو ته په دى دول ورائى د کوو ۰

رضا الله عنه
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
كَلِمَاتُ اللّٰهِ
صَفَّاً بِأَشْوَنْ
بِلْمَكْشُو

حق پاixonون :

اومن تیولوته جوته شوی چې په افغانستان کسی جئنک نه بلکه یوسوچه اواصبل اسلامي جهاد روان دې کولای شي چې داسلامي امت دسياستدارانو اعلماء مسئوليت اودندي زموږ گرانو لوستونکوته په ګونه کړي ؟

خواب : هوکي ! په افغانستان کي یو ربنتي اسلامي جهاد جريان لري او په پوره متانت اوميراني سره دسره بناړلماقابله روانه ده داسلامي امت ټول مشران اوعلماء پدی مکلف اوملزنم دې چې دخپل طاقت او وسمی په اندازه په مال ، حمان ، ژبه او نورو شرعی وسائلو سره دخپل طاقت او تائید وکړي اوکه دایوهم نشوکولاي اوظروف اجازه نه ورکوي نوپه فکرا او دعا کي دی دمجاهدينو سره حمان یو او دضمیر پيوستون اعلان کړي .

حق پاixonون : کيدايم شي همه هل حل چې زموږ یمني ورنه ستاسو په ملګرتيا ددی جهاد د عمل تائید پغاطر ترسه کړي اوپرې بي دوام لري دحق پاixonون لوستونکوته په لنډ دول واضح کړي ؟

خواب : جهاد داسلام دلور ګوري او تل برخی حیثیت لري داجهاد یواشی دافغانانو جهاد نه دی بلکي دا دنقول اسلامي امت رسالت او وجیبه ده ، همه ناخیزه هل حل

چې مونې ترسه کړي او یايسی ددوام او بایبیت توفیق له لو یه خدای غواړ و د کوم احسان او برلامی خبره نه ده ، بلکي دا ددی جهاد حق او زمونې وظیفه ده ، په هر صورت مونې په یمن کبني دهر جمعی او اخترنونو اونټرو اجتماعي اوټونیزو مناسباتو

خونه په فرصت ددی جهاد غږپورته کړو

او ددی نېړوال او اسلامي قضيي سره یې اشنا کړو چې الحمد لله دی سلسلي دخلکو دې پوهولو او ذهنیتونو په رومنانه کولو ډير مهم رول ولو باوه .

برسيره پردي مونې دولتي مسئوليتو سره په نرمدي عناس کبني یو او هیشه مو داکوشش

کړي چې دمجاهدينو اومها جرینو سره ده او خیزی مادی او معنوی مرستي دروازی پرائيستي وسائل شي همه غرځ چې په دې جهاد کبني عمل ونله نلري اونه یې پخواه او خاطر کبني د تائید فکر پورې ئفريډ حمان دې و پرې پې په مړک مې نشي تاسوته دا ډان او اطمینان درکوم پې

ستاسي یمني ورنه او خروستي ستاسي دې پریاليتوب او توفیق سوالونه کوي او ددی هیله مند دې چې دلته له تاسی سره او په په او په برخه واخلي او ددی دروند پېغې په پولو

کبني درسره برابر شريک شي یو حل بيا خپله خبره تکراروم چې داجهاد یو اسلامي جهاد دې او تیول اسلامي امت یې په تائید او ملاته مکلف دی او کوم ګامونه چې مونې په دی ليار کبني پورته کړي همه ددی رسالت یو ناخیزه حصه ده نه دنقول مسئوليت اداء او سرته رسول .

حق پاixonون : آیا تراومه دمجاهدينو کوم هيست یمن ته بلل شوی ؟

خواب : ربنتي امام چې تراومه دمجاهدينو کوم لورتې هيست یمن ته په سفرنه دی تللي خونې دعترم ورور سیاف اونورو مشرانو راتک ته سترګي په لاړيو ترخدوی دینیانو بس کچه خوا خوبی او غم شريکي له نرمدي همه و ګوري .

زه له دې حایه جاحد ورور سیاف او دجهاد او دافغانانو ددغه اسلامي غور ګنک ملاته او مرسته وکړي .

نورو مشرانوته دین دلیدنې کتنې بلنه ورکوم اوددوی راتک دخپل حمان او هیواد والو لاهه دعزا او شرف مقام ګنهم .

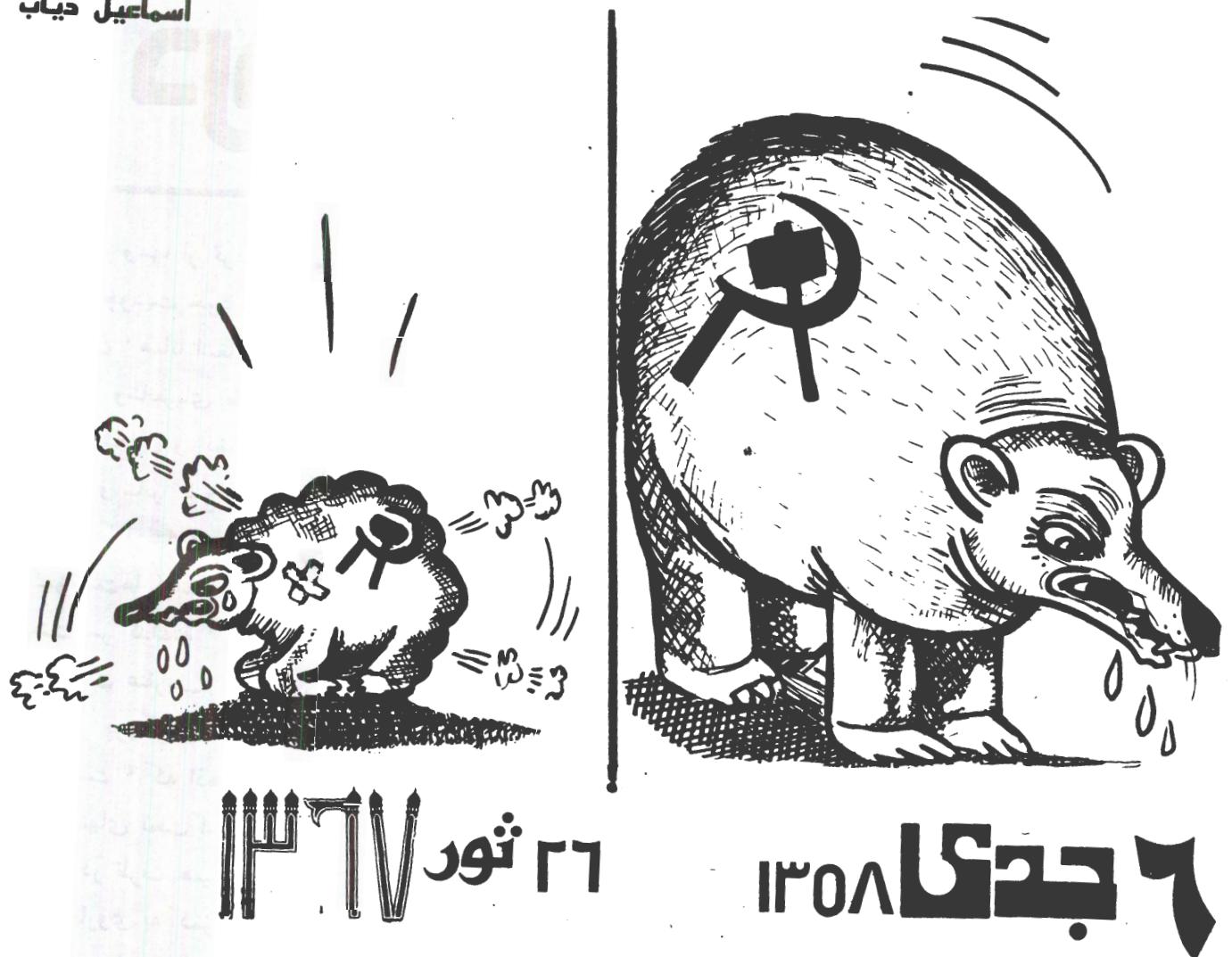
حق پاixonون : اجازه راکړي خپل خبری په دې پوښتنه سرته ورسوم چې تاسو دجهاد او افغانستان راتلونکي « مستقبل »

خونکه تخلیل او خپرې ؟

خواب : عنکي له دې چې ستاسي خبری ته خواب و وايم باید دې خبری ته اشاره وکرم چې دافغانستان روانه جګړه دافغانانو ذاته البيته او کورنيه شخړه نه ده بلکي دا په یو اسلامي هیواد بر بنو او پروا تیری او د کمونیزم په ضد یو رواج ګړه او سپیخلن اسلامي جهاد دی او انشاء الله چې دا په دې تر سره ډله روان وي .

زما په عقیده داجهاد او س دې تر ساحل ته نېډۍ کیدونکي دې مونې نامیده نه یو او ددی جهاد دشري او کوري راتلولو نېډۍ او په افغانستان کبني د کمونیزم تغري په قولیدو دې « انشاء الله » زه فکر کوم که چېږي په دې وخت کبني داسلام او جهاد په نوم د دنیا په کوم ګونه آواز پورته کېږي نو ددغه آواز سره به دافغانستان نوم دیو لازم او ملزم حیثیت ولري نوله هدی حایه ويلاي شوچي دافغانستان مستقبل ګلانده او د اسلامي امت لپاره دخیر او پرکت زیری دی مناسبه خوداوه چې مونې د کمونستانو په ضد دجهاد لپاره دې پول هغې بلی خواته تللي واي ! خو داچى دوی راپوری وتل نواوس خو په هر مسلمان دخپل توان او طاقت په اندازه ضروری بریښي چې ددغه سره سیلاپ دعمنیوی لپاره په پوره اندازه هل څلی ترسه او دافغانانو ددغه اسلامي غور ګنک ملاته او مرسته وکړي .

اسماويل ديب



اهداف

نویسنده:

جگرن گل زرک «زدران»

در سهای بس اموزنده از تاریخ
مبازه پرمحتوای جهاد اسلامی خود به
جهانیان ارمغان داریم نخست از همه
میخواهیم ارمانهای استراتیژیک روسها

را در منطقه و افغانستان که ناشی از
برنامه وسیع جهان شمال و حشت ناک
بنام (انتر ناسیو نالیزم) روسها بوده
است، نام برده و بعداً بر شکست می‌آسی
ونظامی روسها استد لال و شواهدی که
از مدرسه عظیم جهاد افغانستان تقدیم
خوانده گان مینصایم ارایه خواهیم داشت.

مراحل قامین گشته اهداف امه‌های عماری

بعد از اینکه در سال ۱۹۱۷ م-
روسهای تزاری جای خود را به
کمونیستهای روسی خانی کرد مرحله
استعماری و حشت ناک کمونیزم نیز
شروع به آغازیدن نمود.

روسهای کمونیست بحیث یک
طااقت سویاً استعمار که در قطب
مخالف همه گروهای ملل و عقايد
جهانیان قرار داشته، بر علاوه اینکه
در این‌حای ملت‌های تحت سلطه خود از
وسایل و اجراءات وحشیانه استفاده
نموده و از مجموعه آن امپراطوری
سویاً استعمار را بوجود آورده است
بمنظور تحقق بخشیدن امپراطوری جهان
سویاً استعمار روسی، ارمانها و
پلانهای استراتیژیک نامقدس و حشت
ناک جهان شمال که دارای محتویات
دیپلوماسی‌های مزو رانه روسی و
سوقیات نظامی بوده ذریعه پروگرام
های مشخص در مناطق مختلف قاره‌ها
و ممالک جهان، با استفاده از شرابط و

روسها از قرن‌های متعدد بعیث یک قوت اشغالگر و متجاوز
نه موجودیت خود ادامه داده و شاهد عینی این ادعای ما افغانها و
جهانیان، همانا اشغال ممالک مستقل آسیای میانه، فقار ترکیه، آذربایجان
اپران، و سایریای طویل و وسیع مربوطه ملت‌های آسیا در شرق و هم
چنین اشغال و انضمام ممالک مستقل سواحل بعیره بالتیک در
غرب و سایر کنج و کنارهای ممالک همسایه بوده است. این
ملیت‌ها قرن‌ها تحت یوغ استعمار و استعمار روسها (تزارها و
کمونیست‌ها) بسر برده، دوره خشن و بردگی روسهای تزاری را
پشت مر گذاشته، و همین حالا در تحت سلطه و حشت ناک روسهای
کمونیست عنقریب است هویت‌های ملی خودها را از دست دهند
و بنابر پروگرامها و پروپاگندهای تلقین آمیز و مزورانه روسهای
کمونیست، که اذهان جهانیان را هدفگیری فموده اند، بعید نیست
که ملت‌های تحت استعمار روسها فراموش جهانیان بشوند.

در ظرف همین مدت یک دهه اخیر، ما افغانهای مجاهد نه
در رویارویی به کمونیزم جهانخوار روس قرار داریم و در راه رسیدن
روسها به ارمانهای و حشت ناک شان که دست یا فتن به هستی‌های
مادی و معنوی ملت‌های آزاد در منطقه و جهان بوده است، بددان
قوبانی اضافه از یک و نیم میلیون از فرزندان رشید خویش، این
آفت خانمان سوز جهانی و این سیلاخ مغرب روسی را در لا بلای
کوه پیکر ها و دشت ویابانها و قراهای بخاک یکسان شده وطن‌مان
متوقف ساخته ایم.

پاکستان به آنها کمک های سیاسی و نظامی بخواهد.

ب : در تأمین این ارمنان خطرناک روس و هند که (هند به روس و روس خواهان هم سرحدشود) در عملی شدن ارمنان 'هدف استراتیزیک روس' یعنی (زسیدن به بحر هند) برآورده شدن.

چهارمین هدف استراتیزیک روس :

با پرداختن دو میلیون قدم (فو قا از ان ذکر بعمل آمده است) در جنوب آسیا چین را از معابر های مورد نظرش به بحر هند، مجروم ساختن و آن دولت دارای مسر امراهی مشخص بخودش را از استقامت جنوب آسیا در محاصمه نظامی و سیاسی درآوردن.

پنجمین هدف استراتیزیک رومنها :

با پرداختن دو میلیون قدم (فو قا از ان ذکر بعمل آمده است) در جنوب آسیا چین را از معابر های مورد نظرش به بحر هند در تحقق این ارمنان هند که (به روس و یا روس خواهان هم سرحد شود) تلاشها و مساعی دولت آن را به هند شدت بخشیدن - و در پایان کار بلعیدن و توده عظیم هندوها را به پک جامعه کمونیستی مبدل ساختن.

ششمین هدف استراتیزیک روسها :

با پرداختن دو میلیون قدم (فو قا از ان ذکر بعمل آمده است) در جنوب آسیا چین را از معابر های مورد نظرش به بحر هند در تحقق این ارمنان هند که (به روس و یا روس خواهان هم سرحد شود) تلاشها و مساعی دولت آن را به هند شدت بخشیدن - و در پایان کار بلعیدن و توده عظیم هندوها را به پک جامعه کمونیستی مبدل ساختن.

مومین هدف استراتیزیک روسها :

الف : روسها تلاش خواهند کرد که در بور سرات قادر آمدند روس خواهان

بحر هندسترسی به اهداف ذیل ارمانهای نامقدس بعدی روسها میباشد :

، به استقامت خلیج فارس:

دویین هدف استراتیزیک روسها :

الف : جنگ شوم ایران و عراق را دامن زدن، در نتیجه ایران ضعیف مجبور، محتاج و جنگ زده را در دامن سوییال استعمار سقوط دادن.

ب : برای آن (مبادرای) که روس و امریکا در تاسیس حاکمیت استراتیزیک به مقصد بردو باخت قمار های وحشتگ سیاسی و نظامی در مقابل یکدیگر بر می خیزند، جهت تأمین تقدیم در اشغال و یا کسب امتیازات در خلیج نسبت به امریکا - روس سر از حالا از جناح غربی افغانستان بحیث یک موضوع نظامی استفاده کردند. به این منظور با تأسیس تحشید نظامی در غرب افغانستان ایران را در تمام طول شرقی آن در محاصمه نظامی قرار دادند.

۲ - به استقامت بحر هند.

با برداختن دو میلیون قدم (فو قا از ان ذکر بعمل آمده است) در جنوب آسیا چین را از معابر های مورد نظرش به بحر هند در تحقق این ارمنان هند که (به روس و یا روس خواهان هم سرحد شود) تلاشها و مساعی دولت آن را به هند شدت بخشیدن - و در پایان کار بلعیدن و توده عظیم هندوها را به پک جامعه کمونیستی مبدل ساختن.

ششمین هدف استراتیزیک روسها :

الف : روسها تلاش خواهند کرد که در بور سرات قادر آمدند روس خواهان

زمانهای مشخص وحداد، به عملی کردن آن اقدام نماید. بر اساس آن بسی ممالک و ملت هزارا این ازد های تباہ کن بلعیده اند و برای برخی دیگر در کمین نشسته است. اینک بحیث یک جز از ارمنان نامتدس انترناسیونالیزم روس، قدمه های اهداف استراتیزیک روسها را که در افغانستان و منطقه بطور وحشیانه به عمل کردن آن آغاز زید ن نموده است ذیلاً تقدیم خواهند گان نمینمایم.

هدف بینایی روسها :

در ملل جنوب آسیا چون (افغانستان پاکستان و ایران) و همچنین در ممالک تحت استعمار روس در آسیای میانه با استفاده از هر نوع جرم، خیانت دسایس و تزاویر و در پایان همه با استفاده از قوت نظامی از شگوفانی انقلاب های اصیل اسلامی در ممالک متذکره جلوگیری بعمل آوردن به این منظور.

نهمین هدف استراتیزیک وحشتماک روسها :

اشغال نمودن افغانستان و این مملکت را بحیث یک جز امپراطوری سوییال استفاده روس در آوردن. بر علاوه، با استفاده از موقعیت استراتیزیک افغانستان، به منظور پیشقدمی به استقامت خلیج فارس، بحر هند و افغانستان را به حیث یک پایگاه نزدیک تحشید قوای تهاجمی خویش در دست خود داشته اند.

بعد از درآوردن افغانستان بحیث پایگاه استراتیزیک نزدیک به آبهای گرم

خود را به بعرهندی رساند باتاسیس نمودن حاکمیت در ان بعرا منهای مالیک خلیج و سلسله ارتباطات اکمالات تیل تکنالوژی غرب را خاتمه بخشیدن .

روسها در طول راه نخستین قدم و نخستین هدف خویش :

روسها بعد از تلاش های پیگیر شصت سال در افغانستان ، بالاخره دو آغازده اخیر با پیش اندختن کوتاهی نهادنی در افغانستان ، از اسنین های مزدوران تنظیم یافته خویش (باندهای خلق پرچم) دست روس خود را به هستی هوازادی مسلمانهای افغانستان بالفعل و با العمل درآورد .

درامه های کمونستی بنتم دود تاهای خلق و پرچم و با تغیر دادن چهره ها و مهره های آن باندها جاسوسان (کی . جی . لی) یکی بی دیگر در افغانستان به راه آمد . اخته شد گردانشده گان اصلی این درامه ها طراحان کریملین بودند مگر صحنه آرائی های درامه های مزو رانه شان رابا بسر اقتدار اوردن باندهای مزدور ادامه داد . - ملت مسذان افغانستان که در پس پرده های درامه های میانسی روسها چهره های کثیف و وحشتناک طراحان کمونستی را مشاهده نموده اند یکی بی دیگر به قیام برخاسته دربرابر کفر و کمونیزم علنی شده جهاد اعلان شد و امواج انقلاب اسلامی دسته داشتند . افغانستان به موجودیت عساکر و حشی قیام یکی بعد دیگر در سرتاسر کشور . افغانستان به میتواند میتواند

روسها در افغانستان وقوع نداده در همه استقامت ها به این دشمن جانی تاخته و این هارا تحت ضربات کوبنده تراز داد و آن درس را که روسها می خواست سطاق د کتو رین حریق خویش به نوییدن جنبش مقاومت های مسلمانهای افغانستان به جهانیان بدهد برای خود روس درس شد . برای افغانها گورمیکند خود در گور شد . آنطور که شکست سیاسی روسها به پیش اندختن اردوی (۴) بر ملاشد شکست نظامی - روسها را درین مطلب فشرده در باید و آن ایکه روس این عیولای استعمار و غول پیش را ناشیت نکند اوری مخوب و داشتن اهداف تباہ کن جهان قمول نتوانست که مطابق تحلیل و تخمین خود این ملت بدون حکومت بدون نظم و فاقد قوت مادی که در ظرف سه ماه رسیدن به اهداف را پیش بینی کرده بود و بهمان تضییین خود به تعاظز نظامی پرداخت مگر بوضاحت می بینیم که آن تخمین مه ماهه اش برای مدت ده مال بیه دراز آشیده شده است .

به درزا کشیده شدند مبازه مجاهدین علیه کفر و کمونیزم خلاف توقع پلان و پروگرام های روسهاست از اینکه روسها از جلوگیری ادامه این جهاد در حال جریان افغانستان - عاجز امده اند این به ذات خود در حقیقت اعتراف به شکست نظامی روسها محاسبه می شود . در برابر تحلیل نظامی جهانیان روسها تو اندکه به اهداف نظامی در افغانستان نایل آیند .

طوفانی تر گردید . در لایه ای این امواج طوفانی شده گردانشده گان مزدور روسها در افغانستان (حاق و پرچم) هچو خشاک یکی بی دیگر از صحنه های معذوم شده رفتند و ادامه معذومیت

درامه های روس در افغانستان در حقیقت تلاشهای سیاسی روسها عملاء بخاک و خون یکسان شده رفت

و مزدو ران روسها در افغانستان جبرا به پر تگاه سقوط کشانده شدند بالجرای تعریض نظامی روسها بتاريخ ۶ جدی سال ۱۳۵۸ به افغانستان . نقطه عطف و اعتراف به شکست سیاسی روسها محسوب شده به این معنی نه روسها به پیش اندختن قوای متعرض اعتراف کردند که من بعد نمی توانند دیپلوماسی مزورانه شانرا در پرتو تغیر دسایس یی دریی ذریعه مزدوران شان به پیش ببرند بعد از اینکه در ماورای پرده های آنودتا های کمونستی ، چهره کثیف عیولای روس در برابر ادامه جهاد مسلمانان افغانستان جبرا افشاء شد و با مقابله روسها دست اوردهای آمونستی خود را در سقوط دیدند

دست به اسلحه بردو با پیش اندختن ازدی نمبر (۴) در حالیکه مهره خود فروخته اسامی ببرک را از گوشها پیش گرفته با خود آورده روسها در حالیکه عمه موازین بین المللی و ادعاهای دور و دراز نیک همسایه گی رازیز پاگذشت بطور خیلی منذبو حانه بحریم افغانستان تعاظز نمود .

ملت مسماطن و به پا خاسته شد و امواج انقلاب اسلامی دسته داشتند . افغانستان به موجودیت عساکر و حشی

بناء به مقصد جلوگیری از رسوایی
فاحش روسها تزویرهای مضحکه امیز
بنام صلح و اشتی ملی) اور بند ها- پخش
اعلامیه های عفو- تغیر و تبدل مهره های
(کی . جی . نی) در دستگاه دولت
و همچنین جهت اغفال اذ هان جهانیان
به رفت و آمد های ژنیوروی خسولی
نشان داده روسها می خواهد که به
ناکامی های سیاسی و نظامی خویش
روکش پیدا نموده و در موقعیت مبارزه
جهاد در حال جریان افغانستان را به
سکوت - مکون و رکود مواجه سازد
تاباشد یکبار دیگر خود با برداشتن قدم
نخستین به نخستین هدف و حشت ناک
يعنى اشغال افغانستان دست یابد . به
وضاحت باید قابل درک همه بوده باشد
که ملت مجاهدان افغانستان بر مبنای توکل
به نصرت الهی و پیشواینه قوت ایمان
و عقیده عظیم جهاد فی سبیل الله را در
برابر ابرقدرت جناور روس به ترتیبی
که تاریخ نظریه چنین مبارزه عظیم را
ارایه کرده نمی تواند - مؤقتانه به
بیش می برد .
افغانها جهت اعاده حقوق ازادی

وعقیدوی خویش سر سختانه می رزمند
و این مبارزه راتا پایان پیروزی ادامه
خواهند داد انشاء الله .
مکر ناگفته نمی گذاریم که
مبارزه ملت مجاهد افغانستان در حقیقت
دفاع از حریم و هستی های مسلمانان
جهان است .. این سیلاج سیل اسای
تباه کن و وحشت ناک کمونیزم روسی
راجسوزرانه سد شده است به امید توکل
ونصرت به ذات یکتای خدای عزوجل
انشاء الله که مجاهدین افغانستان تا پایان
پیروزی به مبارزه حقه خود جسوزرانه
ادامه میدهد .

یکبار دیگر ناگفته نمی گذاریم
هر گاه ملل مسلمان و جهان غیر کمونیست
در برابر تهاجمات و حشت ناک
کمونیستها غافل و تماشایی در گیری های
ده ساله روسها و افغانها باشند . خدا
نخواسته اگر روسها به برداشتن قدم
دوم (در مورد فوقا بعث صورت گرفته)
مؤقت شوند - دران صورت و حشت
و جنایتها کمونیستها را در پیشروی
خانه های خویش استقبال خواهند کرد
و کمونیزم به این شماها که در لابلا

خوانند گان گرامی حق پاخون

مجله حق پاخون هر نوع نظریات مفید انتقادات سالم و پیشنهادات اصلاحی شمارا پذیرفته و نیز
سوالات شمارا تاحد امکان پاسخ میدهد با ارسال نامه های خویش به اداره حق پاخون

مارا منون سازید .

فلسطین

ولنا خایع شو ۶

دكتور عبدالله عزام ..

درنو لوستونکو ! دروانی میاشتی په لھری نیمانی کي دفلسطین نومیالی عالم او مجاهد داکتر عبدالله عزام دھجرت کلی په جو مات کي ده مابنا م دلما نخه ورو سته دفلسطین دجهاد دمختلفو مراحلو داسلامی تھریک دوندہ والو دغورخنگ او دفلسطین داسلامی شخص به یونکولوکی دنربیوالو سازشونو او توطنو به هکله د مفصلی رنا به خنگ کي د اغانستان داسلامی جهادراتلونکی مرحله و خیرله ، چې ډلاندینو کړېو کي دهفوی دیبا نېی ډلاړه متن چې د اتعاد اسلامی افغانستان دسياسي چار و رئیس محترم ورور محمد یامر لخوا ڈرېارل شوه ستاو په خدمت کړي وړانۍ کوو .

پوره شپږ میاشتی دوام و موند ترسـره
لکه خنگه چې تاسو دسرو روـساـزوـ په
کړـهـ حتـیـ چـېـ تـولـوـ عـربـیـ دـولـتـونـوـ دـ
انـکـرـیـزـانـوـ پـهـ اـشـارـهـ دـیـرـ زـیـارـ وـوـ سـتـ
خـوـ پـهـدـیـ بـرـیـالـیـ نـشـوـلـ چـېـ دـغـهـ
اعـصـابـ تـهـ خـانـهـ وـرـکـسـرـیـ .
کـرـانـوـ وـرـونـوـ ! تـاسـوـ تـهـ مـعـلـومـهـ
وـیـ چـېـ دـاـسـرـاـیـلـوـ دـوـلـتـ دـکـالـ دـ۱۹۴۸ـ
دـمـیـ دـمـیـاشـتـیـ پـهـ یـنـھـلـسـمـ تـارـیـخـ باـزـ مدـیـ

مـکـرانـوـ وـرـونـوـ ! وـرـوـسـتـهـ لـهـ حـمـدـ
اوـثـنـابـاـیدـ وـوـاـیـمـ چـېـ دـفـاسـطـینـةـ خـیـةـ
اوـپـدـ اوـ تـارـیـخـ بـیـ دـعـبـرـتـ کـېـسـیـ اوـ
دـرـسـونـهـ پـهـ خـپـلـهـ خـیـتـهـ کـېـ خـیـ کـړـیـ
اوـ زـهـ نـشـمـ کـوـلـاـیـ چـېـ هـفـهـ پـدـیـ لـهـ
وـخـتـ کـېـ قـاسـوـتـهـ مـشـرـحـ کـېـ مـ 'ـ خـوـ
دوـمـرـهـ وـبـلـاـیـ شـمـ چـېـ دـهـ لـسـطـینـ جـهـادـ
دـیـهـوـدـانـوـ پـهـ ضدـ هـمـدـسـیـ شـرـوعـ شـوـیـ

شاتهپوری و هل شول .
قدمنو ورونو ! مونیداموضع
ددی لپاره انتخاب کری چی دا...لام
دبنهان غوازی جی دا فانستان جهاد
په همه غه سرنوشت باز می اخته اود
فلسطین دريدلی تاریخ یو ڈل یار انکرار
کری .

دفبروری په دولسم تاریخ باندی
امام حسن البنا شهید شو او داسرا نیاو
او مصر تر منع گھرحد په بین العالی
سطح په رسمیت و پیژنل شوده ما هدی
دلاس لیک په وخت کی د اسرائیلو
نماینده وویل چی دفلسطین په نقشه
کی نقط نیم مانی خای نور راکری
داهنہ یهودی خوب و چی په ربتیابد
شو هماغه و چی دنیم مانی خای
په نقشه کی په سلهاو کیلو متراه
زراعتی او حاصل خیزه فلسطینی خاوره
داسرا نیل او ترقبی لاندی راغله .

کسله چی د عربی دولتونو لبکری
فلسطین ته راغلی دامریکا حکومت
دعربی هیوادونو خخه غوبنېتهو کرہ
چی فلسطینیا . و ته امور کری چی او رېند
ته غزاره کیښې پوری د اسرائیل . و د دی
فرصت خخه په استفادی بی شماره
مدرنی وسلی ترلاس او درا آتا . و نکی
جنگ دهاره نوی ماه وا خیسته .

اخوانیانو خلور لبکری دجګد گر
تھاعزام کری د سوری داخوانیانو مشری
د شیخ مصطفی او د عراق داخوانیانو
قومنده د محمود صواف داردن داخوانیانو
رهبری عبداللطیف او د مصر داخوانیانو
زعامت د محمد فرغلی او یوسف طلعت
او قانکو تو په ذریعه دبندي د تورو تمبو
په غازه وه .

و د عسکری صحني خخه لیری او د
یهودیانو په ضد جنگ تھاتمهور کری
پدی وخت کی داخوان المسلمين
ستر مشر امام حسن البنا " شهید د
عربی گله قیادت خخه پو بنته و کرہ
که چیری تاسو به رپتیا سره دفلسطین
آزادی غواری نوماته اجازه راکری
دخپاو نورو مجاهدی نوسره دجګد
میدان ته حاضر شم .

دشود امام دتلکرام در ارسیدو
مم دفرانسی " انگلستان او البانی سفیر انو
په عاجل دول غونده او پریکرمه . ادره
کرہ چی باید په مصر کی داخوان المسلمين
گوند منحل او مشرنی ترورشی . همه
وچی داخوان المسلمين تنظیم منحل
اعلان شو او ملک فاروق چی دانکریز انو
نماینده و پدی مکاف شو چی پایاد
نوموری ترور او په شهادت ورسوی .
ددغه شوم بلان دعمی کیډو

په خاطر دقاه ری په دو سرک کسی
داخوان المسلمين په م شر باندی د
تفنگچی په ذریعه قاتلانه حمله تر سره
شوه او نومری ورباندی آهی شو '
خو کله چی د خفیه پولیس و مشرعبد -

المجيد ولیدل چی حسن البنا ژوندی
دی نوماک فاروق ته بی خبرورکر
نوموری خپل خانگری نماینده محمد
وصفي ته وظیفه ورکرہ چی په چنکی
روغتون تھان ورسوی هماغه و چی
تول داکتران نی دھفه له خونی خخه
را بھر او نومری په شهادت ورساوه
او داخ وانیانو لښکری چی تراو سه
دجګد په گر کی برتی وی دم و ترو
او قانکو تو په ذریعه دبندي د تورو تمبو
په غازه وه .

تشکیل او دنری لخوا په رسمیت پیژنل
شویدی .
ولی او س هم روسانو دخپلوو تلو
لپاره نومری تاریخ غموري کرپیدی
دغه تاریخ دیهودی سناتو (ادوارهیم)
لخوا پیشنهادشوی او فعلاً داجر الاندی
دی .

کله چی په ۱۹۴۸ میلادی کال
کی دانکریزاو او خینی عربی دولتونو
ترمنع معاهده لاس لیک شوه نو د
فلسطین او نورو عربی هیوا دونو
مجاهدینو دجهاد د گر ته ورودا گرل
او په یهودیانو باندی بی ناتار راوست
خو متاسفانه چی او و عربی لبکر و
مدآخله و کرہ او د دی زیارتی وویست
چی مجاهدین پدی قانع کری چی دوی
تش لام او پوچی تریه نلری پریز دی
چی موئیستاسو په نمایندگی دفلسطین
دھمکی دتمامیت او بھر نی استعمار
مقابله و کرہ .

ولی (۹) بیاشتی لاتیری نه وی چه
یهودیان پدی قادر شول چی دفلسطین
دیزی بخی دخپل استعمار په قلمرو
کی داخلي کری دیادونی ورده چی د
عربی لبکر عمومی قوماندان یوانکریز
وچی (برود پادشاه) نومیده مجاهدین بی
دجګد له میدان خخه لسری کرل
(اونفلسطین نی په سره سینه یهودانو ته
ورو سپاره .

دعربی دولتونو لبکری فلسطین
ته دجګلپاره نه وی راغلی بلکه هدف
دا وچی کوم مجاهدین د مصر او نور
عربی هیوادو خخه په چله خو بنه او
رضه کارانه دول جګ ته حاضر شوی

داسلامی جمهوریت حکومت او خاک
خمونیسره سلگری او هم نوادی)
دمک حسین ددغه نا ورہ عمل خجھے
وروسته فلسطینیان دربردری په ژو ند
سر او په مختلفو دولتونو کی خوا ره
واره شول، یو گن تعداد بی سورئی
ته ولازل خو متاسفانه جی هاتھه هم د
حفظ الاسدله لاسه دهیرو زیاتو کرم و
سره مخ شول او پدی بی مجبور کړل
چې د سوری خجھے لبنان ته هجرت
وکړی.

فلسطنی خوانانو په لبنان کښی
په کمپونو پوری خپل خان محصور
نکر باکه دیری قوی او، حکمی عسکری
مورچلی بی جوری کړی چې دی کار
دلبان مسیحیان او متصرف شیعه ګان
په غصب کړل او هماغه و چې یو خل
بیادجنگ اورولکید امریکا دیره وارخطا
شوه او په بیره بی حافظ الامد وا
شنگلن ته وغوبت تر خو په لبنان
کی عسکری مداخله و کړۍ چې
پدی دول فلسطینیان خلم سلاح
اوچنگ پای ته ورسوی.

حافظ الامد دامریکا مخخه پهرا سنتیدو
دریگن امرته لبک و وايه او په زرگونو
عسکر او تانکونه بی په لبنان ور مرش
کړل چې په نتیجه کی بی یو قتل عام
پیل او فلسطینیان تو تو ای عسکری اهی
ورختمی او خپل کریدمتبی ترلاسه کړ.
له موقع خخه په استفادی بهودانو

او په جنوبی لبنان کی دھفوی مز دور
 مليشايو له سختی مقابلي وروسته مسلح
فلسطینیان په غو زکمی خای کړل او

اخوان المصلیین یو مشر سید قطب
په ډیره بی دردی په شهادت ورساوه.
بهودانو دیو خه دمی او عسکری
تریا تو وروسته په ډیرلې وخت کې
داردن غربی غاره او جولان ونیول
اویت المقدس بی خپل پایخت اعلان
کړو.

پس لدی چې فلسطین دغربی خوا
مجاهدین بی بنديان او قوماندان بی په
شهادت ورسول نو فلسطین دختی ټی دهی
(اردن) مجاهدین چې په کمپونوکی بی
ژوند کولو په اسرائیل ټه او بازدی
خپلی حملی جاری و ساتلی خودسری
و افق په اساس چې اسرائیل او ملک حسین
قرمنځ و شوهدختی خوا مجاہدین
هم دفعابت خخه منع او د جهاد مخنه بی
ونیول شوہ لیڅه وروسته ملک حسین
امر وکړۍ چې فلسطینی مهاجر بن دی د
عمان او نور واردنی بشارونو خجخه دباندی
اطر افوته و وختی خکه جی دوی مسلح
دی او خمونو خلک ور جنځ په تکلیف
دی لکه دلته چې یو تعداد پاکستان نیان
سوری ناری و هی چې افغان مهاجرین
دی بشارو خجخه دباندی و شرل شی هماغه
و چې فلسطینیان بی دستانو خجخه په کمپونو
کی را تو اول او یا بی داسرائیل په همکاری
وربان مدي له وحشته د که بباری وکړه
چې په نتیجه کی په زړکن و خلک
په شهادت ورسیل.

نن همدغه ملک حسین دخپلی تاجر بی
دردرس ور کولو په اخطر اسلام آباد ته
راغلی تر خو پاکستانی مشران ور باندی
قانون او دغه ناوره تجربه یيات کرار شمی
(خومونږ پوره مطمئن یو چې د پاکستان

چې یا وروسته د مصر حکومت
اعدام او په شهادت ورسول.
کله چې داخوانيانو عسکری
طاقت په جنگی لعاظ تبارزو کرنو تو ولی
اسلام دینمنه دلی بی په وارخ طابی
او هیرانتیا کې واچو لای.
چې ددی کار په نتیجه کې ملک
فاروق امر صما در کسر چې د مصر
تول اخوانیان دی به موټرو او تانکونو
کې کښینی او خپل هیو اته دی راستانه
شی.

کله چې اخوانیانو ته دا خبره
راور میده نو دانی غوره و کنله چې زندان او
تعذیب په ټه ان و منی او ورور و زنی
ته اجازه ور نکری، هماغه و چې لس زره
خازیان په یوه ورخ د جیل خانوله تریدمو
سره غاره غری شول.

محمد فر غلی او یوسف طمعت
چې د مصری غازیانو قوماندانی په غاره
درلو ده او د سینا په منطقه کې بی پخن
مورچلی او کاک سنگرو نه جوړ کړی او د
اسرائیل په راه یولوی خطر ګنل کیده.
نو له همدي امله یهودیا نو په
جمال ناصر باندی فشار راور تر خو دغه
دوه نومیالی مجاهدین په شهادت ورسوی
بدبختانه چې جمال ناصر دشنه غوښتنه
ومنله او د بازه بی په ۱۹۶۵ م کمال
کې په شهادت ورسول.

لیزی شپی تیری نه وی چې یهودیانو
دمویز کانال ونیو او لش پخن مورچی
نې له نېمه یو وری.

دیادونی ور ده چې جمال ناصر
په همدغه کال متر اسلامی ایکوال او د

قدمنتو ! ګله چې جرمانيانو د پنهانه ویشت کالو په موده کې په دوو نریوالو ستروجنکونو کې تولی دنيا ته چلنج ورکړن نوشت طاقتونه بې په تشوش کې واچول او هدی بې فيصله وکړه چې باید العان په دوو ختیغ او لویدیغ برخو وویشل شي او دا جنگي روحيه بې باید مړ او د تجارت او کرهنۍ په امورو بوختشي .

همدار نګهدغه کفرۍ او العادۍ زواکونه اوس غواړۍ چې په وینو رنګ جامونه په شرابو او د جهاد ګرم سنگرونه د اروپا او امریکا په لکسو هوتلو نو پدل کړ .

دوی غواړۍ د خپلې دی خطرو ناکې نقش به لر کې افغانستان به خاور لویو ولايتونو بدلو او دامی حکومت تأسیس کړئ چې هلته وزارت دفاع او ازاده بهرنې پالیسي او خط مشی وجودوناري. دين العللي مرستود روازی درته پرانزی تر خو د جهاد په مخاکۍ بنایسته موږي او کاریزونو باندۍ مشغول او دغه د عزت او هرم له مقام خخه موتجريد کړي .

خوپو مجاهدينو ! زه خپله خبره پو خل یا تکرارو م چې یام کوي خوک مو تیر نه باسی ، مسلمان باید زیرک او د فرات خاوند وي .

لبوي خدای مو مل او جهاد مو خدای دېری سرحد ته ورسوه . امين يا رب العلمين والسلام عليكم و رحمة الله

او مسلحه مبارزه کې دی . ذین چې تاسود دنيا او دنياوالو پهه ورآندې کوم شرف او د درناوی مقام کټولي هغه ستاسودويښي او سرشنديسي او کلاشينکوف په برکت دی .

مونږ چې دلته راغلې یو د ف.قیرانو او پې وزلو سره دمرستي په بنا نه یو راغلې خمکه چې زمونږ به ملکونو او اولخلکو کسی هم دير غربیجان او مسکینه ن شته دي .

مونږ ستاسي خدمت او ملاتېر دهاره راغلې یو، نو ګله چې خدای (ج) ناخواسته تاسودزنيو معاهده و منۍ او یاهم وسله په خمکه کېږيدی نو خویل قيمت به ضائیع او د دی امت د مخلصو زا مشو زړونه به درڅخه ساره او خفهشي .

تاسو ته به بیا خـ.وک ویزی او پاسپور تونه نه درکوی هاته به له تاسو ولسونه او حکومتو نه نفرت کوي او د ترورستانو او بد معاشرانو به سترکې به درته کوری .

تاسو ته چې داراشن او یا بین الاملي مرسیه درکړول کېږي دا ستاسو د توری او میرانۍ تیجه ده او بالاخره که جهادمو په پیښود نو خپل دین او دنیا مو په لغت دووهله او د آکټلي نوم او عبادت مو په سینه لا هو شو .

پاخي د پاکستان کمپو نه په خو ورو او زرو ته په پیښه دی وسله مو ترغاری کړي نصرت او د خـ.دای (ج) تأیید له تاسو سره دی هیڅ غم مه کوي دنیا او اخترت کامیا بې ستاسي په انتظارده .

خېږدې سرحد ته دور مې پیده چې یو تعداد عربی هې وادونو د فلسطینیانو شفاعت وکړ او موافقه وشهو چې مسلح خاک به په کشتیو کې د بحر له لیاری یعن توں الجزاير او د عراق دولتونو ولېول شي او پی وسلی خلک به د زړو او ورو په مړول په خپل او کمپونو کې یاتې وي .

ولی د انسوس خبره خو داده چې فلسطینیان دیوی سوری خخه دوه خل و چیچل شول ، پدی معنی چې په عربی دولتونو باندې بې یا اعتماد وکړ لیوی شمې لاتیری نه وي چې مسيحي مليشاو او معتصبو شيعه ګانو د صبر او شاتيلا فلسطینی کمپونو باندې عمله وکړه او د چنگیز او هلاکو هیږی کسیسي یې یا را تازه کړي محاصره دهفو په خای په نیا مشتو بدله شو او خلک بې دی ته اړ کړل چې د سپو او پیشو ګانو غوبې و خوری او د حامله په خوختې ورڅیري او ژوندي بچې ور خخه را باسی تر خو فلسطینی تسمیه نشي (اذ الله و انا ایه راجعون)

کړانو ورنو ! د اسلام دې منان غواړۍ چې د فلسطین دغه غم لپلي تاریخ یو خل یا پهه تاسورات کړ او کړي . پا م کوی چې د فلسطینا نو هم سرنوشت اخته نشي ، د خپل سرنوشت واګي هیڅ چاته مه ورکوي د ا فقط او فقط ستاسو حق دی او بس .

کوری چې وسله په محکمه کېښی نه پدی ستاسو قيمت او عزت په جهاد

غوبیتوں کی نفس

رجاء بن حيوبه وائي چي يوه ووح راتسے
 عمر بن عبد العزير (رض) پيسى راکىري
 چي يوه جوره جامي راله جوري كمه ، نوكله
 مي چي توکي د ده په مخ کي کيښود نسوی
 وښود اوبۍائي ووپل چي دمير مي خوش
 شو خو کا شکي چي لړ زېرو وي .

نو ما وژرل ، خلیفه رانه دژرا سب
و پوشته ، ما رونه وویل چه کله ته امیر
وی نو می سنا لیواره به شرسوه در همه تویه
راووه خوتا وویل چی دایسته نده خونجی
امیرئی دی ته زیره واي "
نو عمر راته وویل : زه غوبنونکی نفس
لرم عبدالملک لور " فاطمه " شی راخه
وغویته نو په نکاح می کره ، امارت ته
شی شوق و شونو امیر شوم ، نوبیا شی
خلافت و غوبت نو دا دی خلیفه یم ، نوابون
رانه جنم غواری گوندی که می الله بکی
فصب وکری .

الْأَنْجَاجُ

بی شکه ریبنتنی مؤمنان هغه کسان دی چې
کله یاد کري شي دوي ته نوم دالله تعالی نو
ورپيرې زرونه ددوي له ويرې او هيښه، اوکله
چې ولوستل شي په دوي باندي د فرآن کري م
آياتونه نو ايمان ئي زيات اوپروسه کوي په
خپل رب باندي ، دا هغه خلک دی چې
لمونځونه کوي او مصرفوي له هغه مالونوځنې
چې موږ، ورکري دي ، په رښتيا هم چې
دا مؤمن تولکي دي او شته ددوي لپاره دالله
لخوا لوري مرتبې ، بشنه او په روزې ۰

(أنفال)

عزت او پی ڦری

لقمان حميم صاحب خبل زويته ووبل :
دلعلم زدهکره د دریو خیزولو لپاره جاري ساته او
د دریو پخاطر خان ورخخه زغوره .
آ - زردکره د زهد او تقوى پخاطر .
ب - " " د حيا او شرف پخاطر .
ج - " " د جهل سره مبارزي پخاطر .
اوپري خان وساته له سركشي، وروکي شرك(ريا)
او غرور او فخر خنی .

نبوي مغلبي

له حضرت عقبة بن عامر
رضي الله عنه خخه روایت
دی جی رسول الله ملی
الله علیه وسلم و فرمایل:
خبرداراد خلوت او
نهایی په صورت کی د نا
محروم سخو کوروونو نه
مه ور داخلی رسی، دانمارو
له جملی خخه یوه تنس
عرض و کمر جی ای د الله
تعالی رسوله! دلیور په
هکله خه حکم دی؟

حضرت رسول اکرم (ص)
ورته و فرمایل: لیور خو
مرگ دی.

رسول الله (ص) فرمایلی:
هر چاجی دکومی داسی
سخی لاس لمس کمر جی له
هغی سره مشروعی اویکی
ونه لری (محرم ئی نه وی)
نو دادای شخص په لاس
به دقیامت پنه و رح
ددوزخ دا و سکروتی کینسو
دلی شی.

دابو هریره (رض) په
روایت رسول الله ملی
الله علیه وسلم فرمایلی
دی: هیخ یو بنده
(مسلمان) دبل بنده په
عیینو پورده نه اچوی
مکر ددی په مقابل کی
الله (ج) دهفعه اسرار په
قیامت کی له رسوانی
حجه ساتی.

بشاوره خوک

د عمرغاروچ رضی الله عنہ خخه
پونتنه و شوہ چی بشاعی خوک
دی هنہ ور نه حواب کی وویل:
سخی کله جی تری و غوبشتل شی
د غنی سینی خاوند کله جی
ورباندی ملندي وشی خوش
طبعیت کله چی مجلس کی
کشینی نیک خو یه چی د جا
کاوندی شی.
او احنف بن قیس وائی بشاعی
هنه خوک وی چی مخامخ وی
تول تری ویریری.
او چی پس شاشی نو تول ئی
عیونه وائی.

ی پی غلا و کرم

جي عقيل بن أبي طالب خبل ورور علي رضي الله عنہ ته وویل چی زه خو
بو خه مرسته راسره وکړه. حضرت علی (رض) ورته وویل چی لې، صبر وکړه
خما برخه راوهی نو ناته به ئی «درکرم»، خود عقيل صبر ونشو او بیسا
ی بالاخره علی (رض) ورته وویل: زه لامش او چه هر دکان دی خوبن شه
لش پکی وی هنہ تول تری یووے.

جي علا وکرم؟

یا غواړی چی زه غلا وکرم او د بیت الممال خخه دپردو حق درکرم؟

ربتیا و ائی

وائی چی معاویة رضی الله عنہ ضرار مدادی مجبور کړ چی د علی رضی
الله عنہ ستاینه ورته وکړی:

ضرار وویل: قسم په الله چی د اورد نظر او سختی تقوی خښن و،
غوخه خبره به ئی کوله، فیصلی به ئی د عدل وی، د علم او حکمت
خزانه وه، د دنیا پایاست ئی بد کانه، او د شی او د هنی د تری می
سره ئی ینه وه، غت دماغ او فکری درلود، حمنور د پلی د عادی فرد
حیثیت ئی لرلو، که به تری پونتنه و شوہ حواب به ئی ورکم، حمنور
د دومرة دوستی او اشنایی سره مونږ تری دا ریدلو او خبری به
مو در سره نشوی کولاژی، علماء ته ئی به د رساوی کتل او غریبان شی
دیر خوبن و، زوراړ به ئی له ویری ظلم شوکولاژی او سی چاره به د ده
له عدل خخه نه محرومیده.

نو ضرار وي چی معاویة صاحب وژهل او ویره مبارکه ئی به اوښکو
لمنه شوہ او وویل چی الله دی اوښی سنا خبری تولی ربنتیا دی.

نیز نگه دید

نویسنده: شهباز

دشمن خورد است بلای بزرگ

غفلت ازو هست خطای بزرگ

خصم گزدم بد ترا از ازدهاست

کین زتوپنهان و آن بر ملاست

دوره های سیاه و تاریک سلطنتی و جمهوری
و کمونیست مشرب ظاهر داد درس عترت نگرفته
اند ۹۱ که : باندهای خلق، پرجم، ستم، و ۱۰۰۰
کی اجازه فعالیت و نشر تبلیغات کفری والحدادی را
ذاه بود؟ و به همکاری کدام دستگاه ایرمان شوم
ونشگین کمونیزم وزمینه تجاوز قوای وحشی روس

بر ملت بیماره و کشور آزاده ما صورت گرفت؟
بایک بزرگی غصه بر حکومت ستم شاهی ظاهر
و جمهوریت نام نهاد داؤد می بینم : هنگامیکه
ظاهر شاه بنا بر دعوت صدراعظم روسیه کاسگین به
آنجا سفر دوستانه کرد، در ضمن مهمانی و باده
نوشی در حالیکه ظاهر شاه مست از شراب و نکای
روسی شده بود طی یلداشت هرمانه دور از چشم
برزیف از طرف کاسگین برایش غفیانه دستور داده
شد که حین باز گشت اش به افغانستان حزبی را
جهت حایث و بقای سلطنتی تشکیل نماید
و هیچنان عوامل سقوط سلطنت امانتی را برایش باد
آوری نموده که اگر حزبی به پشتیانی اش می
داشت ابدآ سقوط آن از طرف گروه های مختلف؟
صورت غی گرفت لذا ظاهر طبق دستور کاسگین
وقتیکه به ارگ شاهی رسید فوراً در باریان
و پروردگان خوان سلطنتی را از قبیل تره کی ملعون
و رفتگیش فراخواند و دستور داد که حزبی را به
اساس ایدئولوژی حزب کمونیست روسیه تشکیل
بدهد.

از همین وقت تره کی ملحد به همکاری امین و ببرک
و دیگر ملحدين اساس حزب دیوکراتیک کمونیستی
خلق رانهاده و برای گمراه کردن جوانان دوشیزه
گان کشور که از اسلام بی خبر بودند دامهای

در افقها فستان مسدود می شود درین هنگام بنام
دیوکراسی ملی، احزاب کمونیستی والحدادی علی
الخصوص خلق و پرجم منحیث احزاب رسمی
ملکت دوباره رشد می کنند و نسبت به دوره های
ظلمانی گذشته ظاهر - داؤد سریعتر به فعالیت
های جلب و جذب خود می پردازند.

این وقتی خواهد بود که زمینه را برای افزایش خشک
کردن درخت شرب بخش اسلام مساعد خواهند
ساخت چه از یکطرف دولت کما فی السابق مکار
کمونیستها خواهند شد و آنها از جلات تبلیغاتی
و مسلحانه مسلمانان انقلابی حایث گردد و از طرف
دیگر مبیج کس جلو تبلیغات و فعالیت های آنان
و گرفته - نتواند، هر طوریکه خواسته باشند تو من
خود را بهر سمتی تاخت و تاز دهنده اگر در دوره
سیاه دیوکراسی نیم بند ظاهر شاه - داؤد در مدت
۱۲ سال فعالیت در جدود ۱۶ - ۱۶ هزار عضو
اصل و پرورشی پیدا گرده اند. ممکن در دوره به
اصطلاح حکومت انتقالی، دیوکراسی ملی به
سردمداری ظاهر شاه شانزده هزار عضو اصلی
کمونیست و ملحد پیدا کنند!!

من از طرز فکر برخی از مردم ساده لوح که
در پاکستان و مالک جهان بنام مهاجر اقامت پنیر
هستند تعجب می کنم که به هضم شنیدن اخراج
قوای روسی و تشکیل حکومت ملی بالامد ظاهر شاه
و یا امثال مرتعی آن بصفت پادشاه یاریش جهود
آنقدر به شور و غوفا می افتد گویا که در رازه
بهشت بروی شان بازمی شود و بدون مسوال وجود
داخل می شوند.

این مردم ساده لوح واحق آیا از گذشته های منحوس

این چند بیت کوتاه، اما دارای مفهوم بزرگ را
برای آن در معرفت انسان مقابله قرار دادم تا خواننده
گرامی با اولین نگاه خطر، گوش و هوش را قاما
متوجه حقایقی بسازد که تاریخ سلطنت ظاهر شاه
گواه آنست.

اخیراً افواهات شایع است براینکه روسها و رژیم
دست نشانده قلابی ناجیب می خواهد در رأس
حکومت پیشنهاد شده به اصطلاح مل خوبیش،
دوست دیرین خود (ظاهر شاه) را قرار بدهد!
برای چه؟ و بکدام هدف؟ هدف شان واضح
و آفتابی است که باین وسیله میتوانند درین
تنظیمهای اسلامی مهاجرین و مجاهدین افغانستان
تفرقه و اختلاف ایجاد نموده و از سوی دیگر مردم
لا شعور را چه در داخل و یا خارج افغانستان بنام
پناه گزین که فقط در فکر خود و نوش و خوش
گذرانی اند و از اسلام خبری ندارند و نه اسلام را
منحیث حاکم بر جامعه می خواهند که مردم شوم شان
در حکومت مل برآورده میگزند تا درباره خود را
تکان داده و پر و بال جدید کسب فرود و بسوی
حکومت مل به پرواز در آیند و ازین نقطه خل
و شکست را در میان صفوف مجاهدین و مهاجرین
ایجاد کنند.

اگر خدانا خواسته چنین حکومتی در افغانستان به
میان آید شکست عظیمی در اردوگاهات مهاجرین
وصفوی مجاهدین رخته میکند و صفوف جهادی
دانش بر روز اختلافات روز تاریز ضعیف شده
و بالاخره از هم پاشیده خواهد گردید این وقتیست
که مردم روسها خود بخود برآورده میگردد و برای
همیشه راه میان آمدن یک حکومت اصیل اسلامی

بعدها به ارمنان کموزیتم در افغانستان مبدل شد؟ و از وقت ترهکی ناجیب چه مظالم و کشتهای بپرخانه و هزاران هزار شکنجه بر سر این ملت جاحد و قهرمان آوردند؟

درین لحظات حساس متوجه باشد که روسها اثاب اصل مسلک کمونیست خویش (دوقم به پیش، یک قدم به عقب) هرگاه وقتی ایجاب غاید که سدی در راه پیشرفت کموزیم پیداشود، کمونیستها باید یک یا چند قدم به عقب برگردند و حتی بادین و مذهب و دشمنان شان سازش کنند و ازین راه برای اهداف کمونیست و مردم نهالی خود برسند.

طوریکه نجیب کشیف این لودسپکر دستگاه جاسوسی روسها یاوه سرانی های انتخابات مل، تشکیل حکومت ائتلاف، درامه تزویری آتشی مل و ... را براه انداخته تاباشد شله های جهاد را در افغانستان خاموش نموده و قدرت سیاسی را ظاهرشاه ونجیب وبقیه رفقاء کمونیست وملحد شان کمافی سابق درین خود تقسیم خایند و بنام حکومت قانونی! واغود ساخته و بازیه جان ومال وناموسن مسلمانان افغانستان خواهند افتاد وریشه مقاومت وجهاد راقع وقمع خایند وکاری خواهند کرد که دیگر خداخواسته نام اسلام را از منعه تاریخ افغانستان بردارند! افغانستان به تاجکستان، ازبکستان وقراستان مبدل گردد سادیگر هوشیار و پیدار شده ایم و آزموده را بار دیگر آزمودن خطاست!!

فریب لشکریان طاغوت «روس، امریکا» نجیب و ظاهرشاه ودار ودست مکار ونیرنگ بارشان را تخواهیم خورد به جهاد ادامه داده و انشاء الله پیروزی از آن ماست.

بل: بیشمیر صل الله علیه وسلم چه خوب دست اهل برای ما داده است که (مسلمان ازیک سوراخ دوبار گزیده نمیشود)

فاعبروا يا اول الابصارا

انداخته و خلق و پرچم را به باد انتقاد گرفته میگفتند: اینها از نادانان و اشرف زاده گان تشکیل شده و فائد ایدیولوژی پرولتا ریا! میباشد و به این ترتیب طرفداران زیادی درین جوانان و دختران بی عنف و بی مند و بارپیدا خودند این سه حزب وارداتی بیگانه به دستور مستقم خاندان ستم شاهی دست بکار شدند و حریفانه علیه یکدیگر به مظاهرات وسیاچی کفر، الحاد، دھریت وغیره وغیره درکشور آغاز میکنند و بایشیانی خارجی ابرقدرت های پوشال چون روسمه، چین، و... عرض وجود کرده بودند.

مگر یک تحریک عظیم اسلام که بنام (جوانان مسلمان) نامیده میشند از طبقه ملت مسلمان شد ارجاع سلطنت، وعلیه کموزیم وامپرایلیم به صحنه مبارزه وجهاد برخاستند هین تحریک بود که باقربانی های بیشمار خود کلمة الله را تامروز در افغانستان بلند نموده و شمع اسلام را فروزانتر ساخته وعلیه تجاوزگران روسی و مزدوران شان مردانه وارمی جنگند.

خوانند گان محترم شما خود قضاوت کنید و به طرفداران ظاهرشاه که بنام مهاجر و مسلمان در پهلوی سالر عماهین و مهاجرین اقامت گزین هستند چنچ بدهید که درصورتیکه شما خواهان عزت ظاهرشاه و امثال آن در افغانستان میباشد و حکومت به اصطلاح مل و دیوکراسی می پنیرید اگر مسلمان واقعی هستید پس از حقیق چشم پوشی نکرده و دوره های سیاه و تاریخ زده سلطنت را از دید گاه اسلام مطالعه کنید.

آیا روزنامه ارگان دولتی ظاهرشاه (اصلاح!) کاریکاتور حضرت سیدنا رسول الله صل الله علیه والله وسلم را زنده گانه ورزیلانه به نشر نه سهند؟ سرکوبین علماء کرام دریل خشتی، غایش فلمهای بسی خدالی، یوسف زلیخا گشایش دروازه های زنا فسق و فجور، شراب نوشی بی حیانی و بی عنقی زنان هم وهمه از ارمنان دستگاه ستم شاهی نبود که

صیادی وشیطانی را جهت جلب وجدب آنها برآ انداختند و برای مصارف اقتصادی حزب چک پوهای گزاف شخصاً توسط ظاهرشاه به ترکی خویل داده میشد.

برزنیف که رقیب حزبی کاسگین بود از دستور کاسگین به ظاهرشاه و تمیل تره کی اطلاع یافت، فوراً در صدد آن شد که نباید در طرفداران خارجی خود کاسگین از روی سبقت غاید لذا از موقف انزوا گیری داده استفاده نموده و توسط اجت های کی - جسیکی بی سفارت شوروی در کابل از داده خواست که جهت سرنگونی سلطنت ظاهرشاه و برحالی جمهوریت بربری خودش، حزبی در مقابل حزب دستوری ظاهرشاه تشکیل دهد و ضمناً کمک های زیاد مادی و فرهنگی نیز از راه سفارت شوروی بدسترس وی گذاشت شد داده این طرح برزنیف را بكمال خوشی استقبال کرد لذا ببرک را دستور داد تا بطور ماهرانه انسایی در حزب خلق به میان آورد و اشخاص زیادی را باخود یکجا ساخت و چنان حزب تشکیل داد که در فریب دادن جوانان و دختران، خلقها به گردش نمی رسید.

چون ظاهرشاه دید که داده در کار خود نسبت به او موفق نراست ناچار به فکر آن شد که یک حزب دیگری به همکاری یک ابرقدرت استعماری (مشروط براینک) کمونیست باشد! (تشکیل دهد تا اگر کاسگین درشوری مغلوب برزنیف میشود خودش با ترمه کی هایش از طرف داده و برک هایش تهدید و از پا درآورده می شود حزب جدید جلو از هم پاشیدگی شان را بگیرد و قدرت ستم شاهی پا بر جاماند).

ظاهرشاه برای این هدف داماد و یگانه دوست خود سردار ول را وظیفه داد تا بواسطه مسالان دون طفیل اش، اکرم یاری و مصادق یاری پسران خان جاغوری که در دستخوان ارگ سلطنت بزرگ شده بودند، زیربنای حزب شعله جاوید را تهداب گذاری نماید.

سردار ول به اتفاق خان جاغوری و پسرانش حزب شعله را که از خلق و پرچم به مرائب زنده گانه و از خدا منکرتر بود سروسامان بخشید و آن حزب بنام اینکه از طبقه غرب و کارگر تشکیل شده هیاهوی را برآ

السلام او کموزیم دو هتل پاتی کل پیشنهاد

سلاج ایمان صاف پیروزی

ماشت

یشتر از شصت سال باینطرف باشکال و قیافه های مختلف فعالیت وزمینه سازی کرده مستقیم و غیر مستقیم در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تعلیم و تربیه، نظامی، زراعت.... وغیره در افغانستان و خالت و کار از مانی نمودند با اینکه شرایط سیاسی خیلی ها برتفع انها بود و حکومات وقت تحت هر نوع شرایط زمان و مکان بخواست انها پاسخ مثبت داده صحنه های فعالیت و نشود نمی آنها را مساعد گردانیده بودند، دانش اموزان و نظمیان مارابر آکثر تربیوی اموزشی خود در داخل و خارج تحت تربیه قواردادند، کارشناسان زراعتی بندو انها، ارتشهای تجاری مشاوران نظامی وغیره را به افغانستان ارسال نمودند.

هدف ازین بردن و آمدن هایی بود تا از نزدیک عده را در خارج از کشور ما طور دلخواه تربیه نموده با مساعد ساختن شرایط و امکانات عقیده

گردیده بیزودی نابود میگردند.

در جهان کنونی جنبش های سیاسی و طاقت هی کفری بخاطر کسب قدرت و رسیدن به اهداف شوم خود از طرق و وسائل زیادی استفاده نموده جانب مقابل را مورد انتقاد قرار میدند، گاهی بنام دفاع از حق مظلومان و کارگرانیکه در کشتزارها و منابع اربابان عرق ریزی نموده شررة زست آن هارادیگران تعباچب می نمایند، سخرانی می کنند مگر عذر آنها کسب قدرت سیاسی و بدست اوردن امیال و منفعت جوئی های شخصی و گروهی بوده حینکه عروس آرمان را در آغوش کشیدند دیگر نه از کارگر خبری هست ونه از دھان و مزدوران سخن گفته میشود بلکه بر خلاف آنها عمل نموده بیش از دیگران بر آنها ظلم نموده از عرق جین و آبله دست آنها هو سرانی می کنند و بس . پیروان مکتب سوسیالیزم از مد

دشمنان اسلام بخاطریکه بتوانند سور الهم را خاموش و دین نجات بخش اسلام را نابود سازند به هر نوع چاول و وحشت گری متوجه شدمی کوشند هیچ فردی تواند علی با مخفی شاعیر اسلامی را بجا بیاورد. بنایران مبارزه و کشش بین حق و باطل بالاسلام وکفر از ابتدای تاریخ پسر تا امروز دوام داشته کفار با اشکال مختلف در مقابل پیامبران خداوند (ج) استادگی نموده اند که در نتیجه ناکام و نابود گردیده خدا پرستان و ستگارشده اند

دین مقدس اسلام و ترویج و تحکیم احکام آن تهداب کفر، ظلم و استعمار را ویران نموده عدالت تمدن و حساب و اقی را در جامعه حکمران میگرداند، اینجا است که فرش ظالمان و طاغوت صفتان جمع و خود شان چون خس و خاشاک پیشا بیش طوفان خوازی پنهان جانب ویران نمایند و گو رستان های تاریخ در حرکت

و اخلاق اسلامی انها را سوم گردانند و گروه کثیری را در داخل مملکت ما تحت پرداختن قرار دادند تا بعمر ز مسان و فراهم شدن شرایط محکم، نظریات کثیف و پسیف خود را در مغز نونهالان و جوانان تربیق نهایند و بعداً به آرامی خاطر لوای رهانی بخش توحید را از سر زمین دین برور ما بایان و بیرق نایمون و بنام طلوب خون آسود را بجای آن مرفوع هد در اهتزاز در آورند.

رومن های مکار شست مال قبلی تحت نام های فوق الذکر به مملکت اسلامی افغانستان مدخله فرهنگی، تعلیمی وغیره نموده.

پایگاه خطرناکی را بجا نموده و دند که نسبت به پایگاه نظامی مضر تربیت و این عمل شان زمینه سازی برای مد خله نظامی و جآبجا نمودن هزاران تن عسکر خون اشام و هزاران سیل اسلحه مختلف النوع بود.

خوشبختانه که ملت آگاه و مسون افغانستان با زیرکی دلیرانه در طول زمان از مکر نیرنگ استعمار گران و استعمار چیان غرب و شرق نا آگاه و نی خبر نمودند در هر مقطعی از زمان درس عبرت به آنها داده اند که تاریخ نظیر آن را مشاهده نکرده است.

ملت نجیب و ملیان افغانستان مبارزة حق علیه باطل را از اجداد نامی و قهرمان خود را به میراث داشته مدقی اعریان و خون خواران

ناریه را مورد تطبیق و امتحان قرار دادند و اقسام مردمی های خراب کن و خداسانی را که اصلاً جای نهاد را در خاک روسیه برای اتها نداشتند در وطن عزیز ما استعمال نمودند "زمین های زراعتی" با غذا "ساختمان ها" اما کن مقدسه و غیره را نابود ساختند خوشبختانه نتوانستند عقیده و احساس پاک شان را تحت تأثیر قرار دهند. نیروی عقیده و سلاح ایمان است که مردم مایا مورال خیلی های دشمن سر سخت را چنان سرکوب نمودند که بیرونی و بتامرا ازیاد شان کشید و ارش سرخ امروز راه خروج و تخلیه افغانستان را فر امش نمودند در هر اس است که اگر بدون نتیجه از افغانستان خارج شوند و حکومت اج پر کابل را رها نمایند دیگر در انتظار دو اند جهانی خود می عزت و می اعتقاد گردیده بعد از آن اطمینان خود را نزد خود فروختگان و حکومت های دربند کشیده شان بکلی از دست می دهند ورنه با تمام توان و قدرت خود و همکاران بین المللی شان در مقابل مجاهدین راحق بزانو در آمدند.

آن مجاهدین قهرمان وای مهاجرین عزیز یائید دست به دسته هم بدھیم و ببدون امتیاز و تفویق جوئی خود را بدامان اسلام بیندازیم و بجعل الله تعالی بطور واقعی مربوط و متوصل گردیم "انشالله عزیز که خداوند (ج) مهر بان ملت مجاهد و شهید بیرون مارا فاتح و منصور و دشمن نایاک ما را مفجع فسی گرداند.

— حق پاگشون ۵۵ —

لهم اجرنا في جنة نعمك



بِقَلْمَنْ جَانْ

نه تنها فر پاکه و کن اصلی و اساسی
از ارکان پنجگانه اسلام است که نکو
و جاحد آن بلاشک و شبیه کافر است.
قبل از اسلام نیز گرفتن روزه بالای
امت های گفته فرض بوده طوریکه
خد او زد (ج) میفر ماید :
کما کتب علی الذین بن قبلکم ط

چنانچه بالای حضرت آدم علی‌نبیننا
و علایه الصلاة و السلام ایام
ییض و بر حضرت موسی علی‌نبیننا
علیه‌الصلاۃ والسلام یوم عاشورا روزه
داشتن فرض بوده است همچنان جناب
محمد رسول الله (ص) نیز قبل از نازل
شدن حکم روزه رمضان در یوم عاشورا
روزه میگرفت.

اجر و پادش این فریضه دینی در
نژد ذات اقدس الهی جلت عظمته به

طوريکه بر امتان پيش از شما فرض
شده بود.

همچنان حضرت محمد رسول الله
:(ص) ضمن حدیث کهرباڑی میفرماید :
﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ، وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَ
آتَى عَالَمَاتِ الزَّكَاتِ، وَحَجَّ الْبَيْتَ، وَ
صَوَّمَ رَمَضَانَ﴾ زو ام البنیاد و مسلم .
بنیاد گذاری شده است اسلام بر پنج
نما :

گواهی بر اینکه نیست هیچ معمود بر حق مگر خدا (ج) و محمد (ص) پیغامبر خدا (ج) است

و پر پا داشتن نماز (پنجه‌گانه).
و دادن ذکات، و حج خانه
کعبه‌شیرینه، و روزه ماه مبارک رمضان
بنا بر ان روزه ماه مبارک رمضان

ماه مبارک رمضان که بنابر حکم
شریعت غرایه و بر فروع اسلامی ماه
فضایل 'فیوضات'، 'برکات'، مواسات
فتوات، 'رحمت'، 'مفقرت'، نجات از آتش
جهنم و بالآخره فوزو سعادت دارین
برای امت مسلم است روزه داشتن آن
که عبارت از امساك و باز داشتن
نفس از خوردو نوش و جماع است
از سحر گاه تا شامگاه به نیست خاص
برای خداوند (ج) بر هر مسلمان
عقل و بالغ فرض و واجب الادا
میباشد که فرضیت آن به کتاب الله
سنت واجماع است ثابت است چنانچه
خداوند (ج) میفرماید:

(يا ايها الذين آمنوا اكتب
عليكم الصيام كما كتب على
الذين من قبلكم لعلكم تتدرون)
يعنى اي ايمانداران روزه گرفتن
ماه رمضان يرشما فرض گردانیدمشده

شما را از آن می نیازی این است
که شما سوال کنید از خداوند (ج) چنست
را و پنهان بخواهید به خداوند (ج) از
آتش دوزخ و هر که سیر کند درین ماه
روزه دار وایانو شاند اورا خداوند (ج)
برایش بنوشاند از حوض من جرعة که

تشنه نشود یعنی از آن هرگز
همچنان جناب محمد رسول الله (ص) میگوید:
ضمن حدیث شریف دیگری میگوید:
« ان للجنۃ با بآ یقال له ریان، یقال
یوم الیامه : این الصائمون فاذادخل
آخرهم اغراق ذالک الباب ». رواه بخاری
و مسلم .

در چنست یک دروازه است که
ربان (سیراب) نام دارد در روز قیامت
صدای خواهد کرد که کجا اند روزه -
داران روزه داران از همین دروازه به
بهشت داخل خواهند شد و هنگامیکه
آخرین فرد روزه دارهم ازین دروازه
داخل بهشت شد بعداً درو ازه بسته
میشود .

کامل ترین کتاب آسمانی قرآن
عظیم الشان در همین ماه در شب قدر از
لوح محفوظه آسمان دنیا نازل شده است.
خداوند (ج) میگوید : « شهور رمضان
الذی انزل فیه القرآن » و همچنان
دیگر کتب آسمانی و صحائف که با
نازل شدن قرآن عظیم الشان منسون
قرار داده شده اند نیز نزول آنها در
ماه رمضان بوده است. در ماه مبارک
رمضان یک شبی است که بهتر از هزار
ماه میباشد این شب همان شب نزول قرآن
عظیم الشان است که خداوند (ج) آنرا

ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است
آنرا تعین نکرده است چنانچه حضرت
رسول الشّلیل (ص) میگوید که و ماهی است که زیاد میشود در
ترجمه آن چنین است : « هر عمل نیک
درین ماه روزه دار را میگردد سبب
مغفرت برای گناها نش و آزادی گردن
او از آتش دوزخ و برایش آنقدر اجر
است که برای روزه دار است بدون آنکه
کم شود از اجر آن روزه دار چیزی .
حضرت سلمان فارسی (رض) میگوید:
که ما صحابه عرض کردیم : یار رسول
الله (ص) ! نیست در قدرت همه ما
که یائیم چیزی که به کدام روزه دار
انتظاری بدهیم آنحضرت (ص) فرمودند
خداوند (ج) این اجر و پاداش را به
کسی هم میدهد که انتظاری بدهد روزه
دار را به یک خرما یا یک جرعة
آب یا یک چشیدن شیر و رمضان
ماهیست که دمه اول آن رحمت دهد
دو هم آن مغفرت و آخر آن آزادی
است از آتش دوزخ و کسی که سبک
کرد بیاری را از مملوک خود مغفرت
میکند خداوند (ج) برای او و آزاد
میگردد او را از آتش دوزخ بس
چار خصلت را درین ماه زیاد کنید و
فعل است که راضی کنید به آن پروردگار
خود را و دو عمل دیگر است که
نیست شما را بی نیازی از آن دو
خصلتی که راضی میسازید شما به آن
پروردگار خود را : شهادت اینکه نیست
هیچ معبد برق حق مگر خداوند (ج)
و اینکه طلب آمرزش کنید از خداوند
(ج) و اما آن دو خصلت که نیست

زیرا این عبادت از شک و
شبیه هر نوع تظاهر و ریا منزه و
پاک است چندیگر عبادات اکثر آبواسطه
فعلی از افعال ظاهری که به چشم
مشاهده شده میتواند اداء میشوند
لیکن بر عکس روزه به فعلی ظاهر
اداء نشده بلکه فعل مخفی میباشد
که فقط ذات خداوند پاک (ج) و خود
صائم از حقیقت و واقعیت آن آگاه
میباشد و بس حضرت سلمان فارسی
(رض) میگوید : در یوم آخر شعبان
حضرت پیغمبر (ص) ضمن خطبه برای
مایان فرمودند : ای مردم به تحقیق
سایه افگنده « نزدیک رسید » بر شما
یک ماه بزرگ « مامبارک » درین ماه
شی است که بهتر است از هزار ماه
خداوند (ج) داشتن روزه روزهای آنرا
فرض گردانید و قیام شب های آنرا
نقل قرار داده است کسی که نزدیک
شد درین ماه به خصلتی از نیکی یادآمد
کرد در آن فرضی را به مثل کسی
است که اداء کرده باشد هفتاد
فرض را در ماسوایی آن و ماه رمضان

بنام شب قدر ذکر فرموده است .

خداوند (ج) میفرماید: « انا از لناء
فی لیلةالقدر و ما ادراک مایلۃ انقدر
ليلة القدر خیر من الف شهر»

روزه در روز قیام شفاعت
مؤمن روزه دار را مینماید .

چنانچه حضرت شفیع المذنبین

محمد رسول الله (ص) میفرماید :
« الصیام والقرآن یشفعان للعبدیوم-
القیامه یقول: الصیام ای رب منعمت
الطعم والشهوات بالنهار فشنعنی یه
ویقول : القرآن منعه النوم بالليل
فسعنی یه فیشفعان .

روزه و قرآن عظیم الشان هردو
در روز قیامت برای بندۀ شفاعت میکند
روزه میگوید ای پروردگارا من روزه
دار را از خوراک و شهوت منع کرده
بودم پس شفاعت مرا در حق وی
قبول کن .

قرآن کریم میگوید ای خداوندا من
روزه دار را از خواب منع کرده بودم
در شب پس شفاعت مرا در حق وی
قبول کن شفاعت آنها ببول میشود .

روزه از اینکه حکم ذات حکیم
است چون سائر احکام ذات اقدس الهی
جلت عظمته علاوه ازینکه من حیث یک
وجیبه دینی و شرعی در نزد خداوند (ج)
اجر و پاداش اخروی دارد در دنیا
نیاز از حکمت و فلسفه خالی نبوده بلکه
حاوی حکمت های بی شماری: صحنی

فردی، اجتماعی، اقتصادی و... میباشد
چنانچه بطور مثال مریضی قلبی
شکر، فشار خون و امراضیکه از اثر

اسلام تا الحال مجاهدین راه خدا (ج)
در سنگر های داغ جهاد و مبارزات
اسلامی نیز بر دشمنان خدا (ج) به

پیروزی های چشمگیری نا ایل
آمده اند . چنانچه از زمان صدر
اسلام میتوان پیروزی معجزه آسای

حضرت پیغمبر اسلام و حضرات صحابه
کرام (رض) را در غزوه تاریخی بدرو
از قرون معاصر پیروزی سال ۱۹۶۷
اعراب را بر اسرائیل و همچنان
پیروزی های متعدد مجاهدین شهادت
شعار وطن ما را بر قوای متجاوز
سوسیال امپریالیزم جنایت کارنام برد .

خلاصه مطلب اینکه این ماه
مبارک حاوی فضایل و مزایای دنیوی
و اخروی بی شماری بوده که در قید
تعربیر نمی گنجد .

ولی ما در حالیکه حلول ماه
مبارک سال ۱۴۰۸ هـ را به سائز
رزمندگان راه اسلام و کافه امت مسلم
تبیریک عرض میکنیم از ذات اقدس
الهی جلت عظمة مسئلت مینمائیم: به ما
توفیق عمل را به شروط و مقتضیات
روزه و همه احکام سودمند اسلامی
عنایت فرموده همانطور یکه درین ماه
مبارک در میدانهای بدر وفتح مکه و...
سپاهیان دلیر اسلام را پیروزی و نصرت
نصیب کردم ما را نیز بر ابر جناور
طاغوتی سوسیال امپریالیزم جنایت کار
پیروزی کامل و فتح میین نصیب
فرماید . آمین یارب العالمین .
و ماذا لک علی الله بعزیز .

چاقی زیاده ای مورد خوردن طعام های
گوناگون پیدا میشود روزه برای همه
آنها مفید است همچنان روزه داریکه
بکماه روزه بگیرد و خودش گر سنگی
را تعامل کند خوبتر میتواند از حالت
فقراء و مساکین باخبر شود و درد آنها
را حس نماید .

روزه انسان را بخطاطر مقاومت
در برابر خواهشات تباہ کن نفسانی
تریه و تمرين نموده مسلحان را از
ناحیه روحی و معنوی صبر و استقامت
بخشیده ضمیراً تزکیه و تصفیه کرده
و به مقام عالی اصلاح نفس و تقوی
که ملاک و معیار ارزش و قیمت در
اسلام و ضامن همه پیروزی های دنیوی
و اخروی است میرساند .

زیرا روزه دار در طول یکماه
روزه عملاً نه تنها از خورد و نوش
بلکه از کوچکترین مباحثات منع و به
همه اوامر خداوند (ج) چنانچه مأمور است
عمل مینماید . که در ینصرت طفیان
هواء و خواهشات ذمیمه ورزیله در
نفس اش سرکوب شده و آسانتر و بهتر
میتواند از آرزوها و امیال نفسانی که
شرعآ حرام بوده و باهوا و هوس های
آنی او موافق میباشد خود را بآذانه
بس خط مستقیم اسلام حرکت نموده
و به معارج عالی تقوی و تزکیه نفس
که عامل اساسی و اصلی فوز و سعادت
دارین است برسد .

ماه مبارک رمضان ماه فتوحات
اسلام می نیز میباشد .
در طول تاریخ پر جلال اسلام
در همین ماه مبارک رمضان از صدر



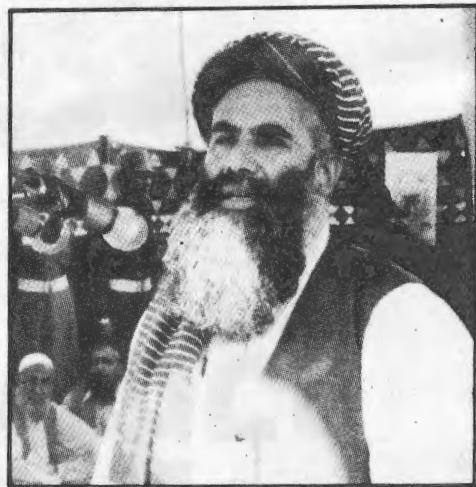
دثور دن او له کو دتا لساه کر خيرن لليني وصل سياو خندل شو

ختنهک ، ناصر باغ ، خراسان کمب ، مندوپل ، جلوز و کمپ ارشمندو گيني جوري شوي په هفوکي په زرگونو مجاھدينو هاجر برو انصار و رونو داخلی اوخارجي خبر يالانو گدون کړي ۋا په هر کمب کېني دجهادى تنظيمونو یوه تزن مشروپنا کړه چې د حاضرینو د احساساتو په څپوا د الله اکبر د کفر لړزوونو کونارو په پورته کېدو سره بذرګه کېبدی چې مونږ د لته د هر غونه دی دوينا کونکوله و بناو شنده یو شوتکي په لاندی ډول رانقلو :

د چهارشنبۍ په ورځ د ۱۳۶۷ هـ - ش کال د ثور په ۸ نېټه چې د ۱۴۰۸ هـ - ق کال د روزی د مبارکې میاشتی د ۱۱ نېټي سره سمعون خوری دثور د کرغېنې توری اوئنځښې فاجعې د غندنې په مناسبت د افغانستان د مجاهدينو د اسلامي اتحاد داعل شوری د فیصل سره سم پیښور په بیلوبیلو کېپونو گښې درنې اوستري غونله د جوري شوي وي په هفوکنې دجهادى تنظيمونو مشرانو د پروګرام مطابق و بناوی وکړي اړخلك یې یو محل یا د دغې غمنجني حادثې تور تاریخ ته متوجه کړل دغه غونه دی چې به اکړه

نن په کابل کښی دداسی یوی پیښی مانځنه کېږي چې هغه زموږ
 اوستاسو د دین او د دینا مصیبت دی هغوي دئور دورڅی حادثه ځان ته
 دې ګړۍ د سعادت او خوشبختی ورځ ګنی خوزمونږ او د دینا دې ټولو
 مسلمانانو په نظر یو ستر مصیبت دی دا پیښه دسره ګډنیزم غیشی و چې
 د اسلام په زړه ولکید خوپاک الله دی زړه ته تراووسه پوری د اسلام قوت
 ورکړي چې او س هم د خداي په نامه ژوندي پاتي دی او د خداي په نامه
 خوزیږي، پاک الله دی د مسلمان زړه ته هغه قوت ورکړي کوم قوت چې
 انګریزان بی له ملکه شېرل و او خداي دی هغه قوت ورکړي چې روسان
 پري و شرو او انشاء الله چې د احقيقیت به خداي جلت عظمته خلکو ته
 یو څل بیا ور په ګونه کړي هغه افتخار چې پاک الله د افغانستان مسلمان
 ملت ته غنکي په برخه کړي و چې دلړي څل لپاره دئور استعمار د
 خنځیرونو کړي و شلوی .

انشاء الله چې دلړي څل لپاره دسره استعمار د خنځیرونو کړي هم د دی
 مجاهدملت په لاس ماتېږي دئور انقلاب د شکو هغه بندته ورته دی چې
 هر خومره بی تینګوی تینګیدای نشي داهله بند دی چې د مجاهدینو د ینو
 د سیلاپ په غنکي پروت دی په دی بند کښي چې کومي غتني او لمپنۍ
 د بري پرتۍ وي د مجاهدینو د ینو د سیلاپ په غنکي بی پښي تینګي
 نکړي او انشاء الله چې روستي خس او خاشاک به دير ژر له مينځه ئې
 او د مسلمانانو د سپیڅلو اهدافو لپاره به لاره دير ژر افغانستان کښي
 خلاصه شي .



﴿استاد میا ف﴾

پېړي بېا شهادت!

ماروس هارا به اساس امضای معاهده جینوا بیرون نه راندہ ايم
 بلکه مقاومت اټهړمانانه ملت مسلمان مابود که رو سهارا مجبور ساخت
 با کمال رسوانۍ از افغانستان بیرون شوند پس ما در حالیکه خداوند را
 شکر گذاریم پیروزی ملت قهرمان خودرا بهمه سنګر نشینان عزیزه، به
 همه وارثین شهدای ګلکون قبای خویش به همه آواره ګان مهاجر مقاوم
 و ثابت قدم خود مبارکباد میگویم .



استاد رباني:

مخترم ورور حکمتیار

زمونبز زره و راوبایانه ملت دخپل ایمان په قوت دروس دوخشی طاقت په وړاندی په میرانه و درید مقاومت و کمر لس کاله جنګ ته بې ادامه ورکړله روس بې پېږي نښود چې د افغانستان په لس فیصله خاوره قبضه وکړئ نن په سلو کښی نزی افغانستان آزاد دی د مجاهدینو مستحکم سنگرونه جوړدی روس په اته کاله جنګ کښی ونشو توانيدل چې د مجاهدینو سنگرونه فتح کړی حقیقت دادی پېږي د ایمان سنگرونه شوک نشي فتح کولای د ایمان قوت ته په او سپنۍ او بار و توهوك ماتی نشي ورکولای :

که روسان ووځی د مجاهدینو په وړاندی بل د اسی قوت نه باتې کړوي چې هنډه دی د مجاهدینو په وړاندی تم شي زما له نظره دنجیب مزدور کړغین حکومت د اسی دی لکه یومات دهنګدو په حاکمی دیوال چې روښ قواو موقتاً تم کړیدی که یواو دامتکا لري شي بیابه دا دیوال هرو مرو په څمکه لو پېږي .

مخترم انجمن احمدشاه :

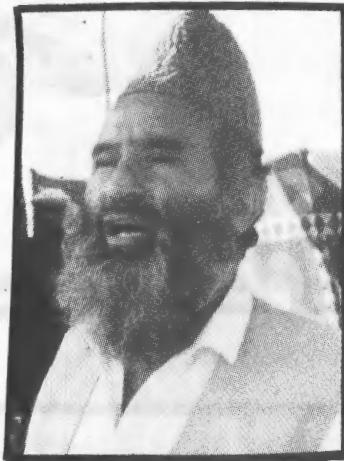
دشور ۷ هنډه ورځ ده چې روسانو خپل مزدوران د افغانستان د حکومت او زمامداری په چوکۍ کېښتو اوزموږ په و یاپل تاریخ کښی بې د غلامی بېټنۍ باب پرانست خودادی دلس کاله مسلسلو قربانیز او عاهدوي په برکت او دلوي خدادی په فضل افولا ته نن پېرته خوستګي رسوا او ذلیل دېښی په حال کښی لیدل کېږي زه تاسوته زیری در کووم چې دابه د ګران هیود څخه دباندی دشور د کړغینی کو دتا اخیرتني غندل وي او انشاء الله اوس هنډه وخت راښدی دی چې سرلږي او په هسکه غایه دیو سوچې اسلامی حکومت ترسیروی لاندی خپلو کړونو او باندونه ستانه شو .

مخترم صفت الله مجده:

دشور فاجعه د افغانستان په تاریخ کښی یوه ننګینه ، ستره اوله شرمه د که فاجعه ده مونږ په د اسی حال کښی چې دغه فاجعه په کلاکه غندو هیله من یو چې انشاء الله افغانستان دخدای «ج» په فضل پېر ګر آزديدونکي دی مونږ خپل جنګ ترهه وخته ادامه ورکو شو د مسلمانانو د غوښتنې سره سه حکومت مینځ ته راشی ، په او سیو حساسو او سرنوشت جزو وونکي شېيو کښی زموږ په وړاندی زیات مشکلات پرانه دی او په دغه شان شرایطو کښی بايد د افغانستان د مسلمانانو ترمینځ یوریښتنې اتحاد مینځ ته راشی مونږ بايد د اهمی احکامو مطابق قول ریښتنې مسلمان په حيث یو دبل سره برخورد اوناسته ولاړ وکړو .

مخترم دا کتر فاروق اعظم :

دشور ۷ زموږ په تاریخ کښی دیره دردانا که ورځ ده چې ترڅه نتائج بې افغانستان ته پرېښو دل یونیم ملیون بې ګناه مسلمانان شهدان شول دوه نیم ملیونه مسلمانان زخیان شول له پنځو ملیونو زیات کسان دوطن پرېښو دوته اړشول او پنځلسو ملیونه مسلمانانو څخه دریں نیم ملیونه مسلمانان مستقیماً متضرر شول له بلیغوا زموږ غیرتی اوس مسامان ملت دنیا ته داثایته کړه چې د چا غلامی نه منی او غیر قابل تسيخ قوم دی ئ د افغانستان مجاهدینو تول دنیا ته وښو دله چې دبری راز یوازی په اسلام کښی دی او بس .





اخوان المسلمين برمایر بعویت

جمله کتاب (بدایع المتن فی جمع و ترتیب مسنده الشافعی والسنن) که درین کتاب نیز شرحی نوشته است و تألیفات وی در حدود (۲۴) جلد می باشد . امام شهید حسن البنا از زمان طفولیت در تحت تربیه و پرورش پدر دانشمند خود قرار داشت و علوم دینی را از آن کسب می نمود . و در سن (۸) سالگی امام حسن البنا وارد مدرسه «رشاد» گردید که صاحب این مدرسه شیخ محمد زهران بود که استاد البنا را دوست میداشت و در تکامل آن نقش مؤثری بازی نمود که امام شهید در کتاب خاطرات خود می نویسد « خدا معلمان محمد زهران را یا مژده مردی مردانه و هوشیار بود و دانشمند پر هیرگار » درین مدرسه علاوه بر درس های که در مدارس مشابه آن داده می شد در عصر هر پنجه شنبه احادیث پیامبر (ص) هر ای شاگردان نیز تدریس می شد و امام حسن البنا درین پاره میگوید « خودم اکثر احادیث را که از بردارم از همان دوره در ذهن منده است » درین مدرسه امام شهید قرآن مجید را تا سوره اسراء حفظ کرد و راه شکوفائی نمود که تألیفاتی زیاد از خود بجا گذاشته است که از

می خواهیم طوری فشرده اهداف، برنامه ها و مسیر دعوت اخوان المسلمين را بررسی نماییم و قبل از آن که درین رابطه آغاز سخن بداریم لازم میدانیم که زندگی امام شهید حسن البنا که پر تحرک ترین و زنده ترین چنین اسلامی (اخوان المسلمين) را اساس گذشت یاد آوری نماییم امام شهید حسن البنا در شعبان سال ۱۳۳۴ ق مصیب ۱۹۰۶ در قریه الحودیه در یک فامیل متدين که سایه علم و فضیلت در آن میدرخشید دیده به جهان کشود . پدرش شیخ احمد عبد الرحمن البنا از علمی مشهور و معروف بود در علوم حدیث ، فقه و نحو ید طولا داشت و قرآن مجید را حافظ بود و شغل ساعت سازی را نیز فرا گرفته بود که ازین مدرک برای رفع احتیاجات خود استفاده می نمود و مصروفیت وی را در روز تدریس علوم دینی تشکیل میداد و از طرف شب همه وقت ساعت سازی می کرد و در محل مربوطه خود امام مسجد نیز بود و از اوقات فراغت خود در نوشتن کتب استفاده می نمود که تألیفاتی زیاد از خود بجا گذاشته است که از

برای بوداشتن آب رفت و آمد میکردند. همان بود که امام شهید پیدارش به پایگاه پولیس وقت و جریان را گذارش میدهد.

صاحب منصب پولیس از خیرت یک پسر چهارده ساله شگفت زده شده و فوراً همراه استاد البنا نزد صاحب کشتی رفته و دستور میدهد که مجسمه را بردارد.

امام حسن البنا از آغاز زندگی مرد عمل بود همیشه تلاش می ورزید که ایده‌های خود را در عمل پیاده بسازد به هم صفتان و هم فکر ان خود توصیه می کرد که همیشه اقوال خود را در ساخته عمل پیاده بدارند تا فعالیت های شان نتیجه بدهد. همه وقت هم صفتان امام شهید بس از رخصتی مدرسه در مسجد محفل می رفتند و نماز را به جماعت ادای نمودند و از آب حوض مسجد استفاده میکردند که این صحنه (استفاده از آب حوض) را امام مسجد روزی متوجه می شود ویر بجهه قهرمی کند که چرا آب راتخان می کنید و برای بزرگسالان ذمی گذاشته کند و ضو بکیر ند بجهه ها فرار می کنند ولی امام حسن البشیر میگوید: که من آنرا سزا خواهم داد و بیرین ملعوظ نامه از طریق پست با او ارسال میدارد و در آن فقط یک آیه کریمه را نوشته می کند «کسانیکه صبعگاهان و شامگاهان به نیایش می پردازند مر آن، هیچ از حساب شان بر ترو نیست اگر برانیشان از ستمگرانی» این برخورد تیز و همی و هوشیاری امام شهید را باز گویی میدارد.

تشکیل انجمن (نهی از منکر): فعالیت‌هایکه امام حسن البنا در رابطه انجمن اخلاقی برآ اندخته بود وی را قانع نمی ساخت بلکه بغير توسعه آن بود تا اینکه انجمن دیگر بنام «انجمن نهی از منکر» را بوجود آورد اعضای این گروه تلاش می نمودند که از رفتار غیر اسلامی مردم جلوگیری نمایند و هر عضو مبلغ پنج تاده ریال دریک غفته می بود این انجمن به کسانیکه مرتبک اعمال خلاف مقررات اسلامی می شدند نامه های تهدید آمیزی می نوشت و ارسال میکرد و کارها بین شان تقسیمات شده بود یکی مسؤول تهیه متن نامه بود دیگری آنرا بطریزی

استعداد اش باز گردید این مذومنه نه تنها آموزشگاه بود بلکه پرورشگاه نیز بود امام شهید درین دوره در رابطه کسب علم و راه یافتن به مطالعه و تحقیق مقادی پیشتر بدست آورد و ضمناً روش و شیوه های برخورد با شاگردان را فراگرفت که در آینده دعوت وزندگی سیاسی وی نقش مؤثری داشت بعداً امام شهید شامل مدرسه ثانوی می شود و به تحصیل خود ادامه میدهد در مورد دوره ثانوی مدرسه خود امام شهید در کتاب خاطرات خود می نویسد «روزهایه مدرسه می رفتم و عصرهادردو کان ساعت سازی به فراگرفتن این هنر که شیوه آن بودم می پرداختم و توانم از عشا کار من دوام پیدامن کردم بعد از نماز به مرور در من های روزانه بر گرم می شدم تا که موقع خواب می رسید صبح که بر می خاستم بعد از نماز بعض از قرآن مجید را روزانه حفظ می نمودم تا وقت مدرسه می رسید».

درین دوره امام شهد باهوش مرشار و استعداد فطری که داشت پتدیر و درایت کامل به کمک استادان خود یک انجمن اخلاقی را بنیاد نهادند و در آن لوایح و مقررات دا وضع نمودند که طبق آن اعضا شامل این انجمن اگر به برادر خود نامزد بگوید بکریل جربه بپردازد و برای دلخان ها جرایی رامیان کرده اند مثلاً برای مشاجره دوریال تعین گردیده بود.

و این جمن به اتفاق آراء امام شهید حسن البنا را برپاست خود برگزیدند انجمن بکار خود شروع نمود و بسیاری از مخالفان را پرداخت جریمه محکوم می نمود که ازین بابت مبلغ هنگفتی را جمع نمودند. و روزیکه امواج خروشان نیل جسد غرق شده شخص فقیر و غریبی را به کنار هیوار مدرسه افگنده بودازین پول در تدفین و تکفین آن استبداد نمود که این عمل امام شهید نمایانگر حسن ارتباط بمردم مستضعف ویچاره بود درین دوره زندگی امام شهید واقعه دیگر نیز رخ داد که از متأنیت عزت و ایمانداری آن حکایت میدارد. روزی امام شهید از نثار دریای نیل می گذشت که دفعتاً چشمش بزم جسمه بر هنر پولی افتاد که صاحب یک کشتی آنرا به «دکل» آویخته بود مناظره این صحنه تأثیر سخت و ناراحت کننده در روحیه امام شهید گذاشت چون درین قسمت ساحل زنان و دختران

خاص تحریر می کرد سومی آنرا چاپ می نمود و دیگری آن نامه را به صاحبان شان می مسانید.

و صاحبان نامه کسانی بودند که مرتکب کار نساروا می شدند و به انجمن گزارش آنها می رسید مثلاً کسی را میدیدند که روزه‌ی خورد و یا کسی نمازش را به عجله می خواند درین صورت به چنین اشخاص نامه می فرستادند و حتی اگر از زنان هم کار ناروانی را مشاهده می کردند به شو هران شان نامه او سال می نمودند و در محل شان هیچ کسی نبود که نامه‌ای را دریافت نکرده باشد و هیچ کسی گمان نمی کرد که از بچه‌های کم سن و سال که امام شهید حسن البنا ریش شان بود چنین کاری سریز ندوهمه طنین بود که شیخ زهران معلم محل شاید این کار را برآهی انداخته باشد و مردم اوراسر زنش و تهدید می کردند که بسیار آنکه نامه روان نماید هر چه می خواهد بگوید.

و حتی بخود شیخ زهران نیز نامه ارسال نمودند بالبته کراهیت را در نماز وی مشاهده نموده بودند و بعداً برای شننوشتند که از یک عالم زیسته نسیت که از آن مکروهی سرزند زیرا درین صورت از مردم عوام حرام و نارا و اسرخواحد زد.

امام شهید وارد دانشگاه مقدماتی می شود
استاد حسن البنا بعداز آنکه مدرسه را تمام کرد در سال (۱۹۲۰) م - در حالیکه سن وی چهارده ساله بود وارد دانشگاه مقدماتی در شهر «وننهور» می شود شهید امام حسن البنا در کتاب خاطرات خود درین مورد میگوید سه سالی را که در شهر ونهور در دانشگاه مقدماتی درس می خواندم باید سال‌های فرورفت در دریای عواطف عرفانی و عبادت بشمار آورم . میگویند زندگانی انسان به چند دوره معین تقسیم می شود یکی از دوره‌های زندگانیم همین سه سال پس از انقلاب مصر است درین دوره پیوسته سه گرم پرستش عرفان بودم . من بادلی آگنده از عشق بمعرفان و تصوف باین شهر قدم نهاده بودم خودرا به آرمگاه شیخ حنین حصافی نخستین پیر و پیشوای فرقه حصافی و جماعتی از پاک مردان پیروی مواجه دیدم .

استاد حسن البنا و طریقه حصافیه :

واقعیت اینست که بعد عرفانی نیز در وجود امام شهید دو به شکوفانی بود در امورات تصوف وزهد گرانی مصروفیت نیز داشت که این کار در وجود امام شهید صفائی قسلی و روشن ضمیری را باز آورده بود آنرا کمک کرد که به هدف خود عشق بورزد و در راه دعوت به آن آماده تحمل هر گونه گرامات و سختی هاشود زیرا عرفان اصولی اسلامی انسان را از وابستگی ها و تجمل‌های زندگی دور نگهداشته بیوند آنرا پا خداوند قوی گردانیده و دلبستگی آنرا مسحکتم می مازد . امام شهید در خاطرات خود در مورد طریقه حصافیه می فویسد در مسجد کوچک هرشنب پیروان طریقه حصافیه را می دیدم که پس از ادائی نماز عشاً بذکر خدای متعال می پردازند . حلقة ذکر آن جماعت که بالحنی هماهنگ و سرو دری زیبا و روحانیت سرشار خدارا یاد می نمودند مرا شیفته گردانید از خوشروشی پیر مردانی خردمند و جوانان در مستکار که سر گرم ذکر خدا (ج) بودند و از فروتنی شان نسبت به کودکانی که گردا گرد محفل شان می‌ایستادند و با آن هماواز می شدند دل از دست دادم و به جمعیتشان گر ائیدم رقته رفتہ رابطہ ام با جوانانشان رو به استحکام و صمیحیت نهاد و با جمعی از آنان یار وهم عهد گشتم در همین محفل الفت بود که برای نخستین بار با استاد احمد سکری آشنا شدم و این دیدار در زندگی هر دو مان اثری پایدار نهاد . سه امام شهید اضافه میدارد : خدا (ج) می‌گوید لواهاب حصافی را از جانب ما پاداش خیر دهد که مصاحبتش بزرگترین فایده‌ها را بـما رسانید و در دینداری و طریقه وی را جز به نیکوئی نمیدیدم .

ار تباط امام شهید تا آنکه جنبش اخوان المسلمين تشکیل یافت همچنان باطریقه حصافیه پیروان آن و مرشد آنها شیخ عبدالوهاب حصافی ادامه داشت و از احترام خاص و احساسات عالی و تقدیر آمیزش امام شهید پرخوردار بودند .

ادامه دارد

یادی از ملاطوات شهید اسلام استاد سید قطب

عبد الرقیب «جهید»

یکی از پیشگامان و بنیانگذاران اصیل افکار انقلابی مکتب
نجات بخش اسلام علامه دانشمند سید قطب شهید رحمة الله
علیه بود که نه تنها افق ظلمت بار مصر باطلوع این کوکب
درخشان فروزان گردید ، بلکه روشنگر و شمع تابناک سراسر
جهان اسلام به شمار میرود .

عصر جدید بودند و نویسنده چیره دست
اسلام و غونه ای بارز علوم ادب عربی
شناخته شده اند .
آثار و تالیفات گرانبهای استاد سید
قطب « رح » در بخش اعظم فنون
ادبی و فکرت اسلامی به کار رفته است
برخی از تالیفات موصوف قرار
وئیست :

« تصویر فنی در قرآن ، ماضه میگوئیم
اسلام و دیگران ، عدالت اجتماعی در
اسلام ، دانستنی های اسلامی ، آینده
در قلمرو اسلام ، اسلام و صلح جهانی
وبسا از کتب و مقالات دیگر که در
موارد مختلف جامعه شناسی ، اقتصاد
و اجتماع و حکومت اسلامی از دیدگاه
دعوت اسلامی تدوین نوشته .

در زمینه مسائل و مباحث قرآنی علاوه
از اسی جلد تفسیر « فی ظلال القرآن »
که تاکنون سه بار و در پنج هزار پنجم عدد
صفحه بزرگ چاپ و نشر شده است به

انقلابیون مسلمان انتشار دادند .
استاد شهید در سال ۱۹۴۷ دریک بورس
تحصیلات عالی مافق دیهلم به امریکا
اعزام شد ، که به اخذ ماستری از آنجا
موفق گردیدند . در امریکا باق登 غرب
و شناخت حقیقت آن آشنا گردید
و چین بازگشت به زادگاه اصل اش
« مصر » درین باره کتاب را تحت عنوان
« امریکائی که من دیدم » برشه ای
تحمیر درآورد که در آن مراجع به تقدیم
اسلامی و منابع سرشار و مستقیم آن
از قدم انحراف اروپا و غرب معتقدات
خود را در روشنایی دستیار اسلام
منعکس نمود و زاه و روش تقدیم اسلامی
را در پرتو نظام اقتصادی اسلام مورد
بحث و ارزیابی قراردادند علاقه نشاط
انگیز و رابطه ناگستنی اش با جماعت
اصیل اخوان المسلمين در سال ۱۹۵۱ م
آغاز گردید .
استاد سید قطب شهید « رح »
شخصیت برجسته ای فکر اسلامی در

این فرزند مکتب توحید و نابغه ای
اسلام در سال ۱۹۰۶ « میلادی در
قریب « موشا » ولایت اسیوط مصر از
یک دودمان متدين و خداپرست چشم به
جهان کشود .
سید بزرگوار درسمن ده سالگی قرآن
کریم را حفظ نمود و نظر به استعداد عالی
و ملکه ای علمی اش ا تعالیم قرآن گزین
را تا فرازت از دارالعلوم قاهره سنه
۱۹۳۳ « فراگرفت شهادت نامه ای
لیسانس را در ادبیات و دیهلم را در
رشته تربیت بدست آورد . سهی
تمامیت در بعضی از پستهای عالی مقام
اشغال داشتند ، در خلال این مدت
کتابهای ادبی را تصنیف و برخی از
تالیفات خویش را به شرف نشر سهندند
و همچه ای را به نام « فکر جدید » که
بيانگر افکار و نظریات مفید درخصوص
ساختمن جامعه ای اسلامی و مبارزه با
بیدادگری های استعمار بود برای تنویر
و انسکاف اذهان عامه و خاصتاً

نشر کتابهای التصویر الفنی فی القرآن و مشاهد القيامة فی القرآن
وهذا الدين پرداخت و وعده داد
کتابهای دیگر نیز درین سلسله منتشر
سازد که از آن جله بود :
القصة بين التوراة والقرآن والنماذج
الإنسانية فی القرآن والمنطق
الوجданی فی القرآن والصالیب
العرض الفنی فی القرآن ... والبه
اعدام او مانع ازان شد که به این وعده
خود وفا کند .

ولطائف ذوقی وهنری اش را به ثبوت
می رساند .

کتابهای انتقادی وادین او از جله :
النقد الأدبي أصوله ومناهجه ، مهمة
الشاعر في الحياة ، روضة الطفل ،
الجديد في المحفوظات وغيره تخصص
وپیرا در رشته ادبی ونقده هنری ثابت
می کند . موصوف در هنر نویسنده عی
خود ، از داستان شرائی نیز برای خدا
«ج» و در راه هدف مقدس اسلامی
استفاده نموده داستانهای مصور
وغير مصور را منتشر ساخت که ازان جله
است : أشواك ، القصص الديني
للأطفال ، الأطیاف الأربع ، المدينة
المسحورة .

استاد سید قطب شهید «رح» در
مقابل استعمار ونظام های طاغوتی
وبردگی بیگانکان قیام و مبارزه بی
امان و خستگی ناپذیر بعمل آورده و
برنامه های دعوت وجهاد را بر ضد
حکومت فاسد مصر که حلقه بگوش
استعمار سرخ روس و دیگر ابرقدرتی های
استبدادی بود شدت می بخشید .

تا اینکه زمامداران مصر در سال ۱۹۵۴
نامبرده را به جرم قیام و مبارزه برحق
اسلامی اش به حبس — حکوم
غمودند و خواستند به اعدامش رسانند
و این نور خدائی را خاموش کنند ول
حکم اعدام باحبس دوامدار تخفیف
یافت او متهم بود که رهبری فکری
«گروهای اجتماعی !» را به عهده دارد
.....

استاد شهید «رح» باعده از برادران
آزاده و مسنگران فکری و انقلابی اش

تحت شکنجه ای عمال استعماریون
وارد سلوهای زندان گردیدند .

هنگامیکه آزاد مردست بزرگ اسلام علامه
سید قطب در زندان طاغوت بسر می برد
«حیده» خواهر محبوب سید نزدش
بزندان آمد درحالیکه اشک از چشمانتش
سرازیر بود و قلب نازکش بخاطر سید
قطب می تهدید می گریست ناله اش
با گریه درآمیخته بود واز سید بزرگوار
تقاضا نمود تا باز مردم پیش آمد غاید ، تا
از شداید بروی کاسته شود ول این
آزاده قامت مهارز بزم خواهر مهر بانش
دست نوازش کشیده و بانگاهای ملعو
که گویانگاه وداع آمیز وی باشد
گفت : «ای حیده ! مگر تو
باورندازی که من بر حقم پس گیریانت
برای چیست ؟

ای حیده ! اگر بر حق زندانی شده ام
بحق و انصیم واگر بناحق در زندانم
کرده الله است رحم از باطل بermen گران
است .

در خلال مدیکه در زندان طاغوتی مصر
بسر برد اجزاء متباقی « فی ظلال القرآن
را انجام بخشید و در سال ۱۹۶۰ م بعد
از هشت سال حبس از سجن بیرون
جست و به تألیف کتاب ارزش مند
خویش « معالم فی الطريق » پرداخت
این تألیف گرافاییه انگیزه زندانی
شدنش بار دوم و سبب صدور حکم
اعدام وی گردید .

طبق نوشته شماره ۸ دور جدید
روزنامه هفتگی Radiance مؤرخ ۲۵
چادی الاصحاب دهل نو که ارگان
نشراتی هم مسلمانان آنوقت هند بود

مینویسد : « دران هنگام که در دادگاه نظامی قاهره ، حکم اعدام سید قطب قرائت شد . او در کمال آرامش چنین گفت :

« من پیش از این هم میدانستم که طبقه حاکمه نی خواهد من زنده بمانم ، من بار دیگر اعلام میکنم که من نه پشیمان هستم و نه اظهار نداشت میکنم و نه ازین رأی اندوهنا کم ، بلکه بسیار خوشحال و مسرورم که در راه هدف مقدس و عقیده برحق اسلام ، ام کشته میشوم . البته تاریخ آینده نورباره ما و حکومت داوری خواهد کرد که گدام یک از ما ، راستگو و برق بوده ایم »

با وجود آنکه اکثریت امریکوزامداران کشورهای اسلامی خواهان فسخ حکم اعدام استاد شهید گردیده و رسماً از جال ناصر مطالبه نمودند که درین جله امیز دولت کویت شیخ راحل عبدالله سالم الصباح ، ملک فیصل شاه عربستان سعودی « رح » ، وزیری دولت پاکستان وغیره براین امر تاکید نمودند ۰ ۰ ۰

مگر ! باتأسف باید بگوییم که جال ناصر و دار و دسته اش به این توقعات و خواسته های شرعی و قانونی ذوات عالی قدر مالک اسلامی و مسلمانان سراسر دنیا و قعده نگداشته و آنها را نادیده گرفته زیرا از طرف باداران روسی اش از مسکو امر اعدام سید قطب شهید « رح » موافقت نموده بود پس از صدور فیصله دادگاه ، هنگامیکه اورا بسوی مرگ می برند ، خنده ای بر لب داشت و در واقع شعر

اقبال لاهوری را که یکروز پیش از مرگش سروده بود می خواند ، اقبال علیه الرحمه گفته بود :

نشان مرد مؤمن با تو گویم
که چون مرگش رسد خندان بپرید
و در نیمه های شب دوشنبه بتاریخ
۲۹ آگست سال ۱۹۶۶ « بادوتون
از هفکرانش محمد یوسف حواش و

عبد الفتاح اسماعیل بدار آینه شدند
« إنا ش و إنا إلیه راجعون »
روز شهادت سید آن روزیست که مسیر تاریخ را دگرگون ساخت آن روزیست که زمین و آسمان نوحه سروند و گریستند ، خاطرات این شخصیت گرافایه را فراموش نخواهیم کرد چگونه فراموش کنیم ؟ استواری قلب ترا و ثبات انگشتان ترا . آنگاه که اعلان نمودی « حقاً شهادت انگشت سبابه در فازی اختصاص توحید به ذات اقدس یگانه و ترد نمودن طواغیت از ساحمه توحید بوده و برای اعلان این مطلب قد علم کرده است » .

تأسف و اندوه مسلمانان ازین جهت نیست که پایان زندگی سید قطب آنچنان شد که مورد آرزوی وی درنوشه هایش بود ، بلکه غم و اندیشه مسلمانان برای آنست که مسلمان مبارز و دانشمندی را که ۵۵ سال داشت و اندیشه ها و افکار اسلامی و انقلابی او به اوج شگوفانی خود میرسید از دست داده و از آثار گرافایه همچو انسان غونه و بزرگ ، عروم مانده اند :

عرض تبریک

اداره حق پاخون حلول
عید سعید فطر رابه
کافهء مجاهدین دلیر ،
مهاجرین آواره و انصار
عزیز از صمیم قلب تبریک
و تهنیت گفته ، از خداوند
بزرگ التماس داریم تا
آینده همچو ایام فرخنده
اسلامی و تاریخی را
در زیرسایه حکومت
اسلامی در افغانستان
از ابد برگزار نماییم ۰

اداره

حلقه دوم

خلافت اسلامی

احادیث پیامبر در مورد خلافت (حکومت اسلامی)
اهمیت و ضرورت دولت اسلامی به استناد آیات
قرآنی در بحث قبلی ثابت گردید.

اکنون لازم است تا درین زمینه به نقل احادیث
و آثار نیز پرداخته شود زیرا با نقل این احادیث بطلان
ادعای دشمنان ثابت می گردد که دین را از سیاست
 جدا می دانند و همچنان بعضی از اصول و آداب دولت
اسلامی نیز روشن می گردد.

اینک درین باره بعضی از احادیث انتخاب نماید و رهبر دولت اسلامی
و پادر تقدیر داشت اختصار در ترجمه و امام الصالین یعنی یسحاق مسلمانان
تشریح «نقل می گردد» می باشد.

احادیثی که درین باره قلم می شود
تحت عنوانی مختلف ذکر گردد یعنی است
 قادر و قدم درست آن به سهولت میسر
 خلافت یش از همه مشهور بوده آنها گردد.

۱- خلافت اسلامی رحمت خداوندی
 یعنی دلیل که حکومت اسلامی دنیا است
 رسول الله (ص) کار می کند. امارت تمام
 می باشد:

دیگر حکومت اسلامی است زیرا حکومت
 برای امر و حکم تاسیکیل می گردد
 بنام امامت نیز یاد گردیده است زیرا که
 لست را رهبری و رهنسانی می انیرفعها اذ اشاع
 تکون نیز می گردد. فیکم ما شاء الله
 تکون الدبوة فیکم ما شاء الله
 ان تکون ثم یعرفها اذ اشاع
 لست را رهبری و رهنسانی می انیرفعها، ثم تکون خلافت علی

ذ خیره هنگفت احادیث و آثار درباره
 حکومت و سیاست اسلامی در کتب
 حدیث موجود است و اگر قطع کتب
 الاحکام «صحیح بخاری»، «کتاب الاملاء»
 «صحیح مسلم» و «کتاب الخلافة»
 جامع الامـول این اثیر دقیقاً مورد مطالعه
 قرار گیرند چو کلت بندی سیاست سیاسی
 و قضائی اسلام کاملاً روشن و ذهن نشین
 می گردد رویه مرتفعه در ایواب مربوطه
 ابو داؤد ترمذی، نسائی، مسند احمد،
 مجمع الزوائی و مسیط امام مالک، المصطفی
 عبدالرزاق و کنز العمال نیز کجینه
 گرانیها ایین احادیث محفوظ است.

منهاج النبوة فتكون مأشاء الله
ان تكون ثم يرفعها ، ثم يكون
ملكاً عاصماً فيكون مأشاء الله ان
يكون ثم يرفعها اذا شاهد يرفعها
ثم تكون ملكاً جبارية تكون
ماشاء الله تكون ثم يرفعها اذا شاهد
ان يرفعها ، ثم تكون خلافة على
منهاج النبوة ثم مكنت

پیامبر (ص) فرموده اند که در میان شما
نبوت حکمفرماخوا هد بود تازمانیکه
خدابخواهد وزمانیکه خدا خواست آنرا
بر میدارد . بعداز آن خلافت که بر
روشنبوت کار نماید خواهد آمد و تا
زمانیکه خدا بخواهد ادامه خواهد
داشت و زمانیکه خدا (ج) خواست
آنرا نیز برمیدارد ، بعد آن دوران پادشاهی
گزند خواهد آمد و تازمانیکه خدا
(ج) بخواهد ادامه خواهد یافت و
زمانیکه خدا (ج) آنرا بر سیدارد و بعد
از آن پادشاهی جبر و خشونت خواهد
بود و تازمانیکه خدا (ج) بخواهد دوام
خواهد کرد وزمانیکه خدا (ج) خواهد دوام
آنرا نیز برمیدارد داشت وبعد آن باز
هم خلافت بر روشنبوت خواهد آمد
و درینجا پیامبر (ص) سکوت کردن
راوی این حدیث حبیب (رض)
میفرماید که من این حدیث را برای
یکن از دوستان حضرت عمر بن عبدالعزیز
(رض) یعنی یزید بن نهمان نوشته
فرستادند او از نظر کردن که پیشکوئی
خلافت بر روشنبوت بعداز پادشاهی
جبر و خشونت همین دوران خلافت
حضرت عمر بن عبدالعزیز است . یزید

ابن نعیان این حدیث را به حضرت
عمر بن عبدالعزیز (رض) بیان داشتند
و آنچنان بسیار زیاد خورسند گردیدند .
از حدیث فوق برمی آید که هر
حکومتی که بر شیوه پیامبر (ص) عمل
نماید ، مردم را خواهد گزید و اذیت
و آزار خواهد داد و یک حکومت جابر
و ظالم خواهد بود که بر پایه جبر
و اختناق استوار بوده و عمل آن نیز
مبني بر ظلم و خشونت خواهد بود
۲ - در یک روایت حضرت معاذین جبل
و ابو عبیده این جراح (رض) آمده است
که دوران نبوت و خلافت ، عهد رحمت
خداوندی دوران پادشاهی ، دوران
فساد و شراب نوشی می باشد .

۳: حضرت سفینه رضی الله عنه
می گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرموده اند .

«مدت خلافت بر روشنبوت در

امت من می سال خواهد بود و بعد
پادشاهی خواهد آمد»

حضرت سفینه (رض) از شاگرد
خویش پرسید که مدت خلافت حضرت
ابو بکر ، حضرت عمر حضرت عثمان
و حضرت علی رضی الله عنهم را حساب
کن و وقتی که شمرده شد
می سال گردید .

سعید بن جمهان شاگرد حضرت
سفینه (رض) می گوید که من
(به استاد خویش) گفت : بنو امیه نیز
خود را خلفاء می خوانند ، حضرت
سفینه در جواب گفت : دروغ میگویند

هل هم ملوک من هر الملوک
یعنی آنان پادشاهان بودند و بدترین
پادشاهان .
در حدیث فوق خلافت و سلطنت
بعیث دو نظام متضاد معرفی گردیده اند
خلافت یک حکومت پابند شریعت و
پیرو منت بوده که رحمت خداوندی
می باشد و سلطنت حکومت مطلق العنان
یک فرد بوده که با جبر و خشونت
عمل می نماید .

هر گاه اسور دولت اسلامی از
امور دین نمی بود ، هر گز به نبی
منسوب نمی گردید بس معالم که
حکومت و سیاست بر شیوه نبوت نیز
از امور دین محسوب می گردد
۱: لغایت حکمران عادل

۲: عن ابی هریرة قال النبی ص
سبعه بظلمهم الله فی ظله يوم

لاظل الا ظلة الامام العادل ..

الحدیث .

حضرت ابی هریرة روایت میکند
که پیامبر (ص) فرموده اند : هفت قسم
از مردم را خداوند (ج) در پناه سایه
خویش جامیدهد در روز یکدهیچ سایه
جز سایه او تعالی وجود نداشته
باشد

اول سلطان عادل ...

از یک روایت سنن سعید بن منصور بر می
آید که مراد از سایه خداوند (ج) سایه
عرش میباشد ولی قاضی عیاض می فرماید
که منظور ازین سایه درجه مخصوص

هشت - عن أبي عباس قال
قال رسول (ص) يوم من أيام
عادل أفضل من عباده سبعين
وتحقيقه في الأرض بحقه أذكى
فيها من مطراً وبعين
صباحاً

ترجمه - «یک روز حکمران عادل
بهتر است از شخصیت سال عبادت نهانی
و تطبیق یک مجازات شرعی که توأم
با حق و انصاف باشد بیشتر از چهل
روز بارش بر برگت میباشد»

٩ : عن أبي هريرة قال قال
رسول الله ثلاثة لا ترد دعوتهن
الصلائم حتى يفترو ولا مام
العادل و دعوة المظاوة

بر منبر نور و مراتب پرورگ دانسته
است، بنا برین معلوم گردید که
حکومت بالعدل یک نوع عبادت
میباشد

«دعای سه تن در نی گردد: روزه
دار، حکمران عادل و مظلوم»

در این احادیث فضیلت عدل و انصاف
بیان گردیده و در کنار آن به حکمران
بشارت سایه رحمت خداوندی نشانیدن

سپرده میشود در اجرای آن نیز انصاف
را رعایت میکنند

امام نووی می فرماید که خلیفه
امراء ما تحت و قضات هم شامل این
فضیلت میگردند

٩: عن أبي سعيد الخدري قال
قال رسول الله (ص) إن أحب
الناس إلى الله يوم القيمة وادنا
هم منه مجلساً أماماً عادل و
أبغض الناس إلى الله و أبعد
هم منه مجلساً أماماً جابر

«در روز قیامت محبوبترین
و نزدیکترین مردم نزد خداوند امام
عادل خواهد بود واز هم بیفوخر تر
از خدادورتر حکمران خالیم خواهد بود»

٧: عن عمر بن الخطاب
قال قال النبي (ص) أفضل الناس
منزلة يوم القيمة امام عادل
رفق وشر عباد الله منزلة يوم
القيمة امام جابر خرق

ترجمه: «در روز قیامت به پیشگاه
خداوندانهای مرتبه والا حکمران عادل
خواهد بود که حلم و ملامت داشته
باشد بدترین شخص حکمران ظالم خواهد
بود که بر مردم سختی و شدت روا
میدارد»

مانطوریکه مقاومت مجاهدین ولشکریان توحید هیولای
و حشی کمونیزم را به شکست و رسمائی کشانید باندهای
کفری والحادی دیگر چون مائویستها،
امپریالیستها و نشنلیستها نیز در افغانستان محکوم به شکست
قطعی اند.

کرامت و شرافت یعنی مایه رحمت
خاص میباشد

امام نووی از قاضی عیاض نقل قول
کرده است

«مراد از امام عادل مسؤولین حکومت
و زمامداران دولت است که امور
مصالح و بهبود مسلمانان به آنان سپرده
شده باشد» و حکمران عادل بدین لحاظ
در درجه اول ذکر گردیده است که فواید
و مصالح آن نسبت به مشخص قسم دیگر
از مردم بیشتر میباشد»

این حجر در فتح الباری (شرح بخاری)
نوشته است که :

«مراد از امام عادل زمامدار دولت
است و به اشخاصی که مسؤول امور
مسلمین باشند و با عدل و انصاف ایقای
وظیفه نمایند» نیز این درجه نصیب
میگردد»

٥: عن عبد الله بن عمر قال
قال رسول الله إن المقطفين
عند الله على منا بمن نور عن
يعين الرحمن عزوجل وكلتايديه
يعين الذين يعدلون في حكمهم
و اهليهم وماولوا.

از حضرت عبد الله بن عمر روايت
شده است که رسول (ص) فرموده اند
که اهل انصاف برمتابر نور درست
راست خداوند خواهند نشست و هر
دوست دست او راست است اینان کسانی
اند که در امور حکومت نیز از انصاف
و عدالت کار میگیرند و در میان اهل
خانواده خوبیش نیز با انصاف عمل
می نمایند و مسؤولیت هایکه به آنان

دیروت‌الاسلامی

میان

سکھنگپری و ناپنپری

او در فهم دین و تطبيق آن است
که چگونه با پروردگارش معامله، یکنند
چطور با خود و اهلش و مرد مان
ماحولش معامله می‌کنند^۱ در حالیکه به
دادن حق هر ذی حق با کمال توازن
و اعتدال رسیدگی مینماید.

عيوب و آفاتی که غالباً در دین

در پی دارد:

تحذیر و یم دهی شرع از حدگذرنی
و غلو بخاطر آنست که در آن عیوب
و آفات اساسی است که همیشه با آن
هیکام و همراه است^۲ که آن جمله است

عیب اول:

این پدیده نقرت آور است و طبیعت
بشر عادی نیتواند آنرا تحمل کند
و برآن صبر نماید^۳ اگر جمعیتی برآن
صبر و تحمل کنند^۴ اما عامه ایشان
برآن صبر نتوانند و قوانین شرعاً عame
و جمهور مردم را مخاطب قرار میدهد
نه یک گروه دارائی مستوای خاص
را^۵ و بهمین جهت بود که پیامبر
صلی الله علیه وسلم به یار گرامی
خویش معاذین جبل (رض) غضب و قهر
نمود^۶ چون او زمانیکه به مردم نماز
داد در نماز دراز گرفت تا آنکه یکی
از ایشان به پیامبر صلی الله علیه وسلم
شکایت نمود پیامبر (ص) برای معاذ گفت:

انتان آنت یا معاذ^۷

ای معاذ! آیا تو مردم را در فتنه
می‌گذاری^۸ این سخن را سه بار تکرار
کرد.

(روایت این حديث را بخاری نموده است)

و هم زنگ این واقعه^۹ باشد و

۷۱—حق پاگشون

ترجمه و نگارش: عبدالحق جنتیه

این آیت نازل گردید.

(یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا...)

ای مؤمنان حرام نگردا نید

پاکیزگی هایر آکه خداوند آنرا بر شما

حلال کرد انسیده)

در صحیحین از عائشہ رضی الله

عنها روایت است: جمعی از یاران به

پیامبر صلی الله علیه وسلم از زنان

پیامبر (ع) از عمل او در پنهانی پرسیدند

و چون جواب از عمل وی در یافتن

آنرا کم و ناچیز شمردند^{۱۰} بناً بعضی

ازین جمع گفت: بن گوشت نخورم

و بعضی دیگری گفت: من زن به

نكاح نگیرم بعضی دیگری گفت: من

بر فرش نخوابم^{۱۱} زمانیکه این خبر به

پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید گفت:

چه شده است حال اقوامی را که یکی

از ایشان چنین و چنان میگوید^{۱۲} اما

من روزه میگیرم و افطار میکنم^{۱۳} و

خواب مینمایم و شب زنده داری میکنم

و گوشت میخورم وزن به نکاح همی

کیرم^{۱۴} و کسیکه از سنت من روی

برتابد^{۱۵} او از من نیست.

و هدف از سنت آن بزرگوار

صلی الله علیه وسلم — راه و روش

در سبب نزول این آیات آمد

است که: جمعیتی از اصحاب

بیا مبرصلی الله علیه وسلم می‌گفتند:

شمگاه خود را قطع میکنیم^{۱۶} و

شهوات دنیا را ترک و یکسومیگذاریم

و در زمین چون رهبان میکرد یم

و همچنان روایت شده که مسدان

چند خواستند که رابطه خود را از

هر موجودی قطع کنند^{۱۷} و یاخود را

آخته مازنلوباس رهبانیت به تن کنند

لذا این آیت نازل شد.

وجاء عن ابن عباس رضی الله عنهما أن رجلاً

أتى النبي صلی الله علیه وسلم

فقال يا رسول الله أني إذا أكلت

من هذا اللحم انتشرت للنساء

وأني حرمت على اللحم فنزلت

يا ایها الذین آمنوا لاتحرموا...

(ذکر هذه الروایات ابن کثیر فی التفسیر)

از ابن عباس (رض) روایت است که: مردی

نژد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد

و گفت: ای رسول خدا (ص) من چون از

این گوشت بخورم اشتها یم بسوی

زنان بیشتر میشود^{۱۸} و من بر خود

خوردن گوشت را حرام گردانیدم: بس

غصب هرچه بیش از حد که دیگر چنین غضبی ازو «ص» دیده نشده بود برای امام گفت : آن منکم متفربن من ام بالناس فلتتجوز، فان خلفه الکبیر والضعیف وذا الحاجة رواه البخاری از شا اما مان کسانی است که مردم را از خود دور می کند کسیکه به مردم امانت کرد باید کوتاه گیرد، زیرا پشت سر او سالخورده و ناتوان و حاجتمندان ایستاده اند.

و بهمین دلیل زمانیکه پیامبر ﷺ معاذ و ابو موسی را به یعنی فرستاد آن دو را با این قول وصیت نمود.

(بسرا ولا تعصرا، وبشرا ولا تنفرا، وطاوعا ولا تختلفا...)
بر مردم آسانگیرید و سخت نگیرید و به ایشان مزده دهید، و آنها را از خود نه رانید، و از هم اطاعت کنید و باهم اختلاف نکنید...

و عمر رضی الله عنه گفته است خداوند (ج) را در نظر بندگان بد جلوه نشانید، بطوریکه یکی از شمايان امانت کند و نیاز را بر مقتديان دراز گیرد، تا آنکه این حالت ایشان را ملول سازد.

عیب دوم :

طول عمر از حد گذری و غلو کوتاه است و استقرار بر این حالت عادت‌آمیسر نیست زیرا انسان موجودیست ضعیف و ناتوان و طاقت و ناتوانی اش محدود و ناچیز، اگر وی روزی را بر سختی و دشواری سپری کند چندی نگذشته

که مرکب ان در نیمه راه مانده و اورا از ادامه درمسیر باز میدارد... یعنی توانائی روحی و جسمی اش را از دست داده و نا امید باز میگردد و حتی انجام عمل اندک را نیز ترک میکند، و یا آنکه راه دیگری غیرراهی که برآن بود، یعنی از افراط بسوی تقریط واژتشدبه تساهل انتقال نموده و به آن خوب میگیرد، ولا حول ولا قوة الا بالله.

و بسیار اتفاق افتاده کسانی را دیدم که روزگاری به تطرف و تشدد معروف بودند، سپس هنگامی که من از آنها دور افتادم و یا آنها از من دور افتادند از احوال ایشان بازجوئی نمودم دریاقتم که ایشان یا در خط دیگری رفته و بر عقب برگشتند، العیاذ بالله یا ازان عمل قطع و خود داری نمودند بگونه منبت که در حدیث ذکر از آن آمده است.

(فلا ارجضاً قطع ولا ظهرأً ابقى)
رواه البز از عن جابر بستاناد ضعیف نه فاصحه را طی کرد و نه حوصله مرکبیش باقی ماند.
مراد به منبت کسیکه مرکبیش از پای مانده باشد و همراهانش او را یکه و تنها گذاشته بروند.

از همین جاست که پیامبر ﷺ باحرفا یاش چنین توجیه نموده میفرماید : خود را بقدر طاقت که دارید به انجام اعمال مکلف سازید زیرا خداوند (ج) هرگز ملول و خسته نمیشود تا آنکه خود خسته و ملول

نشوید، و هر آئینه معبوب ترین عمل نزد خداوند (ج) با دوام تر آنست هر چند کم و ناچیز باشد.

از این عباس روایت است که وی گفت : پیامبر ﷺ کنیزی داشت که روز را روزه میگرفت و شب را زنده داری میکرد، پس برای پیامبر ﷺ گفته شد که این کنیز روز را روزه میگیرد و شب را زنده میدارد پیامبر ﷺ فرمود : هر عملی را تندی و نشاط است و برای هر تندی و نشاط سنتی و کسالت است کسیکه عملکرد او مطابق سنت من بوده باشد راهیاب گردیده است و کسیکه عملکرد او غیر این بوده باشد به تحقیق گمراه شده است.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و سام برای عامسه مکلفین چه وصیتی نیک نموده است وصیت به میانه روی و اعتدال، و تلاش غالب آمدن بر دین نه نمایند که مغلوب شان می‌سازد و باشد در مقابل آن نه ایستند که مقهور می‌شوند پیامبر صلی الله علیه و سام فرمود : ان الدین یسروان بشاد . الدین احد لا غلبہ فسد دوهو قاربو او باش رو... (رواہ البخاری و النسائی) علامه مناوی در شرح این حدیث گفته است.

در دین آسانی است، و هیچ یکی در عبادت و تمرک آسانی چون رهبان فرونمیرود، مگر اینکه عاجز می‌اید و سرانجام مغلوب می‌شود... «فسد دوا» یعنی راه اعتدال و میانه را پیشه

کنیدو بر گزینید، چون این راه بدون افراد و تقریباً همچو است.. «وقاربوا» یعنی اگر تو انتید آکمل را بجا کنید پس با آنچه که قریب به آکمل است عمل نمائید. «وابشووا» مزده دهید به پسادش و ثواب و عمل پیوسته و مستمر هر چند اندک و ناچیز باشد.

عیب سوم :-

غلو و حد گذری خالی از ظالم و ستم بر حقوق دیگری که باید سراعت گردد و فرایض و واجبات که لازم است ادا شود، نمی باشد، سخن یکتن از حکماء چقدر درست و برجاست که گفته: هیچ اسرافی را ندیدم مگر اینکه در کنار آن حق ضایع افتاده است پیامبر صلی الله علیه وسلم به عبدالله بن عمرو زمانی که از حال وی و فرورفتن اش در عبادت بحدیکه حق ادل و عیاش را فراموش کرد و بود اطلاع یافت گفت: «آیا من خبر ندارم یعنی بن خبر نه رسیده که تو روز را روزه» میگیری و شب را بر میغیری؟ عبدالله گفت: «گفتم بلی ای رسول خدا.. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «چنین نکن هم روزه بگیر و هم انتظار کن، هم بر خیز و هم بخواب برو، زیرا بدنست بر تو حق دارد و چشمانت بر تو حق دارد، و مهمانت بر تو حق دارد یعنی حق هر کدام را باید ادا کنی و دریک جهت به حساب دیگری زیاده روی مکن.

همچنان صحابی فقیه و دانشمند سلمان

فارسی (رض) به برادرزاده و پارسا یش گفت: «بغواب: پس خواهد. ساعت بعد این الدردا (رض) «که پیامبر صلی الله علیه باز خواست برو شب زنده داری کند سلم و در میان آن دو عقد برادری بسته بود ملء آن را یش گفت: «خواب، و چوز آخر بعد از آن دوستی والفق در میانشان شب فرار می‌سید سلمان گفت: «الآن افزوده گشت و تکلیف و مشقت‌های بوخیز: پس هردو نماز گذاریدند سپس سلمان برایش گفت: «به تحقیق شان کاسته گردید»، گفت: سلمان به زیارت برادرش ابو دردا رفت پس آم دردا همسر ابو درداء را حقی است از نفس و حقی از اهلت و برای هر ذی حق، حق خودش را ملپس بهلبان خسیس و جروکیده یافت و برایش گفت: این چه حال است؟ و پیامبر (ص) آمد و این امر را بروی تراچه شده؟ آم درداء گفت: «برادرت ابو دردا هیچ حاجت و اعنتایی به دنیا عرض کرد پیامبر (ص) فرمود سلمان راست گفته است.

و در روایت ابن سعد آمده که پیامبر (ص) گفت: «سلمان بر از علم است» اما اینکه تطرف دینی چه مفهومی دارد؟ و مقصود ازان چیست و صفات شاخصه آن کدام است؟ و چه وقت انسان در دین حد گذر نماید؟ می‌شود؟! سوالاتی است که در صفحات آینده به حل آن خواهیم برداخت.

دی جهاد د اسلامی امت پاره دعوت در واژی پرانستی دی

ابن‌جینز احمد شاه (احمدزی)،

ما و شهادی بخون خفته

غوینده: - (برکی)

د هات ، قصبات و دامان کوهپایه های سر بغلک
کشیده و وجب وجب سر زمین اسلامی ما با خونهای
پاک شهادی جهاد اسلامی و سرنوشت ساز و تکین شده
و محلی از کشور بخون غنوده مانیست که در آنجا تنی
چند از شهادی انقلاب اسلامی مدفون نباشد .

شهادی نازنین جهاد حقه و حمامه آفرین بعد از اینکه
تا های جان از عقیده اسلامی ناموس ، حریت واستقلال
سیاسی و اجتماعی کشور مجاهد پرور و مرد خیز
افغانستان دفاع و پاسداری نمودند و به قیمت خونهای
پاکیزه و بی آلایش که در شرائین وجود شان در جریان
بود ، در راه به ثمر رسانیدن اهداف والای جهاد که
استحکام نظام اسلامی در افغانستان است از سیمیر مرام
مأصلی کوچکترین انحراف واعوجاج از خود نشان ندادند .

همان وعده و پیمان که در جهاد
بانیان تعریک اسلامی و پروانه های
فی سبیل الله با آفریدگار خویش بسته
شمع فروزان اسلام (شهادی اکرام)
بودند به راستی و درستی انجام دادند
مکلفیت ایمانی اعمال نورزیده و تا
در اداء فریضه عینی جهاد حسب
ایشاره گزی ، شهامت و پایداری را
میباشد .

در واقع هر قطره خون شهید
کلگون قبای رستاخیز عظیم انقلاب
اسلامی نیروی معنوی نهضت شکوهمند
ما را تشکیل داده و هر آن روحیه
ایشاره گزی کردن خوش رسی بخاک و خون غلطیدن
برای حامیان سنگر اسلام و شیفتگان
بلی : پیشتر زان و دلباختگان
مکتب یکتا پرستی الهام بخشیده و
جهش اسلامی بمصدق اق این حکم
خداآنند یکتا و بی همتأ (ج) (لئن من
قاضی نعمه) در راه بسر رسانیدن
متعهد گردیده است مرهون تخطیط

کافی است و معامله ما بخاطر ارضی
خدا (ج) اقامه شریعت غراء محمدی و
مرای آخرت است بگذار ارجاعیون و
طواغیت جهان هر گونه تلاش و مساعی
رذ یلانه را بخرج بدنه و لی تصمیم
ما قاطع است و موقف ما آفتانی و آرمان
ماوشدای گلگون کفن ماقطع حکومت
اسلامی است.

اندیشه سنگر نشینان

ابوعمر

با که در دل گویم، از که
شکوه نمایم. چطور آرمان نهائی
را بر ملاسازم نمشاعرم که آن کلمات
رادر رشته آهنگ دار کشم. نه نویسنده
ام که جملات نفر انشا کنم. مال ها-
ست که دلم بر فی پاره های آتش
بسوت و فریاد کشید نه یاری بود
که بر شراره های آن آب ریزد و نه
برهستاری که زخم های خونچکانی
شستشو کند. از شدت این سوختی ها
و اشک ریختن ها جگرم داغدار شد.
شعله های این آتش خانمان سوز دودش
پیشتر از پیش شراره میکشید دارنده
از دارائی خود مغورو و با فساد
سردمداران سرمی جنبانید. طبقه هیج ندار
با زندگی بخور و نمیر دست بگریبان
بود. جو این روزگار زمینه را برای
فعالیت کافران مساعد گردانید، دشمن
با خد عده و تزویر عده ای از جوانان
قرو مایه را صید خویش ماخت دولت

نهجه حکومت را شد اسلامی
در افغانستان در شرف تدوین و تکوین
است و با صدور اعلامیه حکومت
اسلامی در افغانستان دشمنان دیرینه
آنها در صدد سرکوب نمودن نهضت
اسلام نگونسار شده و امیال شوم آنها
نقش بر آب خواهد شد. ما خسون
راستان قامت توحید را با وقار و عزت
حافظت مینمائیم و در مقابل هیچش
بفر و ش نمیر مانیم این وظیفه بنیادی
و ایمانی هر فرد مسلمان است.

سازش، صلح و سلم در شرایط
فعلی که دشمن شکست خورد ده در
حالت دفاعی قرار دارد معنی اعتراف به
شکمت تحریک اسلامی را دارد و حل
قضیه افغانستان تا آنکه طرف اصلی
آن مجاهدین و روشهای قرار نگیرد
مععمله به کدام نتیجه مشتبه نمیرسد
و برای مسلمانان مجاهد قابل پذیرش
نیست.

کفر جهانی از تأسیس حکومت
مجاهدین در افغانستان نگرانی و تشویش
دارد و مذبوحانه در تلاش است تا
حکومتی نیم بند قلابی (ائلانی) را از
طرق مذاکرات ژئو و توافق روس
و امریکا طرح و تشکیل دهد. و
این خواب و خیال است و محال.

مگر تفکداران انقلاب اسلامی
و سربازان توحید تا خروج آخرین
فرد روسی و سرنگونی رژیم العادی
و کفری و دواعی آن مقاومت را
پیشتر و تندتر خواهند ساخت.

برای ما دسا تیر و ارشادت
خداآن لایزال و پیامبر گرامی اش
م

پرشاھراه شهادت قرار داردند.

در شرایط حساس کنونی که
استعمار شرق و غرب و حلقه های طفیلی
آنها در صدد سرکوب نمودن نهضت
اسلامی و وارونه نشان دادن موافقت
قطع و حق بر جا نسب مجاہدین
بدسایس و توطئه های شیطانی و طاغوتی
متوصل شده اند تا امت اسلامی را
که در حقیقت جهاد اسلامی افغانستان
برای آنان روح تازه دمیده، باز با
کید و مکر به اسارت، ذلت و حقارت
بکشانند و از اقامه حکومت اسلامی
در افغانستان جلو گیری بعمل آورند.
نتایج و دست آوردهای ده ساله
جهاد را بنام های اغواگرانه و مکارانه
(حکومت ائتلافی) و بی طرف! همان
گرگان انسان نما که امروز در ار و پا
و امریکا در فحاشی و عیاشی و بادمه
گساري بسر می بزند باز بر اریکه قدرت
در افغانستان پنشینند و ملت مؤمن
و هدفمند مارا یکبار دیگر دست و
پا بسته به چنگ اژدهای سرخ کمونزم
و یا کسلام ابرذلت استبدادی دیگر
جهان تسليم نمایند.

این آمال و خواهشات دشمنان
محفوی و علنی جهاد اسلامی بفضل
خداآن بزرگ کوچکترین اثری را
در عزائم و تصامیم زهی بران هد فستند
جهادی و مجاہدین متبعه و ارد
نخواهند آورد و ما نخواهیم گذاشت
که خون پیش از یک و نیم میلیون شهید
پایمال مؤامرات و دسایس دشمنان
تعزیک اصیل جهاد و انقلاب اسلامی
شده و جها نخواران از آن بهره مند
گردند.

دریاری ایشان بقای خوبی را جستجو مینمودیناً این دشمن جامعه را هیچ نگفت اما در سرکوبی پروانه های اسلام شمشیر از نیام کشید طفیان این روند اشار مستضعف را مستضعف تو ساخت فتوفاوگی بر آکثربت حکمفرما شد . جهل و نادانی در جامعه شیوع یافت در مقابل صادرات کشور که اقلیم مهم آنرا میوجات تروخشک تشکیل میداد در قیمت سلاح های زنگ زده و موریانه خورد که (امروز بسینه ما شلیک میشود) دشمنان عقیده ما گسیل میشد ظلم و فساد دولت به حدنهای خود رسید کارد به استخوان و نفس به گلو نزدیک شد اشار آگاه با یقین شد که بقای نظام ظالم و فساد سبب تضعیف اسلام و تزئید الاعدادر کشور میشود . دست درکار شدند تا ملت دور نگهداشته از علم و عرفان را از خواب بیدار کنند . این دسته از روشنگران با کیمیت محدود و کیفیت سرشار با سلاح ایمان و مست های گره شده در نابودی مهرهای دشمن و علل فاقعگی ، نفس های خفه شده خود را ازینه در جاده ها بیرون نمودند با آواز رسانعه زدند : مرگ بر دشمنان اسلام ، نابود باد قدرت پوشالی حاکمه که بر مات مستضعف ما با ب داش و تمدن را بسته است .

دستگاه اطلاعاتی روسیه که بیویه این گذارشات را به ارباب خود منی فرستاد و از همه فساد دولت و خشم ملت آگاهی داشت کاخ کرمیان را از

نیواقضیه حل سیاسی افغانستان را دنبال مینماید . این استکبار جهان بداند ملتیکه با دست تهی دو مدت ده سال باوحشی ترین ابر قدرت جهان پنجه فرم نموده و با راست بودن عقیده خود از میدان جنگ پیروز بیرون شده چطور در برابر این دیسسه‌های دشمنان اسلام راضی میشود . ما بخاطر ایمان و عقیده خود یک‌نیم میلیون شهید داده ایم وارثین انقلاب ما را صدها هزار یتیم بیوه و معیوب تشکیل داده است ما بجز از انقلاب اسلامی آرزوی نداریم تا پیروزی کامل از سنگرهای جهاد پاسبانی مینماییم یگانه چیزیکه دردها و رنج های ما را تسکین می بخشد بر افراد شدن درفش اسلام در کشور آغشته بخون و حاکم شدن قرآن بزرگی ماست و بس .

ما بر استکبار جهان میگوئیم بگذارید کمکت پلاکشیله ما سر نوش خود را خود تعین کند . کشور ما یک کشور غیر منسلک است نباید ابرقدرت ها از پیروزی ماحراس نمایند در غیر آن قسمیکه روسیه متباوز راه بیرون شدن را گم کرده امریکا و مهره هایش در گل کیر خواهد شد ملت مسلمان مادوست و دشمن را آگاهانه شناخته است کفار ملت واحد است ملت ما بگرد سنگ قرآن بسیع شده است تا پیروزی اسلام جهاد با هر کس ادامه دارد .

برو این دام در جایی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه

سازمان جهاد فدای

کی "جی" بی
k-g-f

توبیه: عبدالفتاح شفیق

مکتب العادی کمونیزم از بدئو بقدرت رسیدن در کومن، طرح پلان های شیطانی را جهت بلعیدن جهان سوم و کشور های مستضعف، و اغفال نمودن اذ هان ملت ها همچو صیاد ماهر جهت تحقق اهداف شوم که هما نا سلطه استکبار کمونیزم در جوامع بشری و اجتماعی هر نوع دین و مذهب، آزادی و حریت از بساط جوامع اسلامی و انسانی است. سازمان جاسوسی کی، جی، بی را تشكل دادند.

به سازمان جلسی کی، جی، بی مارکسیست دوین کشور به رهبری لینن لعن در سال ۱۹۱۷ م تشکیل شد این سازمان ازدواداره تشکیل شده است یکی اداره سیاسی امنیتی کی، جی، بی که مسئول حفظ امنیت داخلی و جاسوسی خارجی است، دیگری اداره کل اطلاعات ازتش سرخ یا جی، آر، یو که مسؤول کنترول دقیق ارتشی ویکهار- چکی آنها است. مرکز فرمائندگی کی، جی، بی در فاصله دو کیلومتری خیابان از کاخ کریملن و در میکی از میدان های بزرگ ماسکو بنام میدان

تا از طریق شبکه های جلسی خود عده از افراد مزدور، وطن فروش مغورو خود خواه و بی شخصیت وجه طلب و ملحد که همچوانسانها در جوامع اسلامی امروزی مادبیونهوار به قدرت رسیدن را از سالهای سال انتظار دارند، وسیله بخاراط تحقق و تغییر آرمان پلیدوشوم و مذاсанی و استعماری خود استفاده نمایند و نمودند که کشور های سوریه، لیبا، حکومت دست نشانه و بیوشالی کابل نموده از آنها است، و حال نگاهی مختصری

«زرزنیسکی» قرارداد ساختمان مذکور که اطاقهای آن بادیوارهای زره پوش و آهنین پوشانیده شده است، و به دو- قسم تقسیم گردیده.

۱- اداری - ۲- محل نگهداری زندانیان سیاسی میباشد.

ساختمان مرکز «جی آر یو» هم در همین میدان و در مقابل دفتر مرکزی کی «جی» بی واقع است عملیات عملیات کی «جی» کی راعمو-آحزیب کمونست روی تصویب میکند و حزب کمونست از طریق قسمت های اداری خود کارهای روزانه کا «جی» بی را پیوسته زیر نظر دارد کار مندان کا «جی» بی در تمام مرحله خدمت خود از نظر سیاسی تحت نظر قرار دارند با وجودیکه اکثر کار مندان این سازمان عضو حزب کمونست میباشد.

باید از انطباط حزبی بر خوردار باشند و در جلسات مداوم آموزشی حزب شرکت کنند.

تشکیلات داخلی کی، جی، بی
سازمان جاسوسی کی «جی» بی به چهار اداره کل، هفت اداری مستقل و شش بخش کوچکتر که هر یک تقسیمات بیشتری را شامل میگردد تقسیم میشود.

اداره کل اولی که از پنج اداره کوچکتر بنام های «اداره غیرقانونیها»، «اداره علمی و فنی»، اداره طرح و ریزی و تجزیه و تحلیل، اداره انحراف افکار عمومی و اداره عملیات اجرائی و همچنان دوسرویس اطلاعات و فهد اطلاعات

تشکیل گردیده، مسؤولیت عملیات خارجی سازمان در خارج از کشور شوروی را بعده دارد.

و ظیفه اداره کل دومی کنترول دقیق خارجیان مقیم شوروی است سومین اداره کل سازمان کی «جی» بی برگاردهای مرزی نظارت دارد و بالاخره اداره کل چهارم نیز بر عملیات علیه مردم شوروی و حفظ امنیت سیاسی کشور ناظر میباشد.

تعداد مأموران سازمان جاسوسی دقیقاً شخص نیست ولی واضح و روشن است که این سازمان در سراسر جهان با قوت و ضعف مصروف فعالیت اندبنابر اظهارات یکی از جاسوسان کی «جی» بی کشیده در سال ۱۹۸۱ - م به غرب پناهنده شد کفت: که تنها (۰۵۰۰۰) ماه و روسی خارج از کشور به جاسوسی مشغول اند.

به اعتقاد کمونست ها هو فرد باهوش را میتوان با آموزش های لازم در مدت طولانی یک جاسوسی درجه اول بدل ساخت تا در خارج کشور به مأموریت جاسوسی ادامه دهد. برین اعتقاد جاسوسان کی «جی» بی باید به لسان واواع کشور مورد نظر چنان آشنا شوند که نتوان آنرا از مردم اصلی آنکشور به آسان شناخت جاسوس های کا جی بی، دوره های حامی جاسوس را در پوهنتون های متعدد در نقاط مختلف کشور شوروی میامو زند.

واعضاً کی جی بی در جریان آموزش به لهجه های محلی مردم

کشور های خارجی آشنا می شوند. قامند مردم این کشور سخن بگویند و معاشرت کنند و همواره از نظر شکل و لباس ظاهر مردم معمولی آن کشورها تقلید کنند و رفتار و عادت محلی مردم را در پیش گیرند.

سازمان جاسوسی کی «جی» بی در شوروی یک آموزشگاه عالی در سمرقد دارد که در آن گردانند گان احزاب کمونست کشور های جهان سوم تریت میشوند تا مجری سیاستهای کرملن درین کشورها گردند و فرهنگ العادی و تباء گن مارکسیزم را درین ممالک اشاعه دهند.

محصلین و دانشجویان این آموز- شگاه را اتباع کشور های افریقانی آسیانی، امریکای جنوبی تشکیل میدند و دوره آموزش در آن برای ده سال میباشد.

مأمورین سازمان جاسوسی شوروی به تعداد زیادی در هر یک از سفارتخانه های شوروی در جهان مستقر هستند در لباس دیپلمات و هیئت های فرهنگی اقتصادی و نظامی، سیاست هر سفارتخانه را تعین کرده و به اثر جاسوسی و کتب و جمع آوری اطلاعات و اخبار مصروف اند.

اکثر کارکنان سفارتخانه ها را کار مندان کی «جی» بی و شعبه نظامی آن - «جی» - آر- یو - اشغال میکند و تقریباً ۸۰ فیصد پرسونل ستار توان از های شوروی در مالک جهان سوم وابسته به آنها هستند. برای مثال در سال ۱۹۷۱ - م - پنج دیپلمات

ماموریت خود را انجام دادند.
بلی! ما بصراحت گفته میتوانیم
که پابآهنی و مستعکم که هر گز
امکان فتح آن نبود بعد از عقد پیمان
دوستی مکید قفل بدل کشیف ترین چهره
ضد انسانی تحویل گردید، که برای
تطبیق نقشه های استعماری روس که
(پطر) آنرا طرح و لین بروی صحة
گذاشت بود به اجرا عمل آنرا قرار
دادند، سفارت روسیه در کابل سمت
فعالیت و جلب و جذب و کشف را به
عهده داشت زیر کانه به فعالیت های
سیاسی خود ادامه میداد.

در زمان حکومت ستمشاهی
ظاهر این چهره منحوث و خائن بـر
ملتو تاریخ عامل قرق جهل و مسئول
وضع رقتبا حاکم بـر جو و ملت ما، و حامی
کمونیزم سازمان جاسوسی شوروی
که قرصت طلائی آنرا برای فعالیت
کمونیست ها از آن یاد میشود تو اندسته
اهداف پلید خود را که در خیال
ورؤیا خوبیش میبرو رانیدن به صحنـه
عمل آنرا بدست یاورند.

سرد مداران کرمـلن بـغا طر
گـسیل نمودن روز افزون جـاسوسان
خوبیش بنام اعمـار پـرورـه هـا در
مراـخل اول بدست آورـدنـد تـا بتـوانـند
از یـک طـرف با کـارگـران و ... در
تمـاسـشـونـبعد قـرـادـادـها و بـرـوتـوكـولـ
و اـعمـارـسـیـلوـ و فـرـستـادـنـ هـیـثـتـهـایـ
فرـهـنـگـیـ و تـغـنـیـکـیـ و کـاتـورـیـ اـتـصـادـیـ و
موـافـقـتـ نـامـهـایـ اـمـورـترـانـزـیـتـیـ و فـارـسـلـ
هـایـ بـوـسـتـیـ و هـیـثـتـهـایـ مـطـبـوـعـاتـیـ و

گـستـرـشـ دـهـنـمـوقـقـ شـدـنـدـ تـا درـیـرـ آـورـدـ
سـاخـتنـ آـرـمـانـ خـودـ رـاهـایـ مـقـلـمـاـتـیـ
۱۹ اـنجـامـ دـهـنـدـ.

در سـالـ ۱۹۲۷ مـامـانـ اللهـ هـمـراهـ
زنـشـ مـلـکـهـ ثـرـیـاـ درـکـشـورـهـایـ هـنـدـ
مـصـرـ، فـرـانـسـ، سـوـیـسـ، بلـجـیـمـ، جـوـ منـیـ
بـرـیـطـانـیـاـ، پـوـلـیـنـدـ، وـتـرـکـیـهـ سـفـرـ نـمـودـهـ
وـآـخـرـینـ کـشـورـ کـهـ اـزـ وـیـ باـزـ دـیدـ
بعـلـ آـورـدـ رـوـسـیـهـ بـودـهـ بـعـدـ اـزـ وـرـوـدـشـ
درـکـابـلـ شـشـ دـخـتـرـ اـزـ سـازـمـانـ جـاسـوسـیـ
شـورـوـیـ وـارـدـ کـابـلـ شـدـنـدـ بـعـدـ اـزـ
سـاقـرـتـ اـمـانـ اللهـ اـزـ کـشـورـهـایـ
اـرـوـپـائـیـ تـحـوـلـاتـ بـزرـگـ درـ وـجـوـدـشـ
نـمـایـانـ گـرـدـیدـ.

وـ بـیـ حـجـانـیـ وـ پـوـشـیدـنـ کـلـهـ
شاـهـوـ رـاـنـوـ اـزـ پـیـشـرـفتـ وـ حـضـرـتـ
وـ تـرـقـیـ درـ ذـهـنـ وـ اـفـکـارـ عـقـیـمـ شـدـهـ اـشـ
تـصـوـرـ وـ قـلـمـادـ مـیـکـرـدـ درـینـ سـفـرـ خـودـ
ازـ کـشـورـهـایـ خـارـجـیـ بـرـ مـلـتـ مـظـلـومـ
مانـ بـهـ أـرـمـغانـ آـورـدـ بـوـ دـ روـسـهـاـ کـهـ
چـونـ صـیـادـ مـاـهـرـهـیـشـ نـوـدـ کـمـینـ بـوـدـنـ
ازـ اـیـنـ مـوـقـعـ اـسـتـفـاـ دـ نـمـودـ دـ هـاـ
جـاسـوسـخـودـرـاـ وـارـدـ صـحـنـهـ کـرـدـنـ کـهـ
شـشـ نـفـرـ دـخـتـرـ اـزـ جـمـلـهـ اـبـنـ شبـکـهـهـایـ

اطـلاـعـاتـیـ شـورـوـیـ بـوـدـنـ کـهـ سـمتـ
جـاسـوسـیـ بـهـ آـفـانـ سـهـرـهـ شـدـهـ بـوـدـ وـ
تـوـانـسـتـنـ باـکـمـالـ مـوـقـيـتـ وـظـیـفـهـ خـودـ رـاـ
اتـجـامـ دـهـنـدـ فـعـالـیـتـهـایـ شـشـ دـخـتـرـ رـوـسـیـ
عـضـوـسـازـمـانـ جـاسـوسـیـ شـورـوـیـ درـکـابـلـ
عـبـارتـ بـوـدـ اـزـ اـیـجادـ هـسـتـهـهـایـ فـسـادـ
وـ اـنـحرـافـ اـخـلـاتـیـ . . . کـهـ پـایـهـهـایـ
اـسـاسـیـ اـنـحطـاطـ وـنـابـودـیـ جـامـعـهـ اـسـتـ
بـدـونـ اـیـجادـ هـیـچـ عـکـسـ العـملـ

مـکـلـزـیـکـیـ درـ مـاسـکـوـ درـ بـرـارـ شـصـتـ
دـبـیـلـمـاتـ روـسـیـ درـ مـکـنـیـکـیـ وـ یـکـ
صـلـوـهـشـتـادـوـنـوـ دـبـیـلـمـاتـ روـسـیـ درـ
اـمـرـیـکـاـ دـوـ نـقـرـ لـبـانـیـ درـ مـاـ سـکـوـ درـ
چـهـارـ نـقـرـ دـنـعـارـکـیـ درـ مـاسـکـوـ درـ بـرـاـبـرـ
سـیـ وـیـکـرـوـسـیـ درـ کـپـنـ هـاـگـنـ وـ اـمـثالـ
اـیـنـهـاـ درـ کـشـورـهـایـ دـیـگـرـ فـعـالـیـتـهـ
بـیـکـرـنـدـ.

فعـالـیـتـهـایـ کـیـ جـیـ بـیـ دـرـ الـفاـ نـسـتـانـ

روـسـهـایـ وـحـشـیـ جـهـتـ اـلـیـلـ
بـهـ هـدـفـ شـومـ وـ فـرـاهـمـ سـاخـتنـ بـرـیـتـهـ
تطـبـیـقـ پـلـانـهـایـ اـسـتـعـمـارـیـ خـوـبـشـ درـ
کـشـورـمـاـ اـزـ سـازـمـانـ جـاسـوسـیـ کـیـ جـیـ
بـیـ اـسـتـفـادـهـ کـرـدـنـ.

روـسـهـاـ اوـلـتـرـ اـزـ هـمـ اـوضـاعـ وـ
احـوالـ وـ خـصـوصـیـتـهـایـ مـحـیـطـ وـ
فرـهـنـگـیـ وـ جـنـرـالـیـتـهـایـ مـلـتـهـاـ رـاـ بـدـنـجـوـ
اوـ زـیـابـیـ نـمـودـنـدـ تـاـ بـتوـانـدـ اـقـرـادـ رـاـ
بـهـ خـدـمـتـ وـ هـمـکـارـیـ خـودـ جـلـبـ
نمـودـهـ تـادـرـ بـسـتـبـلـ جـهـتـ تـطـبـیـقـ پـلـانـ
اـولـ رـاـ باـزـیـ کـنـدـ.

بعدـ اـیـنـکـهـ کـشـورـ حـمـاسـهـ سـازـ مـاـ
درـ سـالـ ۱۹۱۰ مـ اـعـلـانـ آـزادـیـ وـ
استـقـلـالـ بـاـکـرـدـنـ. اـمـانـ الـمـجـهـرـةـ مـنـقـورـ
درـ کـشـورـ مـعـاهـدـهـ دـوـسـتـیـ وـ باـسـرـدـ.
مـدـارـ کـرـمـلـنـهـ لـینـ » رـسـأـ بـهـ اـمـضاـ
رسـانـهـ وـ اـزـ آـنـ تـارـیـخـ بـهـ بـعـدـ فـعـالـیـتـهـایـ
هـایـ مـسـنـارـتـ بـینـ دـوـ کـشـورـ آـغـازـ گـرـدـیدـ
روـسـهـاـ کـهـ مـتـنـظرـ رـوـزـنـهـ چـنـینـ اـمـیدـ
بـوـدـنـ تـابـتوـانـدـ فـعـالـیـتـهـایـ خـودـ رـاـ

فالمراضی زراعتی . و پهروقوکول های
بحث و سیله موثری استفاده میکردند
تا اینکه مات ما تخت بورش اتش
سرخ قوارگرفت و بیرک را بعیث رئیس
دولت منوعی در تانک نصب نموده
بایک لک و بست هزار عسکر مسلح
باسلح های مدرن برخاک مقدس
اسلامی مارا مورد حمله قرار دادند
در نتیجه : جوانان را به سلوی های
زندان افکند و هزار ها پدران را به
خاک و خون کشاند با طیارات جنگنده
خویش خانه ها و منازل محضر گلی
ملتر ا به مخربه ها تبدیل نمودند
ویش از یک و نیم میلیون شهید قربان
این دسیسه موثر امره سازمان کی 'جی' بی
روسیه گردیدند ویش از پنج میلیون
مسلمان مجبور به ترک وطن گردیدند
که آکنون بالنوع مشکلات در کشور
های خارج حیات مشقت بار بسیر میبرند
وهزاران هزار نفر معیوب گردیده
وهزاران بتم بی پدر و مادر گردیدند
اطلف های در داخل به مسلسل های
دشمن بسته میشود زن دار پیر و جوان
در داخل تحت اماج کلو له های
اتش سرخ قرار یکیرنده و هر لحظه مرگ
آنها را تهدید میکند زراعت و آبادی
و عمرانی کشور به خاک رویه ها
تبديل گردیده ... و هزاران هزار
جنایت دیگری است که کمو نیزم در
کشور مرتكب شده و قلم از یاد آوری
آن عاجز است . این بود شمه از
جنایت و فعالیت کی 'جی' بی در کشور
و این بود ارمغان کمو نیزم برای جهان
و بالغ خوش برای ملت مظلوم ما .

مؤثری را در کشور مابازی کردند
و در اندک مدت تو انسنا که در کلیه
وزارت خانه ها و بسته های حساس تسلط
یابند .

تهاب گذاری پولی تغییک در - ۱۹
سیزان ۶۳ - ۶ می بدمست کشیف
برزق در واقع اساس نهادن او لین
و خطرناکترین بناد فساد وجاسوسی
 بشکل علمی آن در کشور ما بود
تابتو اندماز این کاهنون علمی مزدوران
برای خود تریه نمایند تا آینده مدافعن
و حامیان کمو نیزم در کشور ما گردند
سفر بولگانین و خروش چف بکابل
در سال ۱۵ دسمبر ۱۹۵۵ بخوب
نشان میدهد که سازمان کی 'جی' بی تاچه
حد در کشور ما فعالیت کرده
بودند و لی حکام او باش و
مزدور وطن فروش و بی کفایت که
به سرنوشت آینده کشور توجه
نداشتند اراده و آزادی را بکلی ازدست
داده بودند که این بی کفایتی و عدم
توجهای حکام مزدور عامل موثری
در تباہی ملت و کشور گردید و حالت
واوضاع وخیم آینده ملت را سخت
نگران کرده بود . رفت و آمد ها
لین صردم رادران کرملن و حکومت
فاسد شاهی ظاهر شاه و قرارداد های
دو کشور در کابل و ماسکو ، که از
فعالیت هروزانه زون کی 'جی' بی نهایند کی
میکرد روس ها که در حقیقت میخوا
ستند اهداف نظامی و سیاسی خود را
دنیال کنند از هر روزه ها و قیر ریز ها
و مناسبات مطبوعاتی و انکشاپی و مجادله

قراردادها هکاری اقتصادی و تغییکی
و تحقیقات جیالوجی در صفحات شمال
کشور و بیو ندهی کلتو روی
و مطالعات توپوگرافی و سروی
هوائی در شمال کشور و قراردادهای
تحقیقات نفت و تحقیقات و عکس
برداری هوائی و فرستادن هیئت بنام
انرژی و کمیته شورا اقتصاد
و قردادهای دیاکتور اتومی پلان
انکشافی و قراردادهای هیردو
مترولوژی 'هواشناسی' آب شناسی
خانه سازی و سفرهای شاه به مسکو
و سفرهای سرد مداران کرملن به
کشور ما و فرستادن جوا نان افغانی
به روسیه تحت عنوان تحصیل همه
و همه ماموریت های شکله های
جاسوسی روس را به عهده داشتند
زیرا روسها میکوشیدند تحت این
عنوانین شبکه های ارتباطی جاسوسی
خویش را وسعت داده ذر دهات و
قریه جات راه برای خود باز کنند
کمهمترین پر نامه سازمان کی 'جی' بی را
احتوا یک افتتاح آذانس تاس در کابل
در سال ۱۳۳۱ - بعد از موافق نامه
شاه بخش مهم این سازمان بود
کمونست ها و سازمان کی 'جی' بی که
مزدوران خود را در هر گوش و کنار
ملکت ما تریه نموده بودند پست
های حساس را بر ایشان تحویل مینمودند
که نور محمد ترکی بعیث مدیر
عمومی با ختر آذانس از طرف این
سازمان انتخاب گردیده بود .
سازمان مخفوف کی 'جی' بی نقش



اسم کنیه : اسم کنیه این اسلحه قرار ذیل میباشد
ذیگاویک هاینکه بالای تانک ها نصب میباشد بنام K P V T یاد میشود
که شرح آن : $K = krupno kaliberniy$

گروبنی کالیبرنی

$P = Pulement$ - ۱ پولیمیت

$V = Vestya$ وستیا میباشد.

و زیکاو یک هائیکه توسط تایر ها حسل و نسل گردیده به شکل اسلحه مدافعوی ضد هوافضی میباشد
بنام یاد میگردد .

که شرح آن : $Z = Zenitnya$ زینیتنا

$P = Pulementnaya$ پولیمیت نایا

میباشد $U = Ustanovnya$ اوستانوفیا

خواص تکنیکی و تغذیه‌کنی

- زیکاو یک یک اسلحه مدافعوی بوده که به مقابل طیارات ، تانک ها ، زره پوش ها ، موتر ها و افراد
پیاده استعمال میشود .

- اسلحه مذکو توسط موتر و یا حیوانات حمل و قل میگردد .

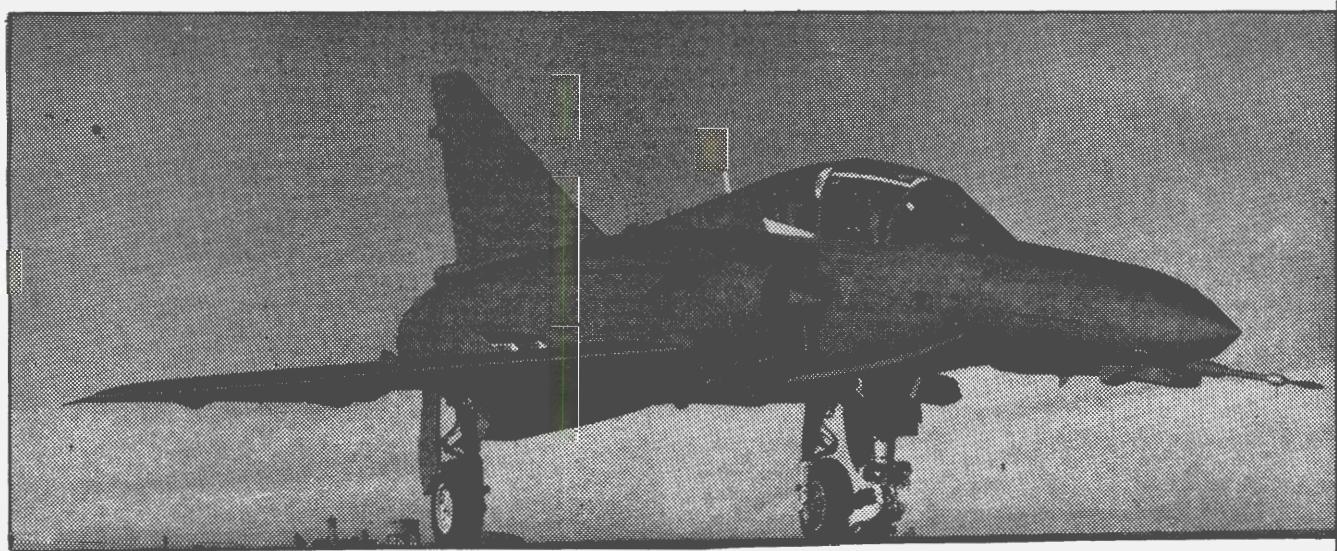
- دارای آله تنویر بوده و از طرف شب نیز قابل استعمال میباشد .



معلومات عددی :

- ۱ - قطر دهن ماشیندار $5Mm$ و 14 متر .
 - ۲ - منزل عظمی در هوا به زاویه 7500 متر .
 - ۳ - منزل موثر به مقایل اهداف زمینی 2000 متر .
 - ۴ - سرعت انداخت در یک دقیقه از یک میل 500 مرسی .
- پارچه های بزرگ ذیگالویک :

- | | |
|---------------------|------------------------|
| ۱ - مستند | ۲ - دوره و عربابه |
| ۴ - مستند توب | ۵ - آله توجیه اتوماتیک |
| ۷ - چوکی ها | ۸ - صندوق های شرید |
| ۹ - قرتیبات ماشه پا | ۱۰ - مستند صندوق شرید |
| ۱۲ - بوکسل | ۱۱ - ناوه یا تشت |
| ۱۵ - دور بین زمینی | ۱۳ - محافظ آله توجیه |
| | ۱۴ - دور بین هوائی |



باز و بعثه نمودن ماشیندار :

- ۱ - آله توجیه اتومات یرون کشیده شده طوریکه دو قید آن که یکی به طرف راست و دیگری به طرف چپ بوده، باز نموده و قید میلک ارتباط بازو و میلک ار تباط از آله توجیه اتو مات جدا نموده و آله توجیه طرف بالا کششند جدا میگردد.
- ۲ - قید های هر دو میل باز گردیده، از طرف عقب توسط دستکنی فالتو و از طرف پیشو و از خود حمل و نقل میل گرفته و به طرف پیشو و بالا فشار داده تا از مستند آن جدا گردد.
- ۳ - ماشیندار به زاویه صفر درجه آورده شده و قید های دو طرف مستند های صندوق شرید را محکم بطرف داخل فشار داده و در عین حال ماشیندار را از تقاع داده تا کیبل های ار تباط مستند صندوق شرید و کهواره ها سمت و بعد آنها را از آشیانه آن که در کهواره می بشند جدا کرده و ماشیندار دوباره صفر ساخته می شود.

۴ - تشت یا ناوه یرون کرده می شود .

۵ - کره های مستند تفنگ با گهواره خلاص گردیده و مستند تفنگ یرون کشیده می شود .

۶ - چهار قید گهواره سست گردیده و چوکی ها کشیده می شود .

۷ - صندوق های شربید یرون کشیده شده و همچنان مستند های آن از سلنه ار تباط مسنند صندوق های شربید یرون کشیده می شود .

۸ - بربیک و ماشه پای را از قید خلاص نموده و یرون کشیده می شود .

۹ - بعد آ گهواره را بطرف بالا بلند کرده و یرون کشیده می شود .

۱۰ - دره و عرابه دو قید دارند و توسط این دو قید ار تباط آن با مسنند فوقانی قایم می باشد . قید طرف راست را که شکل دارد بطرف عقب و قید دیگران که شکل یک میلک را دارد بطرف پیشو فشار داده و بعد استکی را دورداده تاتایر ها به زمین در تماش آید و دره و عرابه از مسندازدی شود .
و ظابق افراد موظف ماشیندار :

بعنای آماده ماختن ماشیندار برای انداخت باید افراد موظف ماشیدار ، وظایف و جمع نظام را باد داشته باشد ، پنج نفر موظف ماشیندار از اقرار ذیل میباشد .

۱ - نمبر یک قوماندان ماشیندار بوده و وظایف ذیل را از جام میدهد . - مسئول عضوی ماشیندار بوده و موضع را برای ماشیندار انتخاب کرده و مسئول پاکی وصفائی ماشیندار و مهمات آن میباشد .

۲ - مسئول تریه درست افراد میباشد طوریکه هر کس وظیفه خود را دانسته واجرا کرده بتواند .

۳ - نمبر دو مسئول فیرکردن است که ضربه های کوتاه را اجرا میدارد به مقابله اهداف زمینی یک ضربه آن (۱ - ۲) ثانیه و به مقابله اهداف هوایی (۳ - ۴) ثانیه میباشد .

۴ - نمبر سه میل طرف راست را پر میکند .

۵ - نمبر چهار میل طرف چپ را پر میکند .

۶ - نمبر پنج مسئول بسته نمودن استقامت سرعت و مسافت میباشد .

جمع نظام ماشیندار زیگاوایک :

۱ - طریقه ایستاده شدن به عقب ماشیندار : نمبر یک به استقامت تایر طرف راست و مهندم قدم بطرف عقب ، در صورتیکه ماشیندار با بوکسل باشد و در غیر صورت (در صورتیکه بوکسل نباشد) نمبر یک به استقامت تایر و عقب میل طرف راست و یک قدم به عقب استاد میشود . ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

۲ - وتفیکه قومانده (ترتیب شمار دنبر) داده میشود ، نمبر یک دست راست را بالا کرده و (یک) صدا میکند بعد آنبر دو ، سه ، چهار و پنج عین عمل را اجرا میکند .

۳ - به قومانده (تول شماره) ، همه افراد به یک قومانده و در یک وقت نمبر های خود را تکرار میکنند .

۴ - به قومانده (نمبر بدل) قرار شکل ذیل جاها تغیر میکند .

۵ - به قومانده (پر ماشیدار) ، لین اول (نمبر ۱ ، ۳ و ۵) شی گرز و لین عقب (نمبر ۲ و ۴) کین گرز نموده ، نمبر ۱ خیزده و بطرف راست و عقب توپ ، طوریکه استقامت وی بطرف توپ می باشد استاده می شود و متوجه هوابوده که هدف از کدام استقامت می آید و در عین حان دیگر افراد نمبر را کنترل میکنند .

نمبر ۲ - بالای چوکی طرف چپ نشسته، پای راست وی بالای مانه و پای چپ بالای بر بیک بو ده و قید های خصوصی و عمومی ارتفاعی و جانبی را از قید خلاص کرده و آنرا کنترول می کند که آیا فعال هستند و یانه. بربیک و مانشه هایدل و آله توجیه زمینی و هوائی راهنم می بیند که درست هستند و یا خیر؟ اگر همه آنها درست بودند بعداً صدا می کند درست.

نمبر ۲ باید بینند که قوس درجه دار ارتفاعی (۲۵) درجه باشد.

نمبر ۳ - بطرف صندوق شرید را خلاص نموده و صندوق شرید را دوباره در مسند جایجا می کند. بعد آمر پوئل مسنه صندوق شدید را بلند کرده و چرخهای رهنمای شرید را چرخ می دهد که ایا فعال است و یا خیر؟ بعداً تفنگ طرف راست را دیده که کوک است و یا خیر؟ اگر کوک بود آنرا فیبر می کند بعداً صدا می کند که نشی توپ درست.

وظیفه نمبر ۴ مانند نمبر ۳ است با این تفاوت که وی بطرف چپ می باشد.

نمبر ۵ در چوکی طرف راست می نشیند. مودل طیاره، دایره تقسیمات دار سرعت و قید آن و مم چنان چرخ فاصله را کنترول می کند که فعال هستند و یا نه؟ و همچنان می که فاصله = ۱۵۰۰ سرعت = ۲۰۰ صعود و نزول = صفر و مودل طیاره بطرف عقب باشد بعداً صدا می کند که درست

۶ - ماشیندار - دک کری:

در صورتیکه توپ صحت باشد نمبر ۱ قومانده می دهد که توپ دک کری، وظیفه دک کردن مربوط به نمبر ۳ و ۴ میباشد.

هر دو نمبر ۳ و ۴ سر پوش مسند صندوق شرید را باز نموده و شرید را از داخل صندوق شرید کشیده و دربالای چرخهای آن شرید را بطرف رهنمای شرید می برد.

شرید را فشار داده تا مردم داخل شود. درین اثنا شرید گیر، شرید را گرفته و یک صدای خفیف می دهد. بعداً بطور امتحانی شرید را به طرف خود کش می کند که آیا شرید، توسط شرید گیر محکم شده یا نه؟ اگر محکم شده بود، سر پوش مسند صندوق شرید را بند می کند و بعد از آن دستکی دک را کش نموده و دوباره بجای اصلی اش می برد و نمبر ۳ و نمبر ۴ توسط مانه دستی فعل فیبر را اجرا نموده و دوباره دستکی دک را کش نموده و آهسته دستکی دک را بجای اصلی اش می برد.

فعلاً توپ دک است و نمبر ۳ صدا می کند که توپ دک (بینی توپ دک) و نمبر ۴ صدا می کند که (کین توپ دک)

۷ - سمت هدف!

وقتیکه ماشیندار دک شد، قوماندان سمت هدف را می دهد (چپ به راست) (عقب به پیشو) ... و طبق امر قوماندان، نمبر ۵ مودل طیاره را عیا می سازد و نمبر ۲ میل را بطرف هدف دور میدهد.

۸ - سرعت:

بعد از دادن سمت، قوماندان سرعت هدف را میدهد، در حالیکه سرعت به ترتیب داده می شود و پیش از پیش کسرعت (۲۰۰) کسرعت اوسط است برایر می باشد. و طبق امر قوماندان نمبر ۵ سرعت را عیا می سازد.

۹ - فاصله:

بعد از دادن قوماندان سرعت، نمبر ۱ فاصله را به (صد) متری میدهد فرخا (۲۰۰، ۱۰۰) متر وغیره، نمبر ۵ توپ طرف چرخ فاصله، فاصله را در دایره تقسیمات دار مساقه بسته می کند.

تیو روی نظامی

- ۱ : - مرکز چریکی مجاهدین باید نزدیک مرکز ثابت نظامی (قطعات نظامی، پستهای پستهای وغیره) دشمن واقع باشد. زیرا در صور تیکه دشمن آن را کشف نماید. بدون زحمت آن را تحت آتش دوامدار اسلحه تیکله خوش قرار خواهد داد.
- ۲ : - مرکز چریکی مجاهدین باید راهها (معبرهای) رلت و آمد (عرض و عقب لشینی) داشته باشد - تا هنالذوم از آنها استفاده شود.
- ۳ : - مرکز چریکی مجاهدین باید نزدیک محلات مسکون (قریه‌ها قشلاق‌ها و شهرها) واقع باشند.

ج : بخاطر تأمین امنیت مرکز چریکی مواد ذیل را باید در نظر داشت :

- ۱ : - در مرکز چریکی از طرف روز بهره‌ها تعیین می‌شود. از طرف شب بر علاوه بهره‌ها مجاهدین گزمه (دوریه) را لیز از شروع الی ختم شب در اطراف مرکز اجرا می‌دازند.
- ۲ : - محل ترسیم هوایی و زمینی مرکز تأمین شود.

۳ : - محل موقعیت مرکز چریکی هرگز افشاهه شود، روی این مظاوله باید در حدود نزدیک مرکز چریکی راه عبور و مرور موجود باشد.

۴ : - تمام مجاهدین مربوط مرکز فهمانده شود که محل مرکز خویش را به هیچ کس لشان ننمایند.

۵ : - بدون از مجاهدین مرکز، به هیچ کس اجازه ورود به مرکز داده نشود.

۶ : - اگر اسیران و تسلیم شده‌گان دشمن

مراکز چریکی مجاہدین :

الف : - مرکزهای چریکی مجاهدین بمقاصد ذیل تأسیس می‌شوند :

۱ : - بمقاصد جمع‌آوری و گرد هم آنی مجاهدین جهت اجرای شوراها و مصلحتهای جهادی، ابلاغ و صدور قوانینها و اوامر محاربی، اتخاذ تصاویر در مورد چکولکی طرز العمل های بعدی مجاهدین و تبادل نظریات با همیکر.

۲ : - بمقاصد تربیه دینی و تربیتگ نظامی مجاهدین و آماده کردن آنها برای جهاد.

۳ : - بمقاصد استراحت مجاهدین بعد از انجام عملیات محاربی و غیره امور مربوط جهاد.

ب : - مرکز چریکی در جاهای ذیل تأسیس می‌شوند :

۱ : - در سلسله کوههای مرتفع، عریض و طویل که دارای منکهای بزرگ، جنگلات و مفاره‌های فراوان باشند. تا دشمن به آسایی مرکز را کشف و محاصره کرده تواند. در کوههاییکه مرکز تأسیس می‌شود باید به اندازه صعب العبور و دارای موالع طبیعی باشند، که وسالت زردهار و موتوردار دشمن بکلی در آنها حرکت کرده توانسته و حتی هلیکوپترها در آنها لشسته نتوانند.

۲ : - مرکز چریکی مجاهدین باید حتی امکان به مناطقی که مجاهدین در آنها بالای دشمن عملیات محاربی الجام میدهند، نزدیک باشد. تا بدین قریب مجاهدین در پک وقت کم از مرکز به محل عملیات رسیده و بعد از ختم عملیات محاربی هر چه زودتر دوباره مرکز رسیده بتوانند.

۲ : - مرکز چویکی باید بعیث مرکز مدفعی
 (جیمه جنگ) استعمال شود و لازم لیست حتی الامکان
 از مرکز چویکی با دشمن تبا دله آتش نعالیم . اما
 در صورت مجبوریت ممکن این عمل را نیز انجام
 دهیم . زیرا زما نیکه دشمن بالای ما حمله نماید
 و تصمیم محاصره ما را بگیرد ، باید به آن مقابله
 نعالیم .

مراکز مدافعتی مجاهدین و محلات مقابله با دشمن

در بعضی اوقات «حالات» لازم دیده می شود
 که یک نقطه (ساده) یا یک معبر (راه) و یا یک
 سطقه به عن قیمت که باشد ، محافظه کروه . مناطق
 مذکور برای مجاهدین اهمیت جیاتی و ستراحتی یکی
 خواهد داشت . فلکهای در محلات مذکور مراکز
 مدفعی تأمین شده و از محلات هوائی و زمینی دشمن
 محافظه می شوند .

مراکز های فوق نیز در مناطق کوهی و دارای
 موالع فراوان طبیعی ساخته شده میتوانند که قوتهای
 زمینی دشمن به آسای آنها را به تصرف خود آورده
 توانند .

الف : جهت مدافعته مرکز مدفعی بمقابل
 محلات هوائی و بمباردمان دشمن لازم است که :

- ۱ : - محل قومند هوسی مرکز در یک محل
 مناسب که حتی الامکان از بمباردمان دشمن مصون
 بوده و دارای شرایط مالی سترواخنا باشد . تأمین
 شود .

۲ : - محل ترسیمه مجهز شود و مجاهدین
 بیدار و پرسته در آن مؤلف شوند .

۳ : - محلات مخصوص بهره داری (بهره
 دارخانه ها) روزاله و شبانه ساخته شود و هم چنان
 از طرف شب بر علاوه بهره داران ، گرمه (دوریه)
 نمایند .

به مرکز برد می شوند - باید در ابتدای
 حرکت اموی مرکز ، چشم های شان بسته شده
 بعداً مرکز برد شوند در داخل مرکز نه باید به
 آنها اجازه گشت و گذار داده شود .

۷ : - بخاطر بود و باش مجاهدین در مرکز
 چویکی باید اطاق ها اهصار گردد بلکه پگانه را محل
 اهن مشکل سوچ بوده و باید سوچ ها هنر شوند
 زیرا ساختن اطاق ها و تعمیر ها در کوه ها ، خود
 بخود مرکز را انشا می کنند .

بخاطر حفاظت سترواخنا مرکز باید از تولید

دوهای خلیط و دوام دار از طرف روز که دشمن
 آنرا دیده بتواند و روشن کردن چراغ ها و آتش ها
 در محلات خیر مستور مرکز از طرف شب جدا جلو
 گیری شود .

هم چنان از ابر ای آلمده کارهاییکه باعث افشا
 مرکز می شود خود داری باید نمود .

بخاطر اینکه امنیت مرکز چویکی را در مقابل
 محلات و مجموعه های بازارشون و هوائی دشمن تأمین
 نعالیم لازم است که :

در نقاط حاکمه (بلند ترین نقطه ها) اطراف
 مرکز مجاهدین موجود بوده و جهت حفاظت آنها
 مانشندارهای نقبیله (چون دافع هوا ، دهشکه ، زیکویک
 وغیره) و اسلحه توجیه از قبیل هاوان ها - راکت
 الدازها و توجیه ای هی سلکد ، بطور محروم و مخفی
 داخل موضع شوند .

د : باید بدآنیم که :

۱ : - مرکز چویکی تنها بمقاصد ذکر شده
 حقوق تأمین می شود له بخاطر دیپوداری و نگهداری
 اسلحه و مهمات .

اسلحة و مهمات ، اسناد محروم و غیره مواد
 جهادی را در محلات مستور و مخصوص دیگر در
 این کوه ها محفوظ باید نگهداری .

۸ : - اکمالات لوز-ستیکی هر بروسته دالع هوا را مدلظر داشت. در هر موضع مواد اعده (لان و آب) که برای حداقل یک الی سه هباله روز مجاهدین بروسته را کفاوت کند به شکل ذیخیره موجود باشد.

۹ : - درجوار (اطراف و اکناف) موضع اصلی مانندیار، یک موضع احتیاطی بیز خفر شود زهر از مانیکه موضع اصلی آنها شود و از طرف دشمن مسورد هجوم و هدف قرار گیره باید تورآ تبدیل موضع نیماییم ۱۰ : - مجاهدین بروسته های دالع هوا به اسلحه خفیفه (تنک و مانندیارهای خنیف) بیز مسلح باشند هم چنان مجاهدین بروسته مکلف هستند که نتر اخنای بروسته خود را نگهداشته و از تولید دوها در روز و رونم کردن چراهمها در قلب و غیره کارها لیکم موضع وا به دشمن لشان میدهد، جدا جلو گیری کنند.

ج : بخا طر مدالعه مرکز در مقابل

حملات زمینی دشمن لازم است که طوری که در بحث های گذشته در مورد مدالعه نزد کر رفته است مدالعه اصل ۹ یک حالت مشکل و طاقت فرسای مساحبه است. لهذا مجاهد پیشکه در مرکز مدالعی جهاد می کنند، باید اشخاص نایابان داری، اراده قوی، تقوی، متالت، نبات، حرمه و پایداری باشند. و به آنها نهاده و آموخته اند شود که از این موضع باید الی آخرین لحظه حیات خویش عقب نه رفته تا آنکه شهید شود.

جهت تاسیس نظام مدالعی مرکز از تعریض زمینی دشمن، قبل از همه کشف و مطالعه تکنیکی اراضی (محلیکه از آن دلایل مبنایم) را اجرا موده و مواد آلم را تبیيت و بیادداشت میکنیم.

۱ : - راه های (معبرها) اصلی و احتمال هجوم و عقب لیشن قوهای زرهدار و موتوور دار دشمن را پیش اینی و تبیيت نموده و به شکل سری و محروم به سرگردانی مجاهدین لشان داده شود.

۴ : - در لفاظ بلند (مرتفع) و حاکمه مرکز موضع های مانندیار های چاپ کلان داعم هوا به شکل مستعجم و قدر ماخته شده و مانندیار ها در آنجا جایجا شوند.

ب : برای هر موضع مانندیار لازم است که :

۱ : - جهت بود و باش و محافظت مجاهدین از بباردمان های دشمن سرچ هر شوند.

۲ : - حقن المقدور برای هر موضع مانندیار (بروسته دالع هوا) یک میل را کت الداڑ داعم هوا (میزالیل سام) بیز داده شود.

۳ : - در صورتیکه میزالیل موجود نباشد برای هر بروسته دالع هوا یک یک میل را کت الداڑ شد تالک « او . ای . جی » داده شود.

۴ : برای هر بروسته دالع هوا یک یک عدد دور لین دستی جهت الجام ترصید داده شود.

۵ : - بخش جبه خاله و مهمات مورده ضرورت « اسلحه مختلفه » هر بروسته اکمال شود و در جوار بروسته در یک جای مناسب که در اثنای ضرورت به آمالی از آن کار گرفته شود، گذاشته و نگهداری شود باید فراموش کرد که محل تحفظ و نگهداری مهمات نایاب از تاثیر بباردمان دشمن مصون باشد.

۶ : - در هر موضع (بروسته دالع هوا) بهره دار ۴۲ ساعته موجود باشد. یعنی مجاهدین به هکل لاپتقطع و دوا مدار در هسب و روز بالنوبه بهره نمایند بهره دار یک لحظه هم از وظیفه خود خالل نمایند و ترصید هوایی و زمینی را اجرأ نمایند.

۷ : - هر موضع باید با محل قومالله مسوس مرکز ذریعة تیفلون (سیم دار) ارتباط داشته باشد تا قوما لنه های محل قومالله را بوقت وزمانی اخذه نموده و از وضع خویش بیش محل قومالله را پورمیدهد بخاطر باید داشت که ارتباط می سیم بعض اوقات موضع را به دشمن لشان میدهد.

هر موقع اکمال شود ، در پهلوی موقع
جائیکه حفاظت آن از آتش توپی و موالی
دشمن مسکن باشد — گذا هسته شود قوماندا لان
موقع ها (هوسته ها) زیاید فرا موش کشند
زمانیکه نصف بخش جبه خاله شان بمصرف بر سر
نورآ به قوماندان عمومی اطلاع ہد هند .

در صورت موجودیت امکانات ، بین موقع های
اسلحه تقبیله خندلهای ارتباط حفریات اکمال از که
در زمان محاربه از آنها استفاده میشود ، حفر و اخشار
گردد .

در هر مرکز مدافعی یک گروپ مجاهدین
بنام (گروپ احوال کیری مجاہدین) تشکیل شود
در گروپ مذکور مجاهدین ذیل شامل بسوه
ووظایف آنی را عهده دار میباشد: در صورتیکه ارتباط
مخابره بین محل قومانده و هوستهها موجود نباشد
دو یا چه نفر مجاهد وظیفه دارند از تمام هوسته های
مربوطه مرکز خبر کیری اموده هند اسلزوم بخاطر
گبودات هوسته ها اقدام می کنند .

یک نفر مجاهد وظیفه میگیرد که ارتباط محل
موسی ترصیه را بتحمل قومانده مرکز تأمین نموده
و در مورد چکونکی دشمن وقتاً فو قتابه متحمل قومانده
باور نمهد .

دویا سه نفر مجاہدین (مجاہدین بیدار) تعین
میشوند وظیفه آنها اخذ قومانده ها و هدا یات لازمه
از محل قومانده و ابلاغ آنها به مجاهدین و هوسته های
مربوطه مرکز است . ابلاغ قومانده بد و طرق مسکن
است :

اول اینکه شخصاً مجاہدین بیدار به هوسته ها
رفته بتوانند . و طریقه دوم اجماع این امر تعین ففر ها
و اشارات است بین مجاهدین بیدار و هوسته ها .
دو نفر مجاهد ممکن است عدد تذکر متحمل شهاده
و مجروهین وظیفه حمل و نقل مجروهین و شهادا را از
موقع شان به رونگوون بعهده دارند .
(یافی دارد)

۷ : - راهها و مسیرهای اصلی و احتمالی تعریض
در سقوط نشینی قوتوهای بیاده رمیشند دشمن پیشینی
و تنبیه مده و هر ماله به عوگر و رهای مجاهدین نشان
و شرعاً .

۸ : - محلات شخصی و فرود آمدن هایکوپترهای
دشمن تسبیح شده و به اعلام مرکز رهای رهایه میشود
۹ : - راهها و مسیرهای هجوم و هجوب نشینی
خونهای (مجاهدین) تسبیح و سرکردهای از آن مطلع شوند .
در راهها و مسیرهای تعریض و عقب نشینی دشمن
۱۰ : - پیمانه وسیع ماین خد تالک فرش مسوند .

۱۱ : - در محلات مرود آمدن و نشستن هایکوپترها
ماین های خد تالک وضع پرسوئل لرش دوند .
۱۲ : - در راههای هجوم وارگشت قوتیهای بیاده
و صیانتی دشمن ماین خد پرسوئل فرش هسوه و این
مناطق را به تمام مجاهدین مرکز با پنهان نشان داد
تا به آنها ازین ناحیه آمیختند .

۱۳ : - موقع های اسلحه تقبیله (توبه ها) را که
الدارزها و خیره خویش را که در زمان هجوم زمینی
دشمن از آن استفاده می شود تعین و (حفر) می
نماییم . مجاهدین (موآبیات هراسلحه) مربوطه در آنها
جابجا شوند ، انشکلات محافظه ای مجاهدین از بسیار نهان
میشوند و مرمی های زمینی لفسمن پیش اینی و صنجیده
شوند در صورت ضرورت مخرج ها کنده و حفر شوند .

۱۴ : - موقع های آتش اخهوری (مواقع که یک
نفر مجاهد در آن می نشیند و بینا هیل دشمن با اسلحه
دست داشته خویش آتش میکند) حفر و آناده مده و به
مجاهدین مربوطه نشان داده شوند همچنان مواقع
آتش ماسنیدارهای گرینوف و امشال آن نیز حفر مده
و ماسنیدارها در آنها گذاشته شوند .

۱۵ : - موقع های اسلحه تقبیله توپی باشد
در جاهای ساخته شوند که تأثیر آتش زمینی و سبارد
میگیرند بالای آنها کم بوده . به زودی انشان
مده و اسکان اتفاق آن ذریغه دشمن به آسالی موجود نباشد .

۱۶ : - جبه خاله و مهارات مورد ضرورت برای

یو ذیم میلیون شهیدان ! او ائتما لفی حکومت ؟

مونو لوسری له روسانو نه پوبننته کووچی : زمونو دمسلمان سلت کناه خه وه چي زمونو په هیواد مو نظامی تیری وکړي ۹ کډپه اصطلاح - ستاسو دروازه مو په کټه پشوهلي وي، نو تاسو حق درلو ده چي زمونو دروازه په سوک وو هي !

حال دا چمد تاریخ په هیچ دور کښی افغانانو په روسيانو او ده ګوی په ملک بساندی کوم تعرض ندي کېږي که چېږي زمونو نیکونو په کوم وخت دوختونو کې په دوی تیری او تعرض کېږي واي، نو اوس به مونو په دي قانع ف چي زمونو دنیکونو غچه له مونو نه اخلي او زمونو دنیکونو دتعاوز خواب چي ددوی په نیکونو شوي دی له مونو نه غواړي .
دا له یو خوا !

که چېږي زمونو مسلمان ملت ددostي په جامه کي ستاسو هیوادته د مشاورینو، انجینر انو فرهنگيکانو ... به نوم درنسوتی واي او دروس ملي محصولات بي لوټ کري يا پڅله کټه خرخولي واي، یا یې لوټ رېلې خپل ديني او ملي افکار دروس په ملت کې خپاره کېږي واي نواوس به موستاسو نظامی تیری په خپل حق کې حق به جانب ګنلای ۹.

خو دغه کار هم زمونو له خوا دروس ملت او دولت په حق کې ندي شوي، بلکي دا روسان ۹ چي ددostي به جامه کي لاد ظاهر شاه به دور کې زمونو هیواد ته د مشاورینو، انجینر انو، او یو نوم اوبل نوم راننوتل، زمونو په داخلی چارو کې بي لاس وهنی پیل کېږي، زمونو ملي محصولات بي د تجارت او د حق خدمت ! غرامت په پلسو لوټ او تالا کړل .

ههدا روسان ۹ چي زمونو اسلامي او ملي وحدت بي مات او د یو شمير نا اهلوا او بې باکو او کم عقلو خوانانو په غولولو اود هغوي د ديني عقайд و او ملي روایاتو په خرابولو پې زمونو په ملت کې درونه پیدا کړل، زوي مې د پهلا دې بنن وکړخو اووروري د درور په مرک راضي بلکي ده ګه وژلو ته و هڅو .
او داله بسل پلسوه !

روسان دچا په بلنه افغانستان ته ندی رانتوتای ' بلکی ' په رنما
ورخ نې زمونبر دملت په سترګو کې خاوری وروشیندلسی اوپه زور
اوناروا زمونبر خاوری او هیواد ته رانوتل او هغه قول جنا یتونه بې
سر ته ورسول کوم جي دانسانیت په قاموس کسی ده گو ساری نه دی
لیدل شـوـی .

نوای دافغانستان مسلمان ملته ! ای د مسحـمـود ، احمدشاه او
میرویس قومه ! روس چې ستاسو ده یواد په پاک حریم تیری و کسر
اوورسره ورسره یې ستاسو پلرونه اوورونه ' خوبیندی او میندی '،
لونی او زامن ' میرمنی او ماشومان بې د مظلومیت او بې د فماعیه
په حالت کې په راز راز شکنجو او بې حرمتیو او غیر انسانی سلوک
دوژل ' آیاستاسو اسلامیت ، ستاسو بشری وجدان ' ستاسو افغانی
غیرت به دا منی چې له روس نمله بالسختل او شر عی غچ اخستلو
او ددوی له خوانده تحمیلی جنګ دنوازان اخیستلو نه پر ته د روـساـنـوـ طـرـحـه
شوـیـ سـوـلـیـ تـهـ غـازـهـ کـیـرـدـیـ ؟

که خوک دروسانو دغه پیشنهاد آه شاره پدی او نـخـاتـیـانـوـ
او پـرـچـمـیـانـوـ سـرـهـ کـلهـ اـنـتـلـافـیـ حـکـوـمـتـ مـنـیـ ' نـوـدـشـهـ کـارـ خـوـنـهـ اـسـلامـ
منـیـ اوـنـهـ بـیـ اـفـغـانـیـ عـادـتـ اوـ غـیرـتـ . اـسـلامـ وـاـیـ : فـاعـتـدـ دـوـاعـیـهـ بـهـشـلـ
ماـاعـتـدـیـ عـلـیـکـمـ - پـهـ کـفـارـوـ تـیرـیـ وـ لـبـڑـهـ هـغـهـ شـانـ چـېـ پـهـ تـاـ
سوـبـیـ تـیرـیـ کـړـیـ دـیـ . اوـ اـفـغـانـیـ نـنـګـ اوـ غـیرـتـ چـېـ لهـ اـسـلامـ نـهـ
سرـچـینـهـ نـیـسـیـ هـمـ دـ خـدـایـ تـعـالـیـ دـ پـورـتـنـیـ فـرمـودـیـ پـهـ پـهـ بـنـاءـ دـاـ
ایـجـابـوـیـ چـېـ کـهـ دـ وـیـنـ پـهـ مـقـابـلـ دـوـینـیـ غـچـ وـانـخـلـ اوـ حـتـیـ کـهـ دـ
چـاـ لهـ خـواـ دـیـ دـوـژـلـ شـوـیـ چـرـګـکـ پـهـ مـقـابـلـ کـیـ دـ هـغـهـ چـرـګـکـ وـنـهـ
واـزـهـ تـهـ بـهـ لـوـیـ بـیـ نـنـګـهـ اوـ بـیـ غـیرـتـهـ بـیـ !

يو افغان چې په ورکتوب کې چا په خاپیه و هلسي وي هـغـهـ
ښـلـ کـالـهـ لـهـ زـړـهـ نـهـ نـهـ دـرـزـیـ اوـ هـرـ کـلـهـ بـیـ چـېـ لـاـسـ بـرـاـبـرـ شـوـ
خـپـلـ غـچـ اـخـلـیـ .

بنـایـ ھـینـوـ سـتـونـزوـ بـهـ دـیـ تـهـ اـرـکـړـیـ بـیـ چـېـ دـ روـساـنـوـ طـرـحـهـ
شوـیـ مـلـیـ پـغـوـلـاتـوـبـ یـاـمـلـیـ اـنـتـلـافـیـ حـکـوـمـتـ تـهـ غـازـهـ کـیـرـدـیـ . نـهـ دـاـسـیـ مـهـ
اوـسـهـ ! خـپـلـ زـړـهـ تـهـ نـظـرـ وـ کـړـهـ ! بنـایـ دـ اـسـلاـمـیـ اـیـمـانـ اوـ وـجـدانـ پـهـ
لـرـلـوـ سـرـهـ بـهـ دـیـ خـانـ نـاخـبـرـهـ اـچـوـلـیـ وـیـ ؟ کـهـ نـهـ ، خـنـګـهـ کـیدـاـیـ
شـیـ چـېـ دـ خـدـایـ اوـ رـسـوـلـ لـهـ دـبـمـنـاـنـوـ سـرـهـ پـغـوـلـاشـیـ اوـ بـیـاـ پـهـ یـوـهـ

کلی او بنار، دفتر او کو ته کی ورسه خنگ په خنگ کښېنی؟
 بیا هم خپل زره ته نظر وکړه! بناېن د اسلامي ايمان او وجودان
 د شمعې رنګ دی په زړه کې ضعيفه شوي وي، کوښېن وکړه چې
 په خدای جل جلاله باندې د توکل په کولو سره هغه بېرته روښانه
 کړي او په دی راضي نشي چې د شهیدورور له قاتل سره دي پخواشی
 او د هغه وينه له غچ اخيستلو نه هرته هدر کړي.

بیا هم خپل زړه ته نظر وکړه! ستا په رکونو کسی د
 سلطان محمود بت شکن او احمد شاه ابدالی او میرویس هوتکي
 وینه چلیري. بناېي د افغانی ننګ او غیرت په لرلو سره سره دې
 خان ناخبره غور خولی وي. که نه، خنګه به په دې راضي شي
 چې د پلار او ورور، زوی او تربور له قاتلانو سره روغه جوره
 وکړي او بیا په يو دستر خوان ورسه کښېنی او دوده و خورې؟
 او که واې چه زه نوره د مهاجرت دستونزو حوصله نلرم، يا
 د جنګ او جهاد نه ستړي شوي يم، نویيا مه په خان باندې د
 مهاجر نوم ټده او نه د مجاهد، بلکې ووايده چې زه پناه ګزین يم
 د اسلام په خاطر مې نه مهاجرت کړي او نه جهاد. مهاجرت مې
 له مرګ نه دخان دېچولو په خاطر او جهاد مې به مسلمانانو کې د اعتبار
 او اعتماد پیدا کولو په منظور کاوه.

مسلمانو افغانانو!

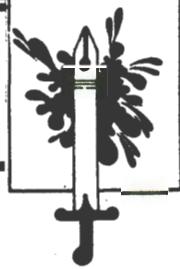
هر یوردنه چې منافقین هره توطئه کوي، پریو ده چې د خاد او
 کې جي لې جاسو سان هره دسيسه په کار اچوي. پریو ده چې د
 غرب په شرا بخانو کې ناست عیاشان

هره پلمه جوروی خو تاسو خهل

صف کلک و ساتې، خپل عزم او صبر تینګ ولرۍ، الله مومن دی
 اسلام غالبه دک او هیشع شې یې نشي مفلو بولی. دا د جهاد
 وروستي په او دې، هر کار په خپل نهایې مرحله کې سختیبوی
 ورونو! بری دهنه چا په برخه کېږي چې زیات صبر او ثبات ولرۍ
 او له زغم او استقامت نه کار و اخای. نو خو ورځی نور هم سختی
 وزغمی، فتحه او نصرت ستاسو په برخه ده، الله جل جلاله د صبر
 کوونکو مل دی. تاسو ته یې د برياليتوب وعده در کړي.

ان تنصر و الله ينصركم و يثبت اقدامكم

که د خدای له دین سره مرسته وکړي، الله جل جلاله به تاسوسه
 مرسته وکړي او ستاسو قدمونه به محکم او ثابت و ګرځوي. انشاء الله



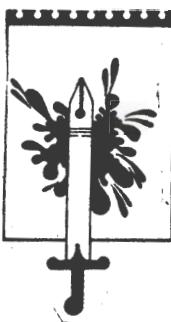
شهیده!

کله چي د سېخلي جهاد په تاوده مور چل کي ددهري دېمن گوله د متا په تهرو لګيدي ، او کله چي ما ستا جنازي ته اووه ورکوله نوستا د غایيل او زخمی صورت نه د غیرت او شهامت خخه دک دسرو وينو خاځکي خېيدل اوستا دويتو هريو خاځکي دتكير دنارو په بدرکه سره دمځکي په لوغرن اوځيل شوي منځ راتوئيدل . ته دغم او وير نه په دک کت کي يوازی لى روحه پروتولي خوستا جنازه ديره درنده وه . هو ! ته د عقیدې عسکر وي ، ته د نبوي شريعه منونکي او د اسلام تک لاره دې غوره کري وه ، ستا په زړه کي د مظلومو او یوزلو مسلمانانو مینه په توپونو وه ، ستا په زړه کي ژونديو هلهو خاي نیولي او په غورځنک وي .

کله به چي ته د جهاد په نیت د کور نه روان شوي تو د خمکي منځ به ستا د ډېنو هر قلم به فیړه تندمبکلوه .

نن چي ستا د ډروizi شوي وجود خخه کومي ويني بهسيوي يا هم همدغه محکمه ستا دويتو هر یو خاځکي بنکلوي او په پله غيءه کي ورته خاي ور کوي .
ستا د شهادت پهويار به محکمه ستا د وينو خاځکي خيانه نکري ، او د هر خاځکي په خاي کي به ګل وسړو وي .

خو ! شهیده ! ستادي شهادت مبارک وي او کومسو ارمانونو چي ستا په زړه کي بې خاي نیولي و لو ستا جنازه بې درنده کري وه نن به ،
هو ! انشا الله نن به مونو ستا لاره تعقیب او ستا ارمانونه به پوره کوو .



لیکونکی : عنیق الله (جهادیان)

د حق پاڅون

د حق پاڅون ورو زرو ته حنایت ور وښود
هم بی دنيا ته د مظلوم ملت همت ور وښود
د حق پاڅون چې د حق لاري ډیوه به کړله
نو بی اسیر امت تهورمز د خپل عزت وروجود
د حق پاڅون ورنه بردي له مخ نه لیری کړلې
تولی دنيا ته می بطلان د مادیت ور وښود
د حق پاڅون دوبغرعوني طاغو تیان کړل به وینو
هم بی دېمن تهور د لوی ذات وحدانيت وروجود
د حق پاڅون هر یوسوچل په ملحدې یوسو کړ
نو بی سلم امت ته روح د اسلامیت وروجود
د حق پاڅون کړ د حریت ګلشن په یونځرو به
راتلونکی نسل ته می درس د شهادت وروجود
د حق پاڅون د تا ایدو، اید یا تازه کړو
اسیرو خلکو ته می ژوند د حریت ور وښود
د حق پاڅون د استکبار به کورلرزا راوسته
همی می وحدت کې بشارت د خپل نصرت وروجود



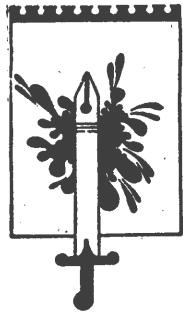
ذوید آزادی

غم مخور ای هم وطن اینجا چرا غان میشود
کشوت آزاد از دست لعینان میشود
ظلمت شبهای دیجور کی بحاند برقرار
«کوکب» بخت برآید صبح تابان می شود
تیره گیها وسیار و زی نهاند عاقبت
منتظر باداکه او بالست درخشان میشود
شام خونین برگند بستر ازما وای ما
صفحة هستی ما زانه رو فروزان میشود
از فرازها ونشیب زندگی هرگز منال
زآنکه فرجام از تو باشد محو شیطان میشود
از جفا و ظلم و بیداد عمد و رنجی مهر
واژگون از همت کانون رو سان میشود
نکفر لعین بر میهنت یورش زده
لیک میبینم بهر سو تیر باران میشود
بر جنایت های استکبار شرق و غرب ب نگر
این هم آمار پای «چوف» و «ریگان» میشود
ضربه های کاری ات قلب دشمن را درید
چاره دیگر ندا رد صلح خواهان میشود
گوش کن حرفمرا از سنگرت دوری مجوی
جان فشانی کن که مهین صیدونان میشود
هوشدار از چال و نیره گهای دژ خیان شرق
ورنه مهد مؤمنان چون تاج کستان میشود
باش دائم در جهاد و پایداری در زیرد
زود است که روس و امریکا بلدرزان میشود
قطرهای خون پاک تو که ریزد بر زمین
یاد دار هر قطره آن موج و طوفان میشود
هر که باخون شهیدان غدر و خیانت میکند
بنگر آخر غرق اندر بحر جوشان میشود
ای «ترابی» نامید از رحمتیزدان میباشد
شادباش آزادی از آن مسلمان میشود

خ د م

هفته تستی

چی به د بوری ناز بد لی همه تبني
چی بی پیو کی لو غم بد لی همه تبني
چی خورل به دی شراب و رسه بو خای
چی به خنک کی بی گرزید لی همه تبني
همه تبني خی مسکو ته تا بور بسیدی
چی به غم بی ژر بسید لی همه تبني
شه او ورخ دده به مخ کبی چی روان وی
ورته کوز، هام چی کید لی هفسه تبني
چی زمونه وینی دی خنبلی به ده باندی
چی به دیر تری خار بسید لی هفسه تبني
خدای(ج) دخوار کرمه لکه دخوار چی شولی هاتی
ورته زبات چی تیپه بسید لی هفسه تبني
دیر آفسوس دی چی لش سره جفا کری
ته به دردیسی در دید لی همه تبني
ورخ نودی ده چی حساب در رسه وشی
ته بی دلته بور بینو د لی هفسه تبني
اچولی بی گونگری چی وو متا هنبو ته
ورته تل چی رقصید لی هفسه تبني
فلسفه د العادیت بی چی در زده کسره
چی ترنن برسی غموليید لی هفسه تبني



فضل کریم مجددی

فریاد

له و فریاد ازین گردش دوران فریاد
من ازین زندگی مییر کشم وزین جان فریاد
غم این نیست که دشمن به خنجر بزنند
از هزار گونه جفا کاری پاران فریاد
شدم دارم که بنالم زیستاد عده و
زدوزنگی و دو روئی مجان فریاد
من ز و حشت گری روس تالم کنوں
از نفاق ملت و قوم مسلمان فریاد
دستخوش تفرقه تاکی خدم را نکید پد
این چه ظلمیست سر ملت افغان فریاد
متخد شد همه آن دشمن و پلخواه وطن
من و تو بین خودیم دست و گریبان فریاد
سر با نی ته د تسفیحه جمع لبکردی
کمونیست که سر اوچت کاندی خوشبوی
هر غازی او مجاہد لام کی خنجر دی
دالله اکبر په پو نصره شی قبح
دل شب پاره شد از ناله پر سوز بسی
به اجابت نرسید یک زهزاران فریاد
ون مسلم همه جاشد سرازیر چو سیل
از سرا زیر شدن اشک پیمان فریاد

د میرانی خلی

خانجان «وقا یار»
سور په وینو د وطن هر یو ستردی
میدان تورو دندی د نینعن سرته خطرو دی
ستله د حق، پا طل تو منع را غلبي
قر بانی ته د تسفیحه جمع لبکردی
کمونیست که سر اوچت کاندی خوشبوی
هر غازی او مجاہد لام کی خنجر دی
دالله اکبر په پو نصره شی قبح
دل شب پاره شد از ناله پر سوز بسی
د شهید په قبور خلی د میهم انسی
هدیره کی پی جور کمری لوی منظر دی
دیر روسان په خپلو وینوکی لات پت نیول
هر دهري له خیل قست نه مروردی
د مسلکو د تیپتی لارئی و رکه کمری
په شکست باندی پی تول جهان خبر دی
مغروري او سرزوري ترینه الوئی
هر ملعد په دغه جنکه کی کور اوکر دی
«وقا یار» مجاہد و میر نیو!
په کونه و پی د روئی مسراج لبکردی

کمله های اولیه

نوبه و ترتیب: ظفری.

در میدان محاواره

از **Capitulum** با شربانچه و به شکل
نهضانی در شرائین بزرگ برنگ سرخ
روشن میباشد.

در حالکه خو نریزی های ورید
برنگ سرخ سره از قسمت

بدون نهضانی و فورانی خارج میشود
که با پانسمان فشار دهنده توقف میکند
قواعد یاقوانین استعمال پاکت

انفرادی چرب

سرپاکت از ناحیه درز دارد آن
پاره شده از قسمت عتب گاز ها گرفته
شده به سطوح داخلی آن تماس نشود
گزتابت در فوهه داخلی و گاز متحرک
در فوهه خارجن رسانیده شود و بندazer
دور داده شود بعد از کومک های
فون لانکر در صورت از دم تدبیر شود

استطاعت تثبیت ترانسپورتی
۱ کسور غطام ۲ جروح مفاصل
۳ تخریبات و میع انساج رخوه اطراف
۴ مجروحین که در انها گرو تطبیق
شده باشد.

قواعد تثبیت: مجبوب راحت
ناحیه مأوفه شده احساس درد را کم
میکند از بروز شوک Shock روماتیک و شوک ترضیض را
جلوگیری میکند تخریب های تالی
پائانوی انساج رخه توسط پارچه
های نهایت مسکسوره و
نزف های تالی و جروحات تالی رانه
میکند.

از افشارات جرحوی جلوگیری میکند
در شرایط جهاد اشیایی دست داشته باید
استفاده شود مثلاً تخته چوب و اشیای

۱ - گرو یا **Torniquet** بالای
لباس حتی الامکان نزدیک جرمه در
قسمت بزوک سهل **Proximal**
نزدیک جرمه تطبیق شود.

۲ - در فصل تبستان برای ^{۱/۲-۲}
و در فصل زمستان برای
گرو تطبیق گردد و اضافه از مدت
فوق نکروزاسکی (نه رسیدن خون)
در آکسیجن به نزدیک جرمه میشود
بنابرآ وقت فوق الذکر تست نمودن
Torniquet به انگشت محکم گرفته
شود تا نهایت دورتر (قسمت دورتر)
اروالی خود را تامین کند.

۳ - بعد از تطبیق گرو حتماً هویت
مجروح با دقت تطبیق گرو یعنی
 ساعت و روز دریک نقطه اشکارا
ذکر یابو شته شود.

۴ - گرو همیشه در اشرف علوی و
سفلی تطبیق شود.

۵ - سه و خطا در تطبیق گرو -

۶ - استعمال گرو در خونریزی
های وریدی باید استعمال گردد.

۷ - عدم استعمال آن در خونریزی
های شریانی.
خونریزی های شیرینی از
قسمت **Prantal** به شکل فو رانی

مطالعه مجر و حین از میدان
محاربه شروع میشود.
کومک های اولیه صحی توسط
مجاهد صحیه دسپنگر یا کومک خور
نحوی و یا کمک های متناظله صورت
میگیرد وقت و زمان اجرای کومک
های اولیه سرنوشت مجروح را تعین
مینماید. باید مجاهد صحیه بدون
ترس از آتش دشمن در میدان مجادله
و محاربه به مجروح خود را رسانیده
و باوی کمک نمائید تدابیر ذیل در
میدان محاربه ضرور است.

۱ - توقف دادن خون ریزی های
خارجی.

۲ - تطبیق پانسمان بالای جرمه
بواسطه پاکت انفرادی چرب.

ثبت نایه جراحت برداشته
شده توسط اشیای دست داشته.

۳ - مجادله به مقابل امپکس با تثبیت
نمودن زبان توسط منجاق به لب
هایان، مجرح فاقد شعور توقف طرف
های خارجی توسط بند از های فشار
دهنده (وریدی)

و در خونریزی های شیرینی
شدید ایجاد تطبیق گرورا میکند.
قوانین تطبیق گرو یا **(Torniquet)**

دیگر .

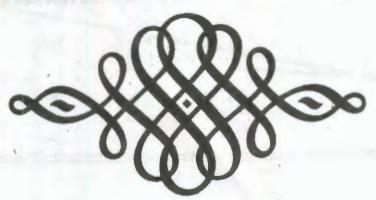
باشد .

- در صورتی که نزد مریض خون ریزی داخلی قحنی موجود باشد بر علاوه اعراض عمومی خون ریزی نزد مریض اعراض دیگر مانند بلند رفت نشانه ای دارند نخاع شوکی امتراغات مسکرر ، پایین آمدن فشار شریانی *Cyanosis Bradycardia* و بالاخره اختلال شعور مریض پیدا می شود .

- در صورتی که نزد مریض خون ریزی داخلی *Prycardia* موجود باشد . درین صورت حالت نزد مریض دردهای قرب القلبی موجود بوده قسمی که اشاره آن بطرف شانه چپ و بازوی چپ بوده و با تنفس تشدید یافته و با حرکات هم درد افزایش پلید .

- در صورتی که نزد مریض خون ریزی داخلی *Alveolar* موجود باشد درین حالت بر علاوه خون ریزی عمومی نزد مریض اعراض موضعی هم موجود می باشد با جنس اهتزازات صوتی از میان وقته با قرع در ناحیه اصیت و با اتفاق لوازهای تنفسی بکوش نمی رسد .

در صورتی که نزد مریض خین ریزی داخلی لطیف موجود باشد درین حالت نزد مریض بر علاوه اعراض عمومی خون ریزی اعراض موضعی خون ریزی هم موجود می باشد مثلماً با قرع در ناحیه اصیت موجود است .



b : - در صورتی که نزد مریض یک

خون ریزی وریدی باشد درین حالت خون رنگ بشغوفی را داشته می باشد .

c : - در صورتی که نزد مریض یک خون ریزی شکل *Capillary* باشد درین حالت خون در سطح جرحه و یا جلد شکل ژاله مانند را دارد .

در صورتی که جروحات ناریه در اثر مردمی وجود دیگری به نام خون ریزی ابتدائی یاد می کنند .

در صورتی که خون ریزی از اثر فشار بوجود آید به این خون ریزی تالی یاد می کنند .

خون ریزی تالی به ذوبه خود به دو نوع می باشد .

- خون ریزی خارجی .

- خون ریزی داخلی .

از اثر تنهض حجم دورانی نزد مریض یک عدم کفاایه دورانی عمومی پیدا می شود .

در شروع از اثر تنبه

(C.N.S) نزد مریض توییج حرکت بوجود آمده و در داخل بعد از سبب نهی سیستم عصبی نزد مریض - سر چرخی تاریکی در چشم ان تشنجی ، عرق سرد خاشف شدن وجهه بعض خیطی و بالاخره تشویش شعور پیدا می شود .

قبل از مورد خون ریزی های داخلی و خارجی تذکری داده شده بود چهات تشنیج خون ریزی های داخلی علاوه از اعراض عمومی خون ریزی اعراض موضعی خون ریزی هم مدنظر باشد .

در صورت عدم موجودیت اشیا باید طرف مسکسورة علوی به صدر و طرف مسکسورة نصلی بطرف سالم تثبیت شود بعداً مجرو حین در یک محل جمع اوری می شوند (اشیاء به مجرو حین) و به مرکز صحی نقل داده می شود .

در مرکز صحی کومک های قبل از داکتری و داکتری صورت گیرد که محتويات ان قرار ذيل است .

مجرو حین که سرد تطبیق شده باشد گرو خلاص شده شریان طیف توسيط پنس گرفته شده *Ligator* می شود (شریان بسته می شود) اگر وازاد شود در صورت تخلیه بعد از کنترول فوراً نقل داده می شود .

مجرو حین که پاسمن شده باشد پاسمن شان کنترول گردد . مجرو حین که تثبیت شان اصلاح شود *Antitoxic* *tanic* تطییق ۳۰۰۰۴ بعد از تست جادی داده شود بعداً مطابق جرحه تداوی جروحات ناریه صورت می گیرد .

(خون ریزی ها و طرق معارضه آن) . خون ریزی بایکی از اختلال ایابت جروحات ناریه می باشد و از نظر تقسیمات به خون ریزی شریانی خون ریزی وریدی و خون ریزی *Copillary* تقسیم می شود .

d : - در صورتی که نزد مریض یک خون ریزی شریانی وجود داشته باشد خون شکل سرخ روشن را داشته و نسباتی می باشد .

بندګ پهان

جیړو منځ

پتمنو انصرهو! د افغانستانز نړیدلې مهاجرین هغه خوک چې دلسو کالو راهیسي دو لېږي
تندي، غربت او فقر، در بدري او پرديسي او بالاخره د مرک سره غاړه په غاره دسيوري او
لمر په پيوندکي د بير ستر او سبيشيلى هدف دتر سره کېدو پخاطر ستاب سوچ داکونه په
خيمو دک کړي، خپل کور او تجارت او حتی چې دخولی مړۍ مو ورسه نيمه او د فمير او
عاطفي پيوستون مو و سره اعلان کړي. د ذره له کومي ستاسي ددي خواخوري، ميلمه
پالني او غم شريکي منه کوي او د هجا په توروکي ستاسو د قدر داني قالب نشي پيدا
کولاي.

خود غير او غمار په اشارو ددي جهاد سره په ملنډو وهلو اجازه هم چاته نشي ورکولي
نو هکه خو یو حل بيا خپلي خمي او رسه، اوښکي او دردونه او په پائې کي خپل هدف
او: فورال مخکي لدې چې ورباندي کوم نارو ا تجارت ترسه، د همت کتوئي ئيور چې، او
حدا (ج) اناخواسته کنلي عفت ئي برباد شي دسيپنوا وارو په اور دتونل او دنا پا لم
په سور سکرو تود کړنک او تونک له ترهې بير ته خپل هجرت ته ادامه ورکوي، او ددي
مانې کشتۍ چې ديو نيم مليون شهیدانو دوبنو په دندکي لاهوونه دبري ساحل ته درسيدا
په هيله مخ په وراندي دونکري وهي.
خو دا خلیه هجرت دلوبديع او جنوب پر حائي شمال او ختيئه ته وي چيرته چې د کمونيزم
داناخواлиو له لاسه دېنکو جوماتو دتکي مناري د بلالي اذانونو انتظار باسي.

د افغانستان دغه سې وزلي مهاجرين به هر خه ومني، هر راز تکليف ته به غاړه کېږدي،
ددنياسود او زيان ته به شاوا روی، د خپل پردي نه به لاس ومنځي، خو پخپلوا اصولو
او مبادئو به هيڅکله هم تجارت او سوداکري ونکري.
موږ دهفو خوبندو او ورونو احسان نشوهيرو لي چې حموږ په يتيمانوئي د شفقت لاس
رابنکو دي، دهفو په خيري کړيو انټوژنه دوېدلي او د پخي شي په خيته کي ئي پري
جهاد ذرې سوي له امله فقط دري خاځکي اوښکي توکي کړي او د مظلوميت اهونوئي د
اسمان پردي خيري کړيدې.
هوکي! حموږ سره ددي امت درېښتنيو بچو د درد احساس شته چې د برلي او باران په
وخت خوب نه ورځي او حموږ دشليدلو خيمو يادئي له سترکو تونکي تونکي اوښکي

درنو انصارو! اجازه راکړي چې د اسلامي تناصح او ترخي تجربې په حکم درته دایوه خبره
لړ په زفر ده او لور او اوز ووابو چې: که غواړي درانه او په درښت شي نو توري په
لاس او مټۍ راښېتني او سه کړه راټلونکي د جهاد، اوکړي خولي په سوک سمې
ایا همدو مرد بس دی؟

سایم

مناجات

الله ! ! من بندۀ ناتوان ، و در استلاح و آزمایش سرگردان ؛ در
کرداب خواهشات سرکش نفسانی شده حیران و برشامن .
توانم بخشن که بی توان تو هچ نتوان کرد . صبر و شکیبائی نصیبیم فرما
که بی آن نتوان رستن . نفس سرکش و طاغی ام را با الهام الهمی ، در
کشاکش دنیای هست مادی از استغنا بهره مند گردان .

پرورد گارا ! ! چشمی ندارم تا بدان نظاره جلال و جمال قدرت لاپزال
بنمایم ، لوه تعقل و استدرا کی ندارم تا در تلاطم امواج روزگار ساحل
هستی و نجات وا بیاهم یائی ندارم تا بر طریق راستین گام بردارم .
نیروئی ندارم تا در مبارزه حق و باطل دلیرانه سهم کیرم ، جرئتی ندارم
تا حق را ابراز کرده و از نام یاکت دلیرانه و بی یاکانه دفاع نمایم .

کرد گارا ! ! چشمی براهم عطا کن تا نظاره جلال و جمال را در
کائنات مشاهده کنم ، تعقل و استدرا کی هنایت فرما تا حق را از باطل
تشخیص نمایم ، نیروئی هنایت فرما تا با دینمان اسلام و آزادی حق را
با نصرت الله به شاهراه پیروزی برسانم . جرئتی بده تا از حق مردانه وار
دفاع نمایم . و نام حق را بر دنیا حاکم بسازم ما دا میکه آزادی انسان
از انسان تعقق بیابد و دنیا بتواند در بروتو نام والايت آرامش از دست
رلتۀ اش را باز باید . انشاهه الله تعالی

کتو نکی دله

چهید . - سکل جان - وفا یار

اتحاد اسلامی افغانستان

ریاست امور فرهنگی

آمریت نشرات

اداره حق پاixon

تلفون :

۷۷۸۲۲۶

۷۷۸۲۸۶

تلکس :

52378 IIAMA -PK.

پامرنه : زموږ په ۳۱ مخ کښی ولولو !

مَوْبِنْ إِلَّا لَهُ مِنْ بَيْنِ
جَهَنَّمْ وَمِنْ أَوَّلِ

